









پایلوت‌های



یکی دریاست هستی نفق ساحل

صاف حرف و جواهر دانش دل به هر موجی هزاران دُرُ شهروار
بـسـرو ریزد ز نصّ و نقل و اخبار
هزاران موج خیزد هم رد می وی
نگردد قطره‌ای هرگز کم از وی
وجود علم از آن دریای ژرفست
غـلاف دُر او از صـوت و حرفست
«محمودشیرازی»

صبح روز چهارشنبه ۹۹/۹/۱۲ فرهنگستان زبان و ادب فارسی در غم از دست دادن انسان نجیب و ژرفنگر، استاد اسماعیل سعادت، غرق ماتم شد. غم از دست دادن استاد یک‌منظیر و صاحب کمال چندان آسان نبود. کسانی که استاد را از نزدیک می‌شناختند و با سنجایی اخلاقی و انسانی‌اش از او چهره‌ای متفاوت، نجابت، مهربانی و فروتنی وی را می‌ستودند، مک‌حرف بود و گزیده‌گوی. هرگز سخنی که موجب رنجش دیگران شود بر زبان نمی‌آورد. شخصیت علمی وی همراه با ویژگی‌های اخلاقی و انسانی‌اش از او چهره‌ای متمایز دیگران ساخته بود که مثال بارز این بیت خاجوی کرمانی بود:

گفت: بـه دلربایی مـا را چـگونه دیدی؟

گفتم: چـو خـرمـن گل در بزم دلربایی
استاد به نیک‌فـسی شـهرهٔ آفاق بود و ادب نفس و ادب درس را توانا داشت. زاده خوانسار بود و در سال ۱۳۰۴ خ متولد شده بود. درس کارشناسی ارشد زبان‌شناسی شد. در هر دوره از زندگی خود تلاش کرد تا از محضر استادان صاحب‌نام بهره‌مند شود. مروری در زندگی این مرد خود ساخته فهم و نجیب و سخت‌گوش نشان می‌دهد که برای رسیدن به هدف خود چه راه پرفشتری را با چه انگیزهٔ ستایش برانگیزی طی کرده است.

افتاد استاد در تهران و توانایی‌های علمی و ادبی وی و حافظه قوی و استعداد درخشانی که داشت، او را در مسیر قرار داد که خیلی زود در سلک یکی از نام‌آورترین ویراستاران و مترجمان کشور قرار گیرد و با تدریس در مدرسه تهران، با نگاه ترجمهٔ نشر کتاب در زمینهٔ ویرایش ترجمه‌ها همکاری می‌کرد و همواره این دورو به نیکی سخن می‌گفت و این مؤسسه را یکی از کارکنان مهم فرهنگ می‌دانست. استاد مانند نیز با مجلهٔ راهنمای کتاب که به مدیریت ابرح اشرف اداره می‌شد، همکاری نمود.

استاد اسماعیل سعادت، پس از یک‌صدوشی (پانزشتگی) از وزارت آموزش و پرورش، با سمت ویراستار ارشد با شرکت ویرایش و تولید فنی وابسته به دانشگاه آزاد ایران همکاری نمود و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مرکز نشر دانشگاهی مشغول به کار شد و سرمدیری مجلهٔ معارف (وابسته به مرکز نشر دانشگاهی) را از بدو تأسیس به عهده گرفت.

استاد با توجه به توانایی‌های علمی و ادبی که داشت به حق شایسته عضویت در فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود از این رو در ۱۳۷۱/۱۲، به استناد مادهٔ ۳ اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بنا به پیشنهاد شورای فرهنگستان و به حکم رئیس جمهور وقت، دکتر سید محمد خاتمی، به عضویت پیوست و به‌عنوان مدیرعامل درآمد. حضور استاد در فرهنگستان موهبتی بود و صف‌نویسان، درج‌بندینظر در دوازده جلد در سال ۱۳۸۸، هفت انتشار وی را به عضویت گروه دستور خط فارسی و سپس به مدیریت گروه تحقیقات ادبی (دانشنامه زبان و ادب فارسی) برگزید.

استاد سعادت با تجربه و دانشی که داشت و با ذهن خلاق و دقت سرپرستی دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی را بر عهده گرفت و در تلاش و وقت صرفی به سخت‌کوشی دانشنامه را در هفت مجلد رحلی و بالغ بر پنج‌هزار صفحه به پایان رسانید. چاپ دوم این مجموعه گرانگفت به همت انتشارات سخن، با افزوده‌ها و تجدیدنظر در دوازده جلد، در سال ۱۳۸۸، چاپ نشتر شد و اگر نبود همت و پشتکار و کار مداوم وزانه ایشان، آن هم در سن بالا، چنین اثری خلق نمی‌شد. به قول حافظ:

به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد

ترا در این سخن انکار کار ما نرسد
اگرچه حسن‌فروشان به جلوهٔ آیدمندان

هزار نقد به بس بازار کاینات آرد
کسی به حسن و ملاحظت به یار ما نرسد

یکی به سکهٔ صاحب عیار ما نرسد
استاد با همت و صفت‌ناپذیر از دل دانشنامه زبان و ادب فارسی مجموعه دوازده جلدی فراهم آوردند که از جمله می‌توان به فردوسی و شاهنامه‌سرای، انواع ادبیات و عروضی و قافیه و آهنگ فارسی و ایران‌شناسان، ادبیات معاصر ایران، بلاغت و عروضی و قافیه در ادب فارسی و این شاعر بزرگ ایران، اشاره کرد.

این یک روی سکه بود اما آن روی سکه که منش انسانی و اخلاقی وی است نیز باید یاد کرد.

مختصر استاد، مکتب خوشنویس و خودنویاری بود. از دورویی و ریا که فرهنگ رایج روزگار ماست پرهیز داشت. همواره به جوانان تعلیم می‌کرد با فرهنگ و تاریخ خود آشنا شوند و متون کهن فارسی را بیشتر بخوانند و دائم با این متون مانوس باشند نه برای اینکه عین آنها نبوسند بلکه برای اینکه شمع زبانی بیشتری پیدا کنند. استاد بدین رویایی داشت و در ترجمهٔ متون فلسفی یکی از شاخص‌ترین مترجمان کشور بود. در مصاحبه‌ای که در اردیبهشت ۱۳۸۰ با کتاب ادبیات و فلسفه داشت، درباره ترجمه و مترجم نظر خود را چنین بیان نمود: «ترجمه سر کن اساسی دارد و مترجم باید بر زبان مبدأ و به سبب تسلط بر آن متون مربوط به علوم انسانی، مترجم باید با روح زبان مادری خود خوب آشنا باشد و متون ادبی زبان مادری خود را بسیار بلد باشد تا بتواند دقایق متن زبان مبدأ را در دریافته است به زبان مادری خود منتقل کند»

در نشست‌وجوینان به اخلاق‌مداری و استفاده از عمر گذران کوتاهی نمی‌کرد. هر جوان جوانی که می‌خواست به یار ایشان همراهی می‌کردند، صرف‌نظر از تحصیلات دانشگاهی، اگر می‌داد که به پژوهش علاقه دارد، تشویع پژوهش و مقاله‌نویسی را به او یاد می‌داد. استاد معتقد بود که آلودن‌خنها را باید به ترجمه منتقل کرد تا نسل آینده با مسائل علمی آگاه شوند.

به جوانان توصیه می‌کرد که اگر در امر پژوهش و مطالعه گام گذاشته‌اند باید دل به کار دهند و دل بسوزانند، اگر چنین کنند موفق خواهند بود. گویی استاد برای نیکبودن و نیک‌زیستن، بر دنیا آمده بود. هرگز ندیدیم حسرت اینانی که از نادر بخورد، به دانش‌ها شکرگزار بود و قانع و بی‌نیاز و گاهی این راغبی را از عمر خیم زرمزه می‌کرد:

ای دل، غمم این جهان فرسوده مخور

چون بودی گذشت و نیست نابوده پدید

پیوده نهای غم‌ان پیوهده مخور

خوش‌شای و غم به‌سوده و نابوده مخور
استاد تا آخرین لحظه حیات خود، مصمم، جلی و کوشا بود و بزرگی و مهربانی سرشار از کرامت نفس در وجود وی متبلور بود.

از یبسی که در نظم‌م خوب آمدی صنما

هرچه‌ا که می‌نگرم گویی‌که در نظری

با بزرگ و کوچک و عارف و عالمی در خور فهم و مرتبه‌شان سخن می‌راند، به دل دنیا دل‌بسته نبود.
در کار گروهی همواره به جوان مدبری مدبر عمل می‌کرد. از حال و روز همکاران غافل نبود و بر پی انتشار هر جلد دانشنامه، مجلسی به هزینة شخصی می‌گرفت و همکاران را به لطف و سرور می‌نواخت. از روز تولد آثار غافل نبود و هر روز که راهی منزل می‌شد از تک‌تک همکاران گروه حفاظتی می‌کرد و این رفتار پندانه و در عین حال مدبرانهٔ وی، وابستگی عاطفی عمیقی بین اعضای گروه و استاد ایجاد کرده بود و این شیوهٔ مدیریت و اخلاق‌مداری وی الگوی بود برای همه. استاد هر روز ساعت ۸ صبح پست میز خود قرار می‌گرفت و تا ساعت ۱۲ بعدازظهر می‌دام می‌نوشت، می‌خواند، ویراستاری می‌کرد و در نهایت تقسیم‌کار و نظارت بر کار همکاران و این چنین بود که همکاران مثل پرولانه به دورش می‌گشتند.

و تی در ۱۳۸۷ لای ظرف فرهنگستان به عنوان عضو کمی شایسته تقدیر است معرفی می‌شد. زنده‌یاد حسن حبیبی در پی چنین معرفی می‌کردند:

«تأشمنند کوشا و پرکاری که سال‌های سال و حتی در دورهٔ کهنشالی بدون توقف به‌یادعدا در خدمت زبان و ادب فارسی بوده‌ است، بی‌شک شایستهٔ تقدیر و سیاه‌نگاری از جانب مسئولانی است که در اندیشهٔ گسترش و بالندگی زبان فارسی هستند.

بقیه در صفحه ۱۴

## انتقاد مجید مجیدی در جشنواره فیلم ونیز از تحریم‌های غیر انسانی آمریکا علیه ایران

مجید مجیدی کارگردان فیلم «خورشید» در نشست خبری این فیلم در جشنواره ونیز بهشدت از تحریم‌های غیرانسانی آمریکا علیه مسردم ایران به‌خصوص در دوران کرونا انتقاد کرد.

به گزارش مهر، مجید مجیدی کارگردان سینمای ایران روز یکشنبه ۱۶ شهریورماه در نشست خبری فیلم سینمایی «خورشید» پس از اکران این فیلم در جشنواره فیلم ونیز در پاسخ به‌سوالی درباره‌نسبت معضلات اجتماعی به‌تصویر کشیده شده در این فیلم با وضعیت سیاسی و اجتماعی امروز ایران، گفت: آنچه در این فیلم روایت می‌شود روایت یک معضل جهانی است و محدود به یک کشور خاص نمی‌شود.اما می‌توان گفت آسیب‌های برخی کشورهای خاورمیانه به دلیل جنگ‌افروزی‌ها متحمل می‌شوند.بیشتر است.

وی افزود: کشور ما نزدیک به ۴۰ سال است که تحت تحریم‌های ایران قرار دارد و همین الآن که من با شما صحبت می‌کنم و در وضعیت کنونی‌ای قرار دارم که یک درد مشترک جهانی است، جالب است بدانید یکی از معضلات مهم کشور ما بحث تحریم‌های دارویی است. در این شرایط سخت دارو وارد کشور ما نمی‌شود چرا که تحت تحریم‌های آمریکا هستیم. ۲۰ سال است در این شرایط سخت ناشی از تحریم‌های غیرانسانی آمریکا، مردم ایران زندگی گس می‌کنند.کارگردان فیلم

سینمایی «خورشید» گفت: یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های ما این است که در دلیل مردم گسترده‌ای که با کشور افغانستان داریم، بخشی از مردم آسیب‌دیده این کشور به شکل غیرقانونی وارد کشور ما می‌شوند. آمودا. این رسمی بین ۲ تا ۳ میلیون نفر است اما به

نظرم آمار غیررسمی خیلی بیشتر از این‌ها است و شاید چیزی در حدود ۸ تا ۹ میلیون مهاجر افغان ما در کشورمان داریم. از سوی دیگر به واسطه جنگ عراق،مهاجرینی از عراق داشتیم.از سوی پاکستان هم به همین صورت بوده است. مجموعه این‌ها باعث آسیب‌پذیری کشور ما و مواجه‌اش با چالش‌های بزرگ شده است.مجیدی بار دیگر با اشاره به داستان فیلم خود و معضل کودکان آسیب‌دیده از شرایط اجتماعی تأکید کرد: این داستان یک داستان جهانی است و محدود به یک کشور و دولت خاص نیست.وی افزود: نکته دیگری که در فیلم «خورشید» هست و می‌خواهم بر آن تأکید کنم مسئولیت‌هایی است که در هر جامعه‌ای وجود دارد و گاهی فراتر از وظایف دولت‌ها و قانون است. من در این فیلم مسئله‌م حکومت‌ها و دولت‌ها نیستند، بلکه می‌گویم مردم باید مسئولیت اجتماعی خود را بپذیرند.

جامعه مانند یک خانواده است و وقتی یک خانواده آسیب بینند، مانند آسیب دیدن همه جامعه است.آسیب‌های جامعه هم وارد خانواده همه ما می‌شود.نسبت به معضل کودکان کار در هر جامعه‌ای هم به نظر مسئولیت‌پذیری مردم نقش بسیار جدی دارد.اما درعالم‌شمارکامور و کمک کنند تا این معضل حل شود.

این کارگردان سینما آمودا داد: در این فیلم مطرح می‌کنیم که این کودکان مجبورند کار کنند و چاره‌ای نیست، اما می‌گویم به کنار کار این‌ها باید آموزش ببینند و درس بخوانند. این کار ایده‌ار هم از فعالیت‌های مردمی مردم کشورمان در به‌طور طبیعی امکان تحصیل نداشت اما همین

### اخبار داخلی



مدرسه سبب شد که شمیلا درس‌خوان شود آن هم با کمک مردم. مشارکت مردمی معنویان خانواد بزرگ‌تر این بچه‌ها بسیار می‌تواند کمک‌کننده باشد.

کارگردان فیلم سینمایی «خورشید» در پاسخ به سوالی درباره انتخاب بازیگران این فیلم گفت: ما در این فیلم می‌خواهیم «پدر» و «پدر» را کارگردان کودکان بازیگر این فیلم گفت: کار در این فیلم برای من سابقه‌ای طولانی دارد. از اولین فیلم‌های من «بچه‌های آسمان»، «پدر» و «پارن» فیلم‌هایی بوده‌اند که درعالم‌شمارکامور و کمک کنند تا این معضل حل شود. این کارگردان سینما آمودا داد: در این فیلم مطرح می‌کنیم که این کودکان مجبورند کار کنند و چاره‌ای نیست، اما می‌گویم به کنار کار این‌ها باید آموزش ببینند و درس بخوانند. این کار ایده‌ار هم از فعالیت‌های مردمی مردم کشورمان در به‌طور طبیعی امکان تحصیل نداشت اما همین

مجیدی افزود: همواره‌ها که می‌دانید بازی مقابل دوربین اساساً کار سختی است به

### هشدار درباره شیوع بیماری‌های عفونی با کاهش واکسیناسیون

در بدو تولد تا حدود ۵سالگی در شش نوبت برای بچه‌ها

داریم و این تصور که کودکان دو یا سه بار این واکسن را دریافت کرده پس مجاز به قطع دریافت واکسن یا ایجاد تاخیر در فرایند آن هستیم، غلط است.

**۱۳ استان در وضع قرمز کرونا**

سخنگوی وزارت بهداشت آخرین موارد بروز و فوتی ناشی از ویروس کرونا در کشور ۱۲۴ ساعت متنی به ۱۲ استان در وضع قرمز کرونا

دکتر سید محسن زهرایی در گفتگو باایسنا افزود: با ارزیابی‌های انجام شده در وزارت بهداشت مشخص شد واکسیناسیون در سه استان ۹۹ درصد است. ۱۳ استان ۱۰۰ درصد است و در ماه اسفند۱۳۹۸ و فروردین ۱۳۹۹ نسبت به روز مشابه در سال قبل حدود ۱۶ درصد کاهش یافته بود که وضعیت نامطلوب برای برنامه واکسیناسیون کشوری بود. برای رفع این مشکل به سرعت برنامه‌ریزی شد تا با پیگیری، تبلیغ و تشویق خانواده‌ها

انجام واکسیناسیون فعالیت شود طی تماس با خانواده‌ها در مراکز بهداشت روستایی و شهرهای شهری واکسیناسیون کودکان صورت گرفت. خوشبختانه با اقدامات صورت گرفته در سه ماه گذشته، اکنون وضعیت بهتری داریم و پوشش واکسیناسیون نزدیک به ۹۵درصد رسیده است. این درحالی است که پیش از شیوع کرونا درکشیر واکسیناسیون حدود ۹۹درصد بود. اسماال تقریبا پنج درصد افت پوشش واکسیناسیون نسبت به سال قبل داریم و این افت پوشش می‌تواند برای کشور خطرناک باشد.

رئیس اداروی بیماری‌های قابل پیشگیری با واکسن

وزارت بهداشت، تصریح کرد: هیچ‌یکدام از ستادرواحه و برنامه واکسیناسیون باید ترتیب و تنها در صورتی پادار خواهد ماند که برنامه واکسیناسیون ما بدون توقف ادامه داشته باشد. اگر پوشش واکسیناسیون به دلیل این حد مورد انتظار که ۹۹درصد است، کاهش یابد طبیعاًزمینه بازگشت مجدد بیماری‌های واگیردار فراهم می‌شود

با تأکید بر اینکه هیچ‌یکم پادار بدون در گرفتن مزه‌های گرافیاپی منتقل می‌شوند، اظهار کرد: هماگونه که بیماری کرونا از مزه‌های کشورها رعب عبور کرد، سایر بیماری‌های عفونی و واگیردار دیگر نیز به همین راحتی منتقل و منتشر خواهند شد. بیماری سرخک جزو بیماری‌هایی است که

میزان سرایت‌پذیری آن چند ده برابر بیش از کرونا است و تاکنون تنها موضوعی که باعث حفاظت کودکانمان در مقابل این بیماری شده است، پوشش خوب واکسیناسیون بوده است، ولی اگر قرار باشد پوشش واکسیناسیون حدود ۹۵درصد یا کمتر از آن بماند؛ طبی ماهه‌ای اینکه جمعیت قابل توجهی از فرزندندان در مقابل سرخک ایمن نخواهند بود و اگرانی چاره‌ای نسبت به طغیان مجدد سرخک در کشور وجود دارد.

زهرایی خاطرنشان کرد: باید توجه داشت در شرایطی که نظام سلامت کشور، کاردر بهداشت و درمان در درگیر

بمازده با کرونا هستند، صحیح نیست که اجازه دهیم سیستم بهداشتی کشور توان این برای مقابله با بیماری‌های نظیر سرخک، فلج اطفال و … صرف کند. بدون مشارکت کامل خانواده‌ها برای پوشش کامل واکسیناسیون فرزندان، احتمالا طی چند ماه آینده ما درگیر طغیان‌هایی از این نوع بیماری‌ها خواهیم شد که می‌تواند آسیب‌های جدی به خطر بیندازد

با تأکید بر اینکه واکسیناسیون جزو فعالیت‌های ضروری است، اظهار داد: در شرایط کرونا، خروج از منزل برای انجام واکسیناسیون فرزندندان امری ضروری است. مردم باید به اقدام انجام واکسیناسیون دقت کافی داشته باشند و بعد از تغییر شرایط با سایر مسائل زمان تزریق واکسن را به تعویق نیندازند؛ زیرا ممکن است در همین مدت تاخیر، کودک به بیماری آلوم شود که با تزریق واکسن به راحتی می‌شد جلوی آن را گرفت.

کشور	تعداد کل مردم کل	تعداد کل میرها و میرها	تعداد کل میتالان در هر میلیون	تعداد کل میرها در هر میلیون	جمعیت
۱	۶۳۳۸۳۳	۱۹۲۸۷۸	۱۹۲۲۰	۵۸۲	۳۳۱۲۵۶۳۲۰
۲	۴۱۶۰۹۴۳	۷۱۱۲۰	۳۰۰۹	۵۱	۱۸۳۸۱۵۵۲۰۶
۳	۴۱۳۳۰۰	۱۲۶۳۲۰	۱۰۴۲۲	۵۴۳	۲۱۲۸۸۳۳۵۲۰
۴	۱۰۱۳۵۰۰۵	۱۷۸۲۰	۷۰۱۷	۱۱۲	۱۱۲۴۹۰۳۵۲۰
۵	۶۸۳۷۰۲	۲۹۶۵۷	۲۶۰۶۸	۸۹۸	۳۳۰۵۳۷۶۲۰
۶	۶۵۸۵۶۵	۲۱۱۱۵۶	۱۹۱۶۱	۴۱۵	۵۰۹۸۸۲۰۶
۷	۶۶۳۸۸۳	۲۷۹۷۹	۱۷۹۱۶	۵۹۲۸۵	۵۹۲۸۵۲۰
۸	۶۲۹۰۹۱	۶۲۷۶۶	۲۸۷۲	۵۲۱	۱۹۱۷۷۱۱۲۵۰
۹	۵۱۷۱۳۳۱	۲۹۲۱۸۱	۱۰۱۰۶۰	۶۲۹	۴۶۷۵۸۱۸۸۰
۱۰	۴۷۱۸۰۶	۹۸۰۷	۱۰۴۲۲	۶۰۳	۵۲۵۲۰۸۲۸۰
۱۱	۴۰۲۳۳۳	۱۱۵۵۲۱	۱۰۴۲۲	۶۰۳	۱۹۱۲۵۸۲۸۰
۱۲	۳۸۶۶۵۸	۱۱۵۵۲۱	۵۵۴۳	۷۵۸	۱۹۱۲۵۸۲۱۰
۱۳	۳۳۷۱۵۲	۴۱۵۵۲۱	۵۰۱۰۹	۶۱۱	۶۷۹۵۱۱۹۹۰
۱۴	۳۳۷۱۵۲	۴۴۹۷۰	۱۹۷۱	۷۲۷	۱۶۹۸۵۸۲۸۰
۱۵	۳۳۰۶۸۸	۴۰۰۸۱	۹۸۱۶۵	۱۱۷	۳۳۹۱۰۳۷۸۰
۱۶	۳۱۷۷۰۶	۳۱۷۷۰۶	۹۸۱۶۵	۲۷۱	۶۵۳۰۰۱۱۰
۱۷	۲۸۵۰۰۹	۶۳۲۲۰	۱۳۳۲۷	۲۹	۲۱۲۴۹۸۰۰۰
۱۸	۲۷۸۲۸۸	۶۶۲۰۰	۲۳۹۴۳	۵۸	۸۲۵۰۲۳۷۷۰
۱۹	۲۷۶۳۳۸	۶۳۲۰۰	۳۵۲۸	۷۸	۶۰۲۳۵۲۰۶
۲۰	۶۵۷۹۱۷	۷۲۲۲۰	۳۵۲۸	۱۷۴	۴۰۳۸۰۱۸۷۰

زهرایی در پایان گفت: برخی واکسن‌ها نیاز است چند نوبت تکرار شوند؛ به طور مثال واکسن فلج اطفال

### شورای فرهنگ عمومی کشور در بیانیه‌ای اهانت نشر به فرانسوی

### به اسلام را محکوم کرد

دبیرخانه شـورای فرهنگ عمومی کشور در بیانیه‌ای

اهانت نشر به فرانسوی با ساحت مقدس قرآن کریم و نبی اکرم(ص) در محکوم کرد.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است:

«جاذبه تلخ و تأثر آواراهانت به ساحت مقدس قرآن کریم

و سوزاندن آن توسط جمعی از جالان‌خوار و بداندیشی از یکسو و بازشکر یاکنایه‌های اهانت‌آمیز نسبت به پیامبر

گرامی اسلام(ص) از سوی یک نشریه هتاک فرانسوی، بار دیگر عین قبح و عدالت عالمان این حرکت‌ها به نسویم

را نسبت به اسلام عزیز نشان داد.بی‌شک تبعات به خسره گرفتن اعتقادات و مقدسات ۱/۵ میلیارد مسلمان جهان دامن

اعلام، محرکان و طراحان این نقشه‌ها شوم را خواهد

گرفت. دستگاه رسانه‌ای استخبار که بهانه آزادی بیان و قلم

آن هم به گوی‌های کلاما جسته‌دار به اشکال گوناگون به پدیده

### سینما سپیده فیلم های هنر و تجربه را

### اکران می کند

سینما سپیده هم به سینماهای نمایش دهنده فیلم‌های هنر تجربه پیوست.

به گزارش پایگاه هنر و تجربه، سینما سپیده هر روز دو ساعت و ۱۵ تا ۱۷ به نمایش فیلم‌های گروه هنر و تجربه اختصاص داده‌است. این سینما از سال‌های نمایش قدیمی شهر تهران است که مدتی پیش بازسازی و سالن‌های جدیدی به آن اضافه شده‌است.

همچنین گروه تجربه، فیلم سینمایی «حوا، مریم، عایشه» را در هفته جاری در شبکه نمایش خانگی عرضه می‌کند. این فیلم به کارگردانی صحرا کریمی، فیلمساز افغانستانی و تهیه‌کننده کانون شب‌های است، «حوا،مریم،عایشه» زندگی سه زن افغان از قشترهای مختلف جامعه افغانستان را به تصویر می‌کشد که هر یک با چالش بزرگی در زندگی مواجه هستند.

## اخبار داخلی

## انتقاد مجید مجیدی در جشنواره فیلم ونیز از تحریم‌های غیر انسانی آمریکا علیه ایران

وی افزود: بچه‌ها سرمایه‌های هر کشوری هستند که به راحتی هزم می‌روند. این بچه‌های کار از همه چیز محروم شدند و خطرات زیادی هم آن‌ها را تهدید می‌کند. شبیلا که از بازیگران فیلم است، از جمعیت چند میلیونی مهاجران افغان در ایران است. افغانستان که در ماه‌هایی ما قرار دارد سال‌ها است که سایه جنگ را بر سر خود می‌بیند و مردمش رنگ آشنایش را ندیده‌اند. جنگ‌افروزی در همه جای دنیا سبب آسیب‌دیدن کودکان شده است. همین امروز در سوریه و یمن ببینید چه فجایعی در جریان است. اثرات این جنگ‌افروزی‌ها بیشتر روی بچه‌ها خواهد بود.

شمیلا شـشیرازا بازیگر نوجوان فیلم «خورشید» در ادامه نشست در پاسخ به سوالی دربارهٔ حضور در این فیلم گفت: من در ایران به دو ماه آمدم و در مدرسه‌ای که مختص کودکان کار بود، تحصیل می‌کردم. آقای مجیدی من را از همان مدرسه برای حضور در فیلم‌شان انتخاب کرد. من و برادرم تا پیش از این برای کار به مترو می‌رفتم و آنجا کار می‌کردیم. من از ۵ سالگی کار کردم و امروز یازده سال دارم.

در بخش دیگری از این نشست خبری، جواد عزتی بازیگر فیلم سینمایی «خورشید» دربارهٔ تجربه همکاری با مجید مجیدی در فیلم «خورشید» گفت: اتفاقاً شرکت من در این فیلم حضور داشته باشم به دلیل جنس زمان‌گونی‌ای که همواره فیلم‌های مجید مجیدی در در مقابل اینک فیلم‌های خاص هم موضوع شده‌اند و سفرنامه‌های مجید مصطفی و صغیترا در کودکان کار هم می‌پرداخت و این چیزی نبود که ما ندیده باشیم. پدیده‌ای نبود که ما از نزدیک و چه از طریق فیلم‌های مستند آن را ندیده باشیم.

mrnaانجام می‌دهد، معققان می‌توانند فرایند زمان‌بر و پرهزینه ساخت واکسن را دور بزنند.

**دانش آموزان و سلام رسانیدن**

مسعود درخانی عضو کمیته کشوری مقابله با کرونا به والدین توصیه کرد: به هیچ عنوان دانش آموزی را که تب، سرفه، آبریزش بینی، عطسه، گرفتگی بینی یا علائم دیگر شبیه به سرماخوردگی دارد، به مدرسه نفرستید.

به گزارش مهر، متخصص بیماری‌های عفونی افزود: اگر در خانواده‌ای نفر، مبتلا است، دانش آموز نباید آن خانواده نیز نباید به مدرسه برود، چون می‌تواند ناقل خاموش ویروس باشد.

مردانی افزود: با توجه به شرایط سخت کشور و نزدیک شدن به فصل پاییز مردم در سفرهای خود تجدیدنظر کنند، در کنترل بیماری کمک و از سفرهای غیر ضرور اجتناب کنند. پروتکل‌های بهداشتی به مدارس باید به صورت بسیار جدی رعایت شود، از شرکت در مجامع غیر ضرور خودداری شود، چرخه انتقال ویروس متوقف شود تا از درگیری موج سوم دور شویم.

**مشکل رعایت پروتکل ها**

پیام احمدی متخصص دواترپاتی آنکولوژی، نسبت به بازگشتی مدراس با حضور دانش آموزان در شرایط کرونا به شدت گلایه کرد.

به گزارش مهر،وی اظهار داشت: تصمیمات شتابزده و به دور از علم، صرف برخی مسئولان همیشه موجب تگرانی خانواده‌ها را فراهم کرده است اما این روزها تگرانی خانواده‌ها که اکنون درگیر بیماری کرونا، خانه نشینی، مشکلات مالی و … بوده‌اند، تگرانی‌ها یکبارگی بازگشتی‌ای مدراس و الزام آموزش حضوری دانش آموزان، افزایش پیدا کرده است.

وی ادامه داد: آموزشی که تا دیروز قرار بود در شرایط قریز به صورت مجازی برگزار شود یکباره معین نیست بر اساس عدم عقل و منطقی و تدارک یک شبه کلاس امکان‌ناکی مدراس از الزام آموزش حضوری دانش آموزان، افزایش پیدا کرده است.
در مراسم درص دین دارند در صورت بازگشتی مدارس پروتکل‌های بهداشتی به طور کامل نه از طرف مدرسه – نه از طرف همه دانش آموزان رعایت نخواهد شد و همه در واقع تصور می‌کنند که فرزندانشان را به قربانگامی فرستاده‌اند.

وی افزود: در حالی که این روزها بسیاری از جلسات مهم در کشور به صورت مجازی و غیر حضوری برگزار می‌شود، این رفتار برای مردم به وضوح می‌تواند مسئولیتی که قادر به رعایت و اجرای پروتکل‌های بهداشتی در یک جلسه که با حضور تعدادی بزرگسال در و زمان و مکان محدودی برگزار می‌شود نیست، چطور ممکن است بتوانند بچه‌ها را در وضعیت نامتادی و در طول چند ماه مدرم به اجاری دستورات و پروتکل‌های بهداشتی کنند.
آزاده گفت: بیاباید تا علاج واقع پیش از وقوع کیم و اجازه تمدن فاجعه‌ای بزرگ نر دعد و جان هزاران دانش آموز و معلم و خانواده‌های آنها را تهدید کند. مالدیفن سلامت که بایستی دست و بازوی آنها را به خاطر ایثارگری در مبارزه با این ویروس منوس سوسید خسته‌تر از آن هستند که بخواهند در مقابل این بی تدبیری مسئولان مجدداً بسنج شوند، پس اگر دلتان به حال فرزندان ما نمی‌سوزد، لاقلاً به این فرشته‌های سلامت رحم کنید.

بقیه در صفحه ۱۴

### آموزش و پرورش: حضور دانش آموزان با توجه به شرایطشان

### در مدارس اختیاری است

گفت: علی رغم اینکه در این مدت بیشتر فعالیت‌های آموزشی در فضای مجازی انجام شده، اما آموزش‌های حضوری نیز که یکی از اهداف مهم ماست و تاثیرگذاری بیشتری نیز دارد، جریان خواهد داشت.
وی ادامه داد: با توجه به مباحث حفظ سلامت جامعه و رعایت اصول بهداشتی، تصمیم گرفتیم مدارس بازگشتی‌ای شود، البته ستاد ملی مبارزه با کرونا این مجوز را از دو ماه پیش صادر کرده بود. برای هر حال قوانینی که اتخاذ شده و رعایت پروتکل‌های بهداشتی بسیار مهم است.
جریان تعلیم و تربیت دارید، دایر لاقلاً به این فرشته‌های سلامت رحم کنید.

بقیه در صفحه ۱۴

ملی، بخش بین‌الملل (غیرقانونی)، جایزه شهید آوینی

سابقهٔ فیلم‌های مستند کارآفرینی، بخش ویژه کورنسا، بخش‌های جنی، کارگاه‌های تخصصی و نکوداشت.

اسمال با توجه به شیوع جهانی بیماری کووید۱۹ بخش بین‌الملل فیلم‌های «سینماحقیقت» به شکل غیرقانونی برگزار خواهد شد.عناوین بخش‌های فیلم‌های سینماحقیقت به این شرح است:نمایش‌های ویژه: نمایش آثار مستند بزرگ و روز جهان، پرتره: نمایش مستندهای پرتره از چهره‌های علمی، ادبی، سیاسی و هنری ایران و جهان، آیینی که جشنواره: مروری بر مستندهای منتخب که جشنواره معتبر جهانی و چشم‌انداز سینمای مستند یک کشور.

## اخبار داخلی

دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۹ – ۱۸ محرم ۱۴۴۲ – ۷ سپتامبر ۲۰۲۰ – سال نو، پنجم – شماره ۲۷۶۴۸











## اطلاعات



## یاد تان نرود که ما یک

## ۱۷ شهر یور داشتیم

**به یادبود شهیدای ۱۷ شهروید در میدان ژاله تهران**

واقعه ۱۷ شهروید ۱۳۵۷ معروف به «جمعه سیاه» یکی از عسبارترین حوادث ماههای پایانی رژیم شاه بود که به گمان بسیاری از تحلیل‌گران، بزرگ‌ترین ضربه را به رژیم زد. کشتار آن روز باعث اوج‌گیری فرایند انقلاب اسلامی و یکسره شدن کار انقلابیان با شاه شد. این رویداد مسیری بی‌بازگشت را در برابر رژیم قرار داد. تنها یک هفته پس از واقعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷، دولت آمریکا کار که با شعار فضای باز سیاسی روی کار آمده بود، مجبور به استعفا گردید و در روز ۲ شهریور، شریف امامی که رئیس مجلس سنا بود، دستور یافت تا دولتی با شعار «آشتی ملی» تشکیل دهد. در روز ۱۳ شهریور، راهپیمایی بزرگ عبد‌قطر در تپه‌های قیطره، تبدیل به تظاهرات ضد حکومت شد. به دنبال این رویداد غیرمنتظره ناآرامی‌های دیگری نیز به وقوع پیوست که مهمترینش، راهپیمایی ۱۶ شهریور در تهران بود که با حضور بیش از نیم‌میلیون نفر انجام گرفت و بزرگترین گردهمایی انجام‌گرفته در ایران تا آن زمان بود. تظاهرات‌گذاران شعارهای شدیدالحنی سر می‌دادند و برای اولین بار به صورتی گسترده خواستار تشکیل جمهوری اسلامی شدند و قرار بر این شد که فردا نیز در میدان ژاله تجمع کنند.

همان شب دولت در دوازده شهر حکومت نظامی اعلام کرد و ارتشبد اویسی که در جریان قیام ۱۳۴۲ به «قصاب ایران» مشهور شده بود، فرماندهی نظامی پایتخت را به عهده گرفت. از اولین ساعات صبح روز جمعه، مردم برای شرکت در راهپیمایی، راهی میدان ژاله گردیدند. غافل از آنکه حکومت نظامی در حال اجراست و اجتماع بیش از سه نفر ممنوع است. اعلام دیرهنگام حکومت نظامی (ساعت ۶ صبح همان روز) از دلایل شلوغی این تظاهرات خونبار بود؛ چنان که به نوشتهٔ یک روزنامه اروپایی: «تاکنها که مردم را محاصره کرده بودند و از پراکندشان ناتوان بودند، شروع به شلیک به سمت مردم کردند. این صحنه به جوخه آتش شبیه بود که در آن افراد مسلح به انقلابیون بی‌حرکت شلیک می‌کردند!» با این کشتار، هر گونه آشنی میان حاکمیت و مردم سلب گردید و احساسات عمومی نسبت به شاه بیش از پیش تحریک شد؛ چنان که به گفته برژنفسکی، مشاور امنیت ملی آمریکا: «واقعه میدان ژاله چنان خونین و مرگبار بود که کشمکش‌های گذشته میان دولت و مخالفان را از یاد برد. این واقعه، پایان شورش‌های پراکنده و مقطعی و آغاز انقلاب واقعی بود.» از آن پس یوم‌الله ۱۷شهریور به «جمعهٔ سیاه» و «جمعه خونین» معروف شد.



پایام‌خمتی به مناسبت این رویداد مهم تاریخی، چند پیام دادند و سخنرانی کردند که در ذیل برخی از آنها را مرور می‌کنیم:
...ای کاش خمینی در میان ششما بود و در کنار ششما در جبهه دفاع برای خدای تعالی کشته می‌شد. ملت ایران! مطمئن باشید که دیر و زود به پیروزی از آن شمامست... (صحیفه امام، ج۳، ص۲۴۵–۲۴۶)
۱۷شهریور از ایام خدایی بود که یک ملت، زن و مردش، جوان و غیر جوانش، بایستند و خون بدهند برای احقاق حق. این روز خداست. ۱۷ شهریور «من ایام الله» است، باید متذکر باشیم. باید یادآوری کنید این «ایام الله» را... این ایام است که جوان‌های ما را از عشق‌کندها بیرون می‌آورد به میدان جنگ می‌برد. این ایام الهی است که ملت ما را بیدار کرد. یادتان نرود این میل بزرگی که بر ملت ما گذشت و ایام الهی بود، مثل ۱۵ خرداد، مثل ۱۷ شهریور... (صحیفه امام، ج۹، ص۴۶۶)
این ایام یادتان باشد؛ از یادتان نترید. این ایام بزرگ الهی که از ایام‌الله است، اینها را یادتان باشد. یادتان نرود که ما یک ۱۵ خرداد داشتیم... یادتان نرود که ما یک ۱۷ شهریور داشتیم. ۱۷ شهریور از ایام الهی است... روزهایی که آنها با کمال شقاوت حمله می‌کردند و شما با کمال شجاعت زن و مردتان می‌ایستادید در مقابلشان. ... (صحیفه امام، ج۹، ص۴۶۸)

این حادثه فراتر از وقایع سیاسی معمول، به حوزه شعر و انقلاب بارها طنین افکند، می‌خوانیم:

ژاله بر سنگ افتاد چون شد؟ ژاله خون شد
خون چه شد؟ خون چه شد؟ خون جنون شد
خون خون کن، خون جنون کن
سلطنت زین جنون واژگون کن
ژاله بر گل نشان، گل پران کن
بر شهیدان زمین گلستان کن
نیم گنمانه جاودان کن.

۱۳ شهریور روز بزرگداشت ابوریحان بیرونی، ریاضی‌دان، منجم، فیلسوف، جغرافی‌دان، داروشناس، کانی‌شناس و دین‌شناس ایرانی، نامگذاری شده است. بیرونی در ۳۵۲ ش در خوارزم متولد شد و دوران کودکی را در سیاه‌ثبات سیاسی و اجتماعی حکمرانی آل‌عراق بر خوارزم گذراند، گرچه باقی عمر را در میان جنگها، دگرگونی‌ها و تلاطمات سیاسی و اجتماعی سپری کرد. بیرونی از کودکی بیشتر اوقاتش را به یادگیری گذراند؛ چنان‌که خود می‌گوید، از جوانی به دانش‌اندوزی اشتیاق داشته و دانه‌ها و میوه‌ها و گیاهان گوناگون را جمع می‌کرده و نزد مرد یونانی مقیم خوارزم می‌برده تا آسمایی یونانی آنها را بررسی‌سد. بعدها آل‌عراق و قاپوس بن وشمگیر از پژوهش‌های علمی بیرونی حمایت کردند. پس از انقراض آل‌عراق، آل‌امون از او پشتیبانی نمودند تا آنکه در میانهٔ دهه‌های خوارزمشاهیان، به اسارت سلطنام محمود غزنوی درآمد.

درباره رابطه میان سلطان و ابوریحان، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد.

برخی بر این باورند که محمود نیز او را بسیار گرامی می‌داشت و افزون بر حمایت از پژوهش‌هایش، از او یاری و مشورت می‌گرفت. برخی دیگر هم در روزگار سیاه ابوریحان در اسارت غزنویان حاکمیت می‌کنند. به هر روی، بیرونی در بیشتر جنگهای محمود در هند، همراه او بود و در همین سفرها با دانشمندان هندی معاشرت کرد و زبان سنسکریت آموخت و اطلاعات دقیقی درباره هند به دست آورد که در کتاب عظیم «تحقیق‌المالهند» به رشته تحریر درآمده است. این کتاب امروز در جایگاه اولین اثر مردم‌شناسانه منطقی بر روشهای امروزی شناخته شده است. او علوم و فنون زمان خود را بدون تعصب آموخت و بر دانش‌های گوناگون احاطه داشت.

مرکز فرهنگی شهر کتاب به مناسبت بزرگداشت این دانشمند و فیلسوف برجسته ایرانی همایش مجازی دو روزه «میراث علمی و فکری ابوریحان بیرونی» را برگزار کرد که در ادامه بخشی از سخنان و نوشته‌های دانش‌وران خواهد آمد.
نخست **علی‌اصغر محمدخانی**، معاون فرهنگی شهر کتاب گفت:

ابوریحان بیرونی از اندیشمندان تراز اول جهان اسلام و جهان است. عصر او و ابن سینا زمانه قدرت‌نمایی علم و اندیشه است. در این دوره کارهای اساسی بسیاری شده است و عصر درخشانی در تمدن و فرهنگ اسلامی به شمسار می‌آید. در ۱۳۵۲ش هزاره ابوریحان بیرونی با حضور دانشمندانی از ایران و جهان و دبیری دکتر **فتح‌الله صفا** برگزار شد که مجموعه سخنرانی‌های آن در یادنامه بیرونی، چاپ شد. در این چهل سال، حدود شصت عنوان کتاب از بیرونی و درباره او منتشر شده است که نیمی از آنها شرح حال زندگی بیرونی به قلم افراد ناشناس یا غیرمتخصص برای کودک و نوجوان یا بسیار کم‌حجم است. به جز این، از کتاب‌های خود بیرونی در این دوره، «الصفیة فی‌الطب» بکبار با ترجمه ابوبکر بن علی بن عثمان کاشانی و تصحیح منوچهر سنسوده و ایرج افشار و بار دیگر با تصحیح و مقدمه عباس زریاب‌خویی منتشر شده و فرهنگستان نیز آن را با ترجمه باقر مفق‌زاده منتشر کرد است.

به‌محیطین «الفقه» یا تصحیح جلال‌الدین همایی، «الجواهر فی الجواهر» یا تصحیح یوسف هادی و «تحقیق‌المالهند» با ترجمه منوچهر صدیقی شها و «آثار الباقیه» با ترجمه و تعلیق پرویز ادزایی منتشر شده است. پس از این نیز ادزایی تلخیص و ترجمه‌ای از «آثار الباقیه» منتشر کرده بود. در کل، مجموع آثار بیرونی در این چهل ساله، ۱۲۰هزار نسخه بوده است. با این ارزیابی کمی و کیفی می‌توانیم پیش‌اندازی برای پژوهش درباره ابوریحان بیرونی ترسیم کنیم. پژوهشکده تاریخ علم و انجمن حکمت و فلسفه برای ترجمه برخی از آثار ابوریحان بیرونی پیشقدم شده‌اند و امید است به‌زودی آثار بیشتری از این اندیشمند بزرگ در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

**داوری اصحاب کلید**

ابوریحان بیرونی در حوزه‌های بسیار متنوع نوشته دارد و یکی از علل آنکه نمی‌توان چندان درباره او صحبت کرد این است که عمده آثار و آثار عمده او ریاضیاتی است و راجع به ریاضیات هم خیلی نمی‌توان حرف زد. موضوع صحبت من هم بیرونی در مقام مورخ علم است که تا حدودی به ریاضیات مربوط است. رساله «مقالید علم‌الهیة» یا «کلیدهای دانش نجوم» راجع به ماجرای است که در تاریخ علم به آن کشف همزمان می‌گویند و به این اشاره دارد که یک قضیه یا مسأله یا نظریه را چند نفر در فاصله زمانی کوتاهی کشف کنند. ای. اف. کندی – مورخ آمریکایی – و یکی از استادان معروف ایرانی اعدا کرده‌اند که از روی حجم آثار باقی‌مانده ابوریحان چنین برآورد کرده‌اند که او در زمان حیاتش ۱۳هزار صفحه مطلب نوشته است. «کلیدهای علم‌نجوم» بیرونی درباره کشف همزمان یکی دو قضیهٔ ریاضی است. در علم نجوم قدیم و در نجوم کروی امروزی باور بر این است که همه ستاره بر روی یک کره آسمانی قرار دارند؛ بنابراین فاصله هر دو ستاره یا هر دو نقطه قوسی از یک دایره است و آنچه ما می‌بینیم، یک زاویه است که مابین آن یک گمان روی آسمان است. برای حل یک مسأله نجومی باید شکلی در آسمان پیدا کنیم که معلوماتی از آن داریم تا از روی آن بتوانیم مجهول‌های را به دست بیاوریم. کلید اصلی این قضیه، یک قضیه ریاضی

### ◆◆◆

**\* بیرونی در آثار خود نشان داده که هر گز هیچ رویداد یا گزارشی را نمی‌پذیرد، مگر اینکه خودش آن را بررسی کند و صحت و سقمش را بسنجد. او به خاطر ذهن دقیق ریاضی‌وار و تفکر تحلیلی خود نمی‌توانست جدا از اعداد و ارقام و بدون استفاده از واقعیت‌های دقیق چیزی را بپذیرد**

### ◆◆◆

به نام منلاؤس است که رابطهای بین شش کمیت است و برای به دست آوردن هر کمیت مجهول در آن، باید پنج کمیت را دانست. در قرن چهارم و پنجم میلادی، دو قضیه ریاضی به نامهای «قضیه سینوس‌ها در مثلثات کروی» (شکل مغنی یا بی‌نیازکننده) و «قضیه تائولثانه در مثلثات کروی» (شکل ظلی) کشف می‌شود که جای قضیه منلاؤس را می‌گیرد و چند نفر، تصریحا و تلویحا مدعی کشف آنها می‌شوند. این کتاب ابوریحان هم برای داوری در این ادعاست که از آن نوع خودش کاری بی‌فایده است. ابوریحان در مقدمهٔ پس از انتشار به آنکه در دوره هرونوق علمی زندگی می‌کند، از دشمنی و حسد رقیبان علمی و جعل دانش دیگران به نام خود سخن می‌گوید و سرانجام به دعوی قضیه شکل مغنی و شکل ظلی می‌پردازد. وی ماجرای مناظره را چنین تفسیر می‌دهد که **ابوسعید احمد بن عبدالجلیل سمری** – ریاضی‌دان و منجم – و **روشاه** مستوفیان و منجمان برای تعیین سبب قبله از حد حساب و اندازه‌گیری مساحت‌ها به کمک ابزارها را جمع کرده؛ اما این روشها نتایج مختلف می‌دهد و با اثبات همراه نبود. ابوریحان، او می‌گوید استنادش **ابونصر عراقی** در این گونه بیان بسیار مهارت دارد. سجزی به او می‌گوید که از ابونصر بخواد تا در این باره تأمل کند و براهین صحابان این روشها و انگیزه‌های ایشان را کشف کند. ابونصر این درخواست را با اجابت می‌کند و کتاب «السبوت» را می‌ویسسد و در آن برخی از نتایج شکل‌گفتی را به‌دست می‌آورد. در بغداد، **ابوالوفای بوزجانی** خبر این کتاب را می‌شنود و وقتی ابوریحان کتاب را برایش می‌فرستد، آن را بسیار می‌پسندد و فقط ایرانی می‌گیرد که وقتی او (ابوالوفای) روشهای سادتر و کوتاه‌تری برای به‌دست‌آوردن سمت دارد، حتی ابونصر هنوز از شکل قطع استفاده کرده است؟ ابونصر در پاسخ می‌گوید می‌خواسته یا جای پای گذشتگان بگذارد و نتایج ایشان را به شیوه خودشان

## نظرها و اندیشه‌ها

(با استفاده از شکل قطع) به دست بیاورد. در عین حال، می‌گوید که پاسخ خواسته ابوالوفا در دو قضیه از «السبوت» یافت می‌شود و نشانی آنها را به ابوریحان می‌گوید. گذشته از این، در نامه‌ای به ابوریحان شکل گفتی را برای او توضیح می‌دهد. یک سال بعد، ابوالوفا کتاب «مجسطی» را برای بیرونی می‌فرستد که در آن شکل مغنی را از راه ساده‌تری ثابت می‌کند و آن را در همه مسائل نجومی به کار می‌برد. ابوریحان در سفری به ری، **ابومحمود خجندی** را ملاقات می‌کند و ابومحمود کتابی از نوشته‌های خود را به او نشان می‌دهد که موضوعش محاسبات مربوط به شب با استفاده از ستارگان ثابت بوده است. خجندی در اوایل این کتاب شکل مغنی را با بهانه‌ای دیگر و طولانی‌تر، ثابت کرده بوده و همه محاسبات آن کتاب را با استفاده از این قضیه انجام داده بوده است. پس از آن، ابوریحان در جریان نگارش کتابی به‌دست کوشیار جلیلی قرار می‌گیرد که در آن نیز همین قضیه جزو مقدمات کتاب و با اثبات خجندی، آمده بوده است. کوشیار در کتاب خود، با استفاده از این قضیه که به نقل بیرونی آن را «مغنی» نامیده بوده، بیشتر مسائل مقاله دوم «مجسطی» را حل کرده بوده است.

بیرونی پس از آنکه گزارشی از معارضتش در استفاده از شکل مغنی

می‌آورد، به روشن کردن سهم ابونصرعراقی، بوزجانی، خجندی و کوشیار

در ابداع و معرفی قضیه‌های جدید می‌پردازد و میان آنها داوری می‌کند و در داوری نهایی، حق را به جانب ابونصر عراقی می‌دهد.

فرض کرد که زمین (مجموعه تکه‌سنگ‌ها) طبعاً می‌خواهد دور خودش بچرخد. یکی از میرزان در علم هیئت گفته می‌توان فرض کرد اجسامی که رهایشان می‌کنیم و می‌افتند، دو حرکت داشته باشند: حرکت طبیعی به دور مرکز زمین و دیگری حرکت در جهت مرکز زمین. و بدین ترتیب، تمام اجسام زمینی علاوه بر اینکه تمایل به سقوط به سمت مرکز دارند، تمایلی به حرکت به دور مرکز دارند. پس، از زمین عقب نمی‌مانند. ابوریحان می‌گوید اگر فرض کنیم اجسام دارای چنین حرکتی به سمت شرق باشند، آنوقت حرکت دادن اجباری اجسام و زمین هم به سمت غرب مشکل خواهد بود و این استدلال را رد می‌کند. البته اینکه کسی بگوید دلایل سکون زمین کافی نیست، به معنای این نیست که به حرکت زمین اعتقاد دارد.

درباره استدلال بطلیموس مبنی اینکه زمین سنگین است و نمی‌تواند بچرخد، ابوریحان باز نظری مخالف آورده و در «قانون مسعودی» می‌گوید اساساً مثلاً طبق سخن ارسطو فلک در مکان خودش نه سبک است و نه سنگین. سبکی و سنگینی اجسام، امری نسبی است و بستگی به موقعیت آنها دارد. مثلاً طبق سخن ارسطو فلک در مکان خودش نه سبک است و نه سنگین. سبکی و سنگینی بستگی به تمایل اجسام در حرکت طبیعی‌شان دارد. اگر جسمی را رها کنیم و پایین بیفتد، سنگین است و اگر رها کنیم و بالا برود، سبک. مثل آتش، زمین و فلک هم در مکان خودشان نه سبک‌اند و نه سنگین. پس استدلال بطلیموس بر اساس سبکی و سنگینی رد می‌شود. با این شسواد می‌توان گفت که ابوریحان مانند بسیاری از منجمان

# ابوریحان، نماد دانش

#### گزارش هم‌اندیشی دوروزه ابوریحان بیرونی

#### شیمای زارعی



زمان خودش به سکون زمین مطمئن نبوده یا حداقل با دلایل سکون زمین مشکل داشته است. چند قرن بعد برخی منجمان رصدخانه مراغه از جمله خواجهنصیرالدین طوسی، مؤیدالدین عرضی و قطب‌الدین شیرازی و کسانی که این سنت را ادامه دادند، در آثار خود نکبات ابوریحان به دلایل سکون زمیسن بطلیموس را ادامه دادند. خواجه نصیر برای اولین بار این دلایل را کنار می‌گذارد و می‌گوید فقط دلایل فلسفی کافی است. قطب‌الدین می‌گوید اتفاق علم تجربی سکون زمین را نشانان می‌دهد و دلایل فلسفه طبیعی نمی‌تواند این کار را بکند. بعدها شبیه همین استدلال‌ها در کتاب کورینیک ظاهر می‌شود. برخی باور دارند که احتمالاً کورینیک کتاب خواجه را دیده بوده است. کورینیک هم باور دارد که دلایل تجربی نمی‌تواند سکون را نشان بدهد؛ اما این را نمی‌پذیرد که دلایل فلسفی بتواند این مسأله را نشان بدهد و می‌گوید دلایلی برای حرکت زمین بیابرد و با این کار راه را برای نظریه حرکت زمین باز می‌کند.

قرنها طول کشیده تا ذهن بشر بتواند همین نظریات بسیار ساده را از پی‌وجم دلایل و استدلال‌ها و عقاید فلسفی و ریاضی زمان خودش حرکت بدهد و متحول کند. موافقت یا مخالفت بیرونی با نظریه حرکت زمین برای ما مهم نیست. نظریات علمی در طی تاریخ مدام حرکت می‌کنند و درستی و نادرستی آنها ملاًک سنجش کار دانشمندان نیست، بلکه این پیروی از روش علمی و استدلال درست است که کار علمی هر دانشمندی را نشان می‌دهد.

##### دیگری در نظر بیرونی

تبع بیرونی در «تحقیق‌المالهند من مقوله مقبوله فی العلل او مرذوله» اثر اثر آن منحصرنفرود می‌کند. عنوان اثر نشان می‌دهد که او برخلاف ملل و نحل‌نویسان، به هیچ‌وجه درصدد حق و باطل کردن عقاید و آداب و رسوم هندوان نیست. او در مقدمه تأکید دارد که این کتاب جدل و احتجاج نیست، بلکه نقلی است از کلام هندیان آن‌گونه که هست. این چیزی شبیه روش خود تأکید در پدیدارشناسی دین است.

بیرونی در «تحقیق‌المالهند» با لحنی بی‌طرفانه می‌کوشد. با شناختن پدیده‌های فرهنگی، دریافت مفاهیم دینی و فلسفی به زبان خود هندوها، با روشی تطبیقی فهم مسائل پیچیده آنها را ساده‌تر کند. وی بر اهمیت زبان او اشاره می‌کند که سجزی متوجه نبوده است که این اختراع بسیار به نظریه آریانه‌ها مبنی بر گردش زمین به دور خود است و شاید فقط به‌سبب سادگی این اصطلاح را ساخته است. ابوریحان در ادامه می‌گوید بطلیموس را داند شبانه‌روز به حرکت زمین گرد خودش را رد کرده است. بیرونی دیگر نمی‌گوید رد کردن حرکت زمین فقط با فلسفه طبیعت ممکن است و با سکرت از کنار این مسأله عبور می‌کند. احتمالاً نظر ابوریحان تغییر کرده

شاید او این مسلمانان است که متون اصلی سنسکریت را دیده و دانسته به نحو احسن معرفی کند. «تحقیق‌المالهند» مشتمل بر یک مقدمه و ششاد باب است. ابوریحان بیشتر بگوید یا با یک مقدمه کوتاه شروع کرده است و کلیات مطالب را آورده است. هر بابی سه بخش دارد: طرح مسئله، آرای هندوان درباره آن مسأله و مقایسه موضوعات تائولث یا آرای یونانیان. ابوریحان به‌واسطه احاطه خود بر فلسفه یونان، مشابهت‌ها و مغایرت‌های برخی موضوعات را با آرای یونانی بررسی کرده است و مبنای دسته‌بندی‌هایش بر اساس فلسفه یونانی است.

در دیدگاه‌های جدید برای دین دو ساحت نظری و عملی تعریف کرده‌اند. ابوریحان باب دوم تا سیزدهم کار خود را به دین و فلسفه هندی

پیامبر اسلام(ص) هستند. اینها در مقام موجد به ایران پیش از اسلام می‌انیدند و کرین با همان روش تطبیقی، پیوستگی این دو مؤلفه هویت ما را نشان می‌دهد.

سومین ستاورد کار کرین این است که وحدت جریان‌های مختلف و متنوع تفکر ایرانی را نشان می‌دهد. گرایش‌های به ظاهر متعارض و نامخوانی در ایران وجود دارد که در نگاه نخست متعارض با هم هستند: ظاهرش با آرای باطنیون، اهل کلام و فلسفه، فقها و عرفا، حتی در حوزه‌های مختلف فلسفه، فقه فلسفه اشراق و فلسفه مشایی. این گونه به نظر می‌رسد که به‌راحتی نمی‌توان میان اینها جمع کرد. متخصصان و منادیان هر کدام از این رشته‌های معرفتی نمی‌توانند با هم گفتگو کنند. کرین با همان روش تطبیقی به معنای دقیق کلمه، نشان می‌دهد که تقابل‌های میان حوزه‌های معرفتی در جهان اسلام، بیش از آنکه تقابل واقعی باشد، تقابل ظاهری است. وقتی از ظاهر کلمات فراتر می‌روود و با روش هرمنوتیکی خودش، الفاظ و معناها را به اصل برمی‌گرداند می‌بینیم که تقابل فلسفه اشراق و مشاء، از میان برمی‌خیزد؛ تقابل بین فیلسوفان و عرفا طاهر، و حتی تقابل فیلسوفان و عارفان با دل حایت، به صورتی که تابش از این تصور می‌گیرد نیست. بخش عمده کار کرین اساساً حدیث ظاهری است گاهی او حتی در مقام یک محدث ظاهر می‌شود.

**افقهای گشوده فراوری فلسفه طبیعی پس از کرین چیست؟**

به طور طبیعی اگر کرین می‌تواند حوزه‌های معرفتی ما را وارد گفتگو با هم بکند، به همین

دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۹ - ۱۸ محرم ۱۴۴۲ - ۷ سپتامبر ۲۰۲۰ - سال نو و پنجم - شماره ۲۷۴۸

اختصاص داده و تاریخ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی را لحاظ کرده و تاریخ دینی هند را بر اساس منابعی مثل «مهابهارتا» و «رامایانا» گزارش کرده است. در کنار آن، جغرافیای اساطیری و مباحث دیگر را هم لحاظ کرده است. بیرونی در جنبه عملی دین کاستها، طبقات هندو، قربانی، زیارت، خوراک و پوشاک، وسته رفته، ازدواج و تولد و قوانین کفتری هندوها را توضیح داده و بررسی کرده است. آلان جدیدترین کتاب‌های مطالعات ادیان هم در این دو محور پیش رفته‌اند. افزون بر این، ابوریحان قائل به یک الگوی نخستین دین است و باور دارد که همگان در این الگو سهیم‌اند، البته این الگو را از آنِ خواص می‌داند و می‌گوید عوام در آن سهیم ندارند.

امروز مفهوم دیگری با دیگری در مطالعات ادیان بسیار مطرح است. آنچه ابوریحان بیرونی از دیگر با دیگری (در اینجا هندوها) لحاظ کرده است، فارغ از منطقه جغرافیایی و سست دینی است و کلاماً به نگاهی امروزی در موضوع دیگریود نزدیک است. او بیرونی خوب و بد نکرده و بدون ارزش‌گذاری به سبب نزدیکی سشده است. مطابق با ساحت کارکرد و بدون هم نزدیک شدن، ارتباط و یکی‌شدن را در نظر داشته و مطابق با ساحت شناخت، به دنبال شناخت هویت دیگری بوده است. خود ابوریحان می‌گوید که کسی از مسلمانان سرعاً هندوها رفتند، گزارش‌های مغلو و بی‌اساس دادند. چون آنها بر اساس ذهنیت خود به دنبال شناخت دیگری رفتند و به وجود عینی هندوها توجه نکردند و روش‌مند و بر اساس مشاهده کار انجام ندادند.

او در بیان عوامل جدایی و مایبنت مسلمانان و هندوها می‌افزاید وقتی مسلمانان هند را گرفتند، علمی هندو به زمین‌های دورتر فرار کردند و مسلمانان نتوانستند با این دانشمندان ارتباط داشته باشند. زبان ایشان بسیار متفاوت و دامنه علومشان بسیار وسیع بود، پس مسلمانان هیچ‌تق نتوانستند هندوها را آن‌طور که هستند، بشناسند. آن سنت تحقیق که ابوریحان پایه‌گذاری کرد، در جهان اسلام دنبال نشد. افراد معدودی در قرن یازدهم هجری به سرعاً متون هندی رفتند، اما نتوانستند با دقت ابوریحان از پس انجام کار برآیند.

##### از کات تا هند

**محمد دهقانی**

ابوریحان بیرونی در بخش شرقی خوارزم، در جایی به نام کاث به دنیا آمد. ۱۰۴۷ سال از زمان ولادشتی می‌گذرد. او تا حدود ۲۵ سالگی در خوارزم بود و در همان‌جا درس خواند. هنگامی‌که محیط سیاسی خوارزم باعث اختلافات درونی خوارزمشاهان دچار آشوب و ناامنی شد، ابوریحان به دروت قاپوس بن وشمگیر به گرگان رفت و در آنجا آثار الباقیه را به نام این امیر زیاری نوشت. بعد از چند سال، خوارزم آرام‌تر و اختلافات درونی خوارزمشاهان برطرف شد و بالاخره آل‌امون بر آن خطه حاکم شدند و ابوریحان در اوایل ۹۹۴ق به خوارزم برگشت و در خدمت امیر ابوالحسن علی بن مأمون قرار گرفت. او در دربار خوارزم از احترام زیادی برخوردار و حتی طرف مشسورت بود. روایت شده روزی ابوالعباس خود به حجره ابوریحان آمد و خواست به احترام او از اسب فرود آید. ابوریحان سرگندش داد چنین نکند. خوارزمشاه گفت: العلم من اشرف الولايات/ بآئینه کل الوری و لایاتی/ یعنی دانش از ارجمندترین قلمروهای فرمانروایی‌هاست/ همه مردمان به سوی دانش می‌آیند، ولی دانش به خدمت کسی نمی‌رود. خوارزمشاه با خواندن این بیت، ابوریحان را دانش مجسم با نماد دانش دانسته است. هنگامی‌که اوضاع خوارزم به علت شورش سپاهیان متشنج شد، محمود غزنوی فرصت یافت تا در اوضاع دخالت کند. او به بهانه سرکوب شورش سپاهیان به آنجا لشکرکشی کرد. در ظاهر می‌خواست به خوارزمشاه کمک کند، ولی نقشه تصرف خوارزم را در سر داشت و چنین کرد. ابوریحان و جمع دیگری از دانشمندان دربار خوارزم، به میل خود یا به اجبار، با محمود به غزنین، پایتخت غزنویان، رفتند. از این پس، ابوریحان در خدمت محمود غزنوی قرار گرفت و تحقیقاتش را در دیار او انجام داد. «تحقیق‌المالهند» کتاب مهم و بی‌نظری است که ابوریحان در دیارب غزنین نوشت. این کتاب اهمیت فراوانی دارد، اما متأسفانه تاکنون کامل به فارسی ترجمه نشده است و هیچ‌کدام از ترجمه‌های ناقص موجود هم به‌کار نمی‌آید. ترجمه و تحقیق بسیار خوب زاختر از «تحقیق‌المالهند» به زبان آلمانی و سپس به زبان

### ◆◆◆\*ابوریحان در «تحقیق‌المالهند» بی‌طرفانه می‌کوشد با شناختن پدیده‌های فرهنگی، دریافت مفاهیم دینی و فلسفی به زبان خود هندوها، با روشی تطبیقی فهم مسائل پیچیده آنها را ساده کند. وی برای تحقیق درباره هند، ابتدا زبان سنسکریت را آموخت و متون اصلی هندوها را خواند

### ◆◆◆

انگلیسی مهمترین کاری است که در این حوزه انجام شده است. هیچ مبالغه نکرده‌ایم اگر ابوریحان را یکی از معدود دانشمندان جهان بشمریم که از معیارهای فکری و عقیدتی حاکم بر روزگار خودشان، بنیادهای تئولوژی برای دانش بشری پررنگ می‌انگندد و زمینه‌های تحول آن را فراهم کرده‌اند. تزیینی و صراحت بیان نقادانه بیرونی چنان است که گویی با دانشمندی امروزی سسر و کار داریم. او را می‌توان نخستین هندشناس، دین‌پژوه و پژوهش‌گر (به معنای امروزی آن) دانست؛ مدتی که برای زمان پیش بود و به مسائلی می‌اندیشید که به خاطر کمتر کسی از مردمان زمان خودش یا حتی بسیاری از انسان‌های روزگار بعد ظهور می‌کرد. به زعم باغفورف، بیرونی چنان از روزگار خود پیش بود که درخشان‌ترین کسی اکتشاف‌های او را اغلب دانشمندان زماش درک نمی‌کردند. نخستین کسی بود که به فرمولی ساده برای اندازه‌گیری محیط زمین دست یافت و این را محتمل می‌دانست که زمین به دور خودش بچرخد.

##### جوهه گوناگون ابوریحان

آشنایی اولیه من با ابوریحان به مقالاتی برمی‌گردد که در سال ۱۹۷۳به

فاصله چند ماه دور و سومیزورم در بزرگداشت هزارمین سالروز تولد این دانشمند در مرکز انرشناسی دانشگاه کلمبیا و دانشگاه ستارون برگزار شد. احسان پاراشترانی این مقالات ازرسند را گردآوری کرد من هم ترجمه آنها را به عهده گرفتم که در قالب کتاب «ابوریحان بیرونی، نخستین مردم‌شناس» منتشر شد. نگاه عمده این دانشمندان به بیرونی از جنبه شخصیت فردی و شخصیت علمی اوست. **غلامحسین یوسفی** کثیته حقیقت‌جویی ابوریحان بیرونی سشده است و می‌گوید بیرونی در آثار خود نشان داده که هرگز هیچ رویداد یا گزارشی را قبول نخواهد کرد. مگر اینکه خودش آن را بررسی کند. و صحت و سقمش را بسنجد. او به‌راحتی گفته‌های راویان را نمی‌پذیرفت و از منابع دست‌اول استفاده نمی‌کرد. ریاضی را، اسناد وقت دانشگاه دوک، می‌گوید بیرونی به خاطر ذهن دقیق ریاضی‌وار و تفکر بشاشی و بویای تحلیلی خود نمی‌توانست جدا از اعداد و ارقام و بدون استفاده از واقعیت‌های دقیق چیزی را بپذیرد. فرانسوا روزنثال، دانشگاه پیل، به این نکته جالب اشاره می‌کند که بیرونی در مطالعات اجتماعی خود از روش‌شناسی تطبیقی استفاده کرده و ملل دانشمندی امروزی کوشیده تا مطالعاتش بر اساس روش و چارچوب مشخص علمی پیش ببرد. سرانجام **یارشاطر** در مقاله آخر، با اتکا به گزارش دقیق ابوریحان بیرونی از فهرست پادشاهان هخامنشی و مقایسه آن با فهرست این عربی، دقت بیرونی را می‌ستاید و این فهرست را کم‌ظطر و حتی بی‌نظیر می‌داند.

عمده این دانشمندان بعدها هم شخصیت ابوریحان را از ابعاد مختلف بررسی کردند. مثلاً به‌اندکسان‌شناختی یا مردم‌شناختی یا مردم‌نگارانه شخصیت علمی او کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از میان دانشمندان ایرانی، **علی بلوکاشی** و یونس **کرمانی** به این وجه بیرونی توجه داشته‌اند. پیش از ایشان نیز برخی دانشمندان جهان اسلام به این امر توجه داشته‌اند. **احمد کبر** در مقاله مشهور خود به دنیای غرب، ابوریحان را نخستین مردم‌شناس معرفی کرد. **حسن شعبانی**، انسان‌شناس برجسته تونس، معتقد بود ابوریحان در آن زمانه به ابعاد بسیار امروزی انسان‌شناسی، مانند مسأله زبان، اختلافات و تبعیض میان طبقات، مسائل زبان‌شناختی و مطالعات علمی بیرونی برخاسته است. یکی از استادان دانشگاه نیویورک، در نامه‌ای تأکید می‌کند که نباید در قرن نوزدهم و در میان دانشمندان غربی به دنبال بنیان‌گذار این رشته بود، بلکه بنیان‌گذاران انسان‌شناسی دانشمندی ایرانی در هزار سال پیش است که به مانند یک نظام علمی امروزی به این رشته پرداخته است.

دانشمندانی دیگری نیز به انسان‌شناسی و مردم‌شناسی بیرونی اشاره داشته‌اند، اما کارهای جکی در این زمینه بیشتر به «تحقیق‌المالهند» بیرونی تمرکز داشته‌اند و آن را کتابی جامع و تحقیقی ناب و بسیار برمایه از مطالعات تطبیقی در حوزه دین‌پژوهی دانسته‌اند. حتی جان والیرجیخ فرغ است که انسان‌شناسی دین در بیرونی بنیان‌گذاری کرد؛ زیرا با این‌همه فارغ از تعصب، بدون پیش‌فرض و با استفاده از منابع دست اول و گزارشگران قابل‌اعتماد، بررسی گفته‌های آنان و منابع کار کرده است. همچنین پس از جمع‌آوری این اطلاعات آنها را تحلیل و با هم مقایسه کرده است. این همان چیزی است که امروز در روش‌شناسی مطالعات و روشهای مردم‌نگاری مورد استفاده است.

بیرونی هزار سال پیش از روش‌شناسی علمی و امروزی ما برخوردار بوده است و آن را در آثار خود، به خصوص در «تحقیق‌المالهند» بر سر می‌آیدان و فرهنگ‌ها و باورهای مختلف از عوام تا خواص با کار برده است. می‌دانوام اندیشمندان، دانش‌جویان و کسانی که در حوزه انسان‌شناسی، به ویژه انسان‌شناسی دین، فعالیت می‌کنند، از این بعد بیشتر به ابوریحان بیرونی بازگردد و این وجه شخصیت او را بیشتر تحلیل کنند تا ما از آن میراث بزرگ جهانی و بشری در حد مطلوب بهره ببریم و به ایرانی‌بودنمان افتخار کنیم.



























ابلاغ قدردانی فرمانده معظم کل قوا

## اقدامات پلیس

سرویس خبر: رئیس دفتر فرمانده معظم کل قوا از قدردانی ایشان از اقدامات پلیس و فرماندهان نیروی انتظامی خبر داد.
به گزارش پایگاه خبری پلیس، سردار شیرازی در جمع فرماندهان، معاونان و روسای پلیس‌های تخصصی در ستاد اجابا با ابراز سلام معظم له به فرمانده ناجا و کارکنان خلدوم و پرتلاش نیروی انتظامی و قدردانی ایشان از خدمات پلیس، فرمایش رهبر معظم انقلاب سببی بر آن که نیروی انتظامی یک نهاد خدمتگزار استند و فصلی‌ترین وظیفه و رسالتش تأمین امنیت و مقابله با ناامنی است را یاد آور شد.
سردار حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی هم با تشکر از عنایات فرمانده معظم کل قوا و ابراز محبت به فرزندان خود در نیروی انتظامی، تلاش مجدها و تقویت اقدامات پلیس برای ایجاد امنیت پایدار در جهت فرمایشات ایشان را مهم دانست.

## مراسم گرامیداشت آیت الله طالقانی

## امسال برگ‌زار نمی شود

سروسیس خبر: فرماندار طالقان با اشاره به مجاهدات عالم های ربانی و مجاهد، فرمانده آیت الله سیدمحمودی طالقانی گفت: امسال به دلیل شیوع کرونا مراسم گرامی‌داشت آیت الله عالم وارسته در زادگاهش روستای گلرود طالقان برگزار نمی شود.
بهنام جهانی افزود: براساس بیانیه فرزندان مرحوم آیت الله طالقانی، مراسم چهل و یکمین سالگرد ارتحال آن عالم ربانی با توجه به محدودیت های کرونایی و تقویت همراهی با کادر تالشگر درام برگ‌زار نمی شود.
وی با بیان این که از مردم ولایشمار خوستاریم با ذکر صلوات و خواندن فاتحه یاد و خاطره ایشان را رزده نگاه دارند،اامه داد: خانه قدیمی مرحوم آیت الله طالقانی در روستای گلرود روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۹ و ۲۰شهریور ماه مصیاف با وفات ایشان از ساعت ۱۷ تا ۱۹آماه بازدید ارانندگان است.

## ضرورت نظارت والدین بر فعالیت سایبری

## دانش آموزان

سرویس خبر: رئیس مرکز تشخیص و پیشگیری از جرائم سایبری ناجا بر ضرورت نظارت والدین بر فعالیت سایبری فرزندان در سال تحصیلی جدید تاکید کرد و گفت: آشنا شدن کودکان و نوجوانان با تهدیدات و آسیب‌های فضای مجازی از سوی والدین یک ضرورت است و والدین برای کاهش تهدیدات و آسیب‌های فضای مجازی می‌توانند با استفاده از ابزارهای کنترلی ،نظارت دقیق‌تری بر فعالیت و رفتار مجازی دانش‌آموزان داشته باشند.

سرگنگ علی محمد رجبی افزود: همراهی و مهادنگی والدین با سیستم آموزش مجازی وزارت آموزش پرورش نه فقط سبب یاد رفتن سطح آموزش و یادگیری دانش‌آموزان است، بلکه به‌وسیله منابع برای جلوگیری از تهدیدات و آسیب‌های فضای مجازی علیه دانش‌آموزان است.

وی با اشاره به آن آشنایی و اطلاعات کم برخی خانواده‌ها درباره تهدیدات سایبری است، اظهار کرد: آموزش مجازی دانش‌آموزان می‌تولدت با والدین برای همراهی و مسئولیت دانش‌آموزان، دانش و اطلاعات خود در زمینه فضای مجازی و تهدیدات و آسیب‌های آن را به روز کنند.

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

# آیت الله رئیسی: مقابله با مواد مخدر نیازمند عزم قاطع در عالی‌ترین سطوح است

سرویس خبر: رئیس قوه قضائیه با بیان این که همه در قبضل اعتیاد یک جوان یا آسیب دیدن از خانواده مسئول هستیم، تأکید کرد: مسأله مواد مخدر از مهم ترین موضوعات امروز استسست که بنیان خانواده و جوانان ما را تهدید می کند.

آیت الله سید ابراهیم رئیسی در نشست آسیب شناسی و بررسی روند مبارزه با مواد مخدر که با حضور فعالان حوزه مبارزه با اعتیاد و همچنین دبیر و مشاوران و اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر در دفتر رئیس دستگاه قضا برگزار ششد، مسأله مواد مخدر را یکی از اولویت دارترین مسائل کشور دانست که مقابله با آن نیازمند عزم همگانی در سطوح عالی کشور است.

رئیس قوه قضائیه گفت: امروز مسأله مواد مخدر بنیان خانواده و جوانان ما را تهدید می کند و به معضلی تبدیل شده که مشکلات فراوانی را در عرصه‌های فرهنگی ، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی به وجود آورده استس که همه باید با حساسیت با آن برخورد کنند.
رئیس با تأکید بر لزوم تشدید برخوردهای امنیتی و انتظامی با پدیده مواد مخدر، تأکید کرد: در جهانی که آمریکا و برخی کشورهای اروپایی از کشت مواد مخدر و تبدیل مواد ستنی به صنعتی حمایت و قاچاقچیان زاید چتر نانوگان‌های آمریکایی مواد مخدر را جابه جا می کنند، باید به کمک‌های خارجی در مبارزه با مواد مخدر امید بست.

رئیس قوه قضائیه اظهار داشت: اقدامات سازمان‌های بین المللی در حمایت از ایران برای مبارزه با مواد مخدر، از حرف و اطعای مدال فراتر نمی‌رود و اراده جدی برای ریشه کنی مواد مخدر و معضل اعتیاد ندارند؛ در حالی که هیچ کس پوشیده نیست که جمهوری اسلامی صادقانه‌ترین برخورد را در این عرصه دارد.

وی با بیان این که اجازه نمی‌دهیم سوداگران مرگ با توزیع مواد مخدر به سازهایی آسیب‌های بسیار بزنند، ادامه داد: اطلاعات مجرمانه‌ای داریم که نشان می‌دهد، آمریکا و کشورهای اروپایی حامی قاچاقچیان مواد مخدر هستند و دست شان آلوده است و برخی کشورهای منطقه هم از ترافیت و توزیع مواد مخدر درآمدزایی می کنند.

رئیس قوه قضائیه، توسعه اقدامات اطلاعاتی را از مسائل محوری در برخورد با مبارزه با مواد مخدر دانستس و با تأکید بر لزوم استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای شناسایی و کشف شبکه‌های قاچاق و مراکز تولید و توزیع مواد مخدر، گفت: هر چه کار اطلاعاتی قوی‌تر باشد، مانع از ورود مواد مخدر به قلب کشور می شود.
شهادت مرزبانان کشور، برپانمان آیت الله سید ابراهیم رئیسی، افزود: آموزش مجازی دانش‌آموزان می‌تولدت با والدین برای همراهی و مسئولیت دانش‌آموزان، دانش و اطلاعات خود در زمینه فضای مجازی و تهدیدات و آسیب‌های آن را به روز کنند.

شبهه یکی قاچاقی مواد مخدر و جلوگیری از نفوذ آن‌ها به

سریع انجام شود را با تأخیر مواجه می کرد. لذا سقر شد موارد اخراج جزئی در نظام اقتصادی در مورد اقدامات سایبری خود و این دادگاه‌ها صرفا به موارد اخلاص عملد و کالن در نظام اقتصادی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

## اخبار داخلی

داخل مرزهاست که حقیقتاً جای تقدیر دارد.
جدیدت در ضربه زدن به بنیان‌های اقتصادی قاچاقچیان

رئیس قوه قضائیه در بخش دیگری از سخنانش با تأکید بر جدیت دستگاه قضا در ضربه زدن به بنیان‌های اقتصادی قاچاقچیان مواد مخدر و مصادره اموال آنها، گفت: باید کمر



قاچاقچی که کمر به نابودی جوانان ما بسته است ، شکسته شود و استرداد اموال آنها معنا ندارد.
رئیس افزود: قاچاقچیان مواد مخدر باید بداندند وارد میدان خطرناکی شده اند که فساد مطلق است و بنیان‌های اجتماعی ، فرهنگی و کیان خانواده‌ها را هدف گرفته اند.
همکاران ما در دستگاه قضایی تحت هیچ شرایطی اجازه نمی‌دهند که اموال به این افراد برگردد و اگر در این زمینه خلأ قانونی هست، باید فورا رفع شود.

رئیس قوه قضائیه همچنین بر لزوم پاکسازی مناطق آلوده و جمع آوری معنادان متجاهر تأکید کرد و گفت: معناد متجاهر مجرم است و باید به عنوان مجرم با او برخورد

شود و مطلقاً نباید اجازه داد نقطه‌ای از شهر در هیچ کجای کشورمان به محل امنی برای معنادان متجاهر بدل شود. این که معناد متجاهر دستگیر و پس از صرف هزینه‌های فراوان دوباره آزاد شود و به اقدامات خود ادامه دهد و به مردم آزار برساند، قابل پذیرش نیست و اگر نیاز به اصلاح قانون داریم باید این کار انجام شود تا دغدغه‌های مردم هر چه سریع‌تر رفع شود.

رئیس با بیان این که نباید با نگهداری معنادان متجاهر

نظام اقتصادی شرکت کنند.

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

بهمنی

# آیت الله رئیسی: مقابله با مواد مخدر نیازمند عزم قاطع در عالی‌ترین سطوح است

در زندان بر جمعیت زندانیان کشور افزود:شود بلکه این افراد و حتی قاچاقچیان باید در فضایی مناسب نگهداری شوند ، بر ساخت اردوگاه‌های جدید برای نگهداری و بازاجتماعی اطراف ما از قاچاق مواد مخدر است و این مسأله دیگر نه فقط یک موضوع اقتصادی که موضوعی سیاسی است و باید با قدرت در برابر آن ظاهر شویم و با همه توان و ظرفیت به مبارزه با آن بپردازیم.

رئیس قوه قضائیه از نگاه منفعت طلبانه و درآمذا به امر مبارزه با مواد مخدر هم انتقاد کرد و گفت: درآمد حاصل از مبارزه با مواد مخدر فقط باید صرف مبارزه با مواد مخدر ششود و نباید برای جبران کسری بودجه و حل مشکلات مالی دستگاه‌ها به آن چشم دوخت.

بنا به این گزارش در ابتدای این جلسه، سردار اسکندر مؤمنی بر ستاد مبارزه با مواد مخدر، افزود: ۱۰ آمانبند دستگاه‌های مختلف عضو این ستاد که ریاست کمیته‌های مختلف ستاد را بر عهده دارند، با ارائه گزارش‌ای از وضع و مصر و مبارزه با مواد مخدر در جهان، منطقه و ایران و فرصت‌ها و تهدیدات مبارزه با آن تبیین دیدگاه‌ها، برنامه‌ها و معاللات خود در این حوزه برداختند.

حمیدرضا صراکمی مشاور دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر و مدیرکل دفتر تحقیقات این ستاستد در این نشست اعلام کرد جهان با پدیده رشد فراینده عرضه و تقاضا و مصرف مواد مخدر مواجه استس و نخستین ماده مخدر پرمصرف در دنیا ، «کانابیس» از خانواده حبشیش و ماری جواناست و در ۱۲سال اخیر، مصرف مواد مخدر در جهان با رشدی ۹۹درصدی مواجه بوده و تنوع مواد روانگردان هم در ۶۶انوع در سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹شوق رسیده است.

وی همچنین از «تریاک» به عنوان ماده مخدر پرمصرف در کشورمان یاد برد و افزود: ایران به تنهایی ۹۰درصد تریاک دنیا، ۲۸درصد هروئین و ۶۴درصد مرغین را کشف و ضبط می کند.

در بخش پایانی این نشست، دبیر ستاد مبارزه با مواد

مخدر با اشاره به تشدید شکمشگیر کشف مواد مخدر در سال

گذشته که آن را بلاشترن نرخ در جهان دانست و همچنین

افزایش آبرابری ناسانسیاسی و مصادره ۵۰درصدی اموال

قاچاقچیان در کشور، تأکید کرد: مبارزه با مواد مخدر بدون

قانون به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

وی تأکید کرد: ایران تنها کشوری است که کمترین











## عراق از توطئه ترور فرماندهان الحشد الشعبی و ایجاد جنگ شیعی –شیعی پرده برداشت

سرویس خارجی: سازمان اطلاعات وزارت کشور عراق در سندی مجرمانه از طرحی برای فتنه‌افزینی در مناطق مرکزی و جنوبی عراق با ترور فرماندهان الحشد الشعبی خبر داد.

در این سند فوری و مجرمانه، از سازمان اطلاعات و تحقیقات فدرال وزارت کشور کشور عراق خطاب به ادارات پلیس استان‌های مرکزی و جنوبی و دیگر نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آمده است‌ که اطلاعات در دسترس، از قصد برخی طرف‌های خارجی برای فتنه‌افزینی و ایجاد جنگ داخلی شیعی-شیعی در استان‌های مرکزی و جنوبی از طریق هدف قرار دادن برخی گروه‌های زیرمجموعه الحشد الشعبی و فرماندهانشان به ویژه «البحسین الحمیدای» و «شیخ «ارم الکعبی» حکایت دارند.در ادامه این سند مجرمانه آمده است که در صورت عدم اکثار ترور این افراد، دیگر رهبران الحشد الشعبی و نیز شیوخ عشایر و مشخصا شیوخی که به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس سفر می‌کنند و روابط ویژه‌ای با رئیس جمهوری و نخست‌وزیر و برخی فعالان اجتماعی و مسئولان هماهنگی تظاهرات در عراق دارند، هدف قرار خواهند گرفت.

در این سند ذکر شده که اطلاعات موجود نشان می‌دهد برخی طرف‌های خارجی دست به حمایت مالی و تسلیحاتی از برخی شیوخ و تجیزیر مراکز هماهنگی تظاهرات با هدف تشکیل گروه‌های مسلح در واکنش به گروه‌های زیرمجموعه الحشد الشعبی می‌زنند.پیش از این اداره اطلاعات وزارت کشور عراق از قصد گروهی از فعالان اجتماعی برای کبکل یک گروه مسلح در استان‌های جنوبی با نام «گردان‌های حفاظت از انقلاب» خبر داده بودند.در نامه مجرمانه اداره اطلاعات وزارت کشور به اداره امنیت استان بصره آمده است‌ که گروهی از فعالان مدنی در پی تشکیل شبکه‌ی دولتی مسلحی تحت عنوان «کتابحیماه الثورة»، گردان‌های حفاظت از انقلاب برای حمایت از دولت‌نظرنگدان و فعالان و همه کسانی که با تظاهرات در استان‌های جنوبی ارتباط دارند، هستند.در چنین شرایطی ساکنان ۲۰ روستا در شهرستان «خاتقین» واقع در استان دیاله عراق برای باقی‌ماندن نیروهای الحشد الشعبی و دفع خطر بقایای داعش، درخواست رسمی ارائه کردند.

سازمان «الحشد الشعبی» عراق اعلام کرد که ساکنان بیش از ۲۰روستای استان دیاله به صورت رسمی خواستار باقی ماندن نیروهای الحشد در مناطق آنها برای مقابله با خطرات تروریسم شدند.«صادق الحسینی» سخنگوی رسمی محور دیاله در سازمان الحشد الشعبی اعلام کرد: ساکنان این روستاها تأکید دارند که به فرماندهان الحشد الشعبی در پایان دادن به حضور بقایای داعش و بازگشت همه آوارگان به مناطقشان اعتماد دارند. الحسینی گفت، نشست‌ها و دیدارهایی نیز با ساکنان این روستاها برگزار شد و به آنها اطمینان دادم که الحشد یک نیروی ملی است که از همه طیف‌ها و اقوام عراقی بدون هیچ استثنایی دفاع می‌کند. لذا از آنها نیز دفاع خواهد کرد و بیش از این برای پایان دادن و بستن پرونده بقایای داعش فداکاری و ایثار خواهد کرد. در چنین شرایطی نخست وزیر عراق با دستور تشکیل فرماندهی عملیات جدیدی در استان‌های جنوبی برای نظارت بر امنیت این استان‌ها، اختیارات ارتش را گسترش داد. مصطفی الکاظمی دستور تشکیل فرماندهی عملیات جدیدی وابسته به وزارت دفاع این کشور را برای نظارت بر امنیت استان‌های جنوبی صادر کرد. عادل عبدالمهدی، نخست وزیر سابق عراق پیشتر با انتقال مسئولیت مدیریت امنیت استان‌های جنوبی به نیروهای پلیس به جای ارتش، برای کاهش دایره اختیارات ارتش در این استان‌ها تلاش کرده بود.

خیبر دیگری اینکه یک مقام امنیتی عراق گفت یک بمب دستی کار گذاشته شده در بزرگراه الشعله بغداد در مسیر حرکت کاروانی از خودروهای پلیس جهتی انتلاف آمریکا منجر شد. شبکه «المیادین» گزارش داد که بمب کارگذاشته شد در مسیر حرکت کاروان لجسیتیکی انتلاف آمریکا در بزرگراه الشعله بغداد منجر شد و به زخمی شدن یک نیروی پلیس فدرال عراق و وارد آمدن خسارات مالی منجر شد. این حال یک نماینده عراقی از انتلاف سنی «القوی الوطنیه» با اشاره به کاهش خطرناک بودن تهدیدات عراق گفت که در حال حاضر آمریکا تنها چهار پایگاه نظامی در این کشور دارد. «فیصل العیسوی» در یک گفت‌وگوی تلویزیونی گفت: تعداد پایگاه‌های آمریکایی در عراق از ۲۰عدد به چهارده رسیده است. وی گفت: همهیمان آمریکای در عراق، سلاح مقاومت را بدون ضابطه می‌دانند.

از سوی مجله آمریکایی فورس در گزارشی با اشاره به اقدامات عراق در زمینه نوسازی ادوات و تجهیزات نظامی خود نوشت: عراق در زمره کشورهای در خاورمیانه در کنار ایران، مصر و ترکیه است که به نوسازی تجهیزات خود از جمله تاک‌های قدیمی با ابزارهای موجود روی آورده است.

### سرویس خارجی: شهردار سان فرانسیسکو: ترامپ، تروریست است

سرویس خارجی: شهردار سان فرانسیسکو در مصاحبه‌ای رئیس‌جمهوری آمریکا را تروریست و دیکتاتور خطاب کرد و رئیس مجلس نمایندگان آمریکا را در خط مقدم مبارزه با او توصیف کرد. «لانسدن پرسد» –شهردار سان‌فرانسیسکو دونالد ترامپ را تروریست و دیکتاتور خطاب کرد. ایسن مقام آمریکایی در مصاحبه‌ای گفت: ما یک رئیس‌جمهوری تروریست داریم، ما دیکتاتوری افربقای که کشور را می‌گرداند و ناسی پولسی رئیس مجلس نمایندگان در خط مقدم مبارزه با او ایستاده است. در این حال وکیل سابق ترامپ که کتاب خاطراتش از دوران کار برای این رئیس جمهور آمریکا به زودی در روانه بازار می‌شود، در کتاب خود نوشته که ترامپ اظهارات به شدت توهین‌آمیزی را علیه‌رهبران سرشناس سپاهویست جهان از جمله نلسون ماندلا، رئیس جمهور فقید آفریقای جنوبی و همین طور علیه اقلیت‌ها در آمریکا داشته است.

مایکل کوهن، که هم اکنون در جال‌گرداندن مجازات سه‌سال حبس به خاطر جرائم نظیر دروغگویی به کشور است، چنین گزارش‌اشکنتنکری است که به نسخه‌ای از کتاب جدید او دست یافته، در این کتاب فاش ساخته که ترامپ، نلسون ماندلا را که رهبر ضعیف تروریست کرد بود، کوهن نوشته که ترامپ بعد از مرگ ماندلا در سال ۲۰۱۳ اظهارات شدیدی توهین آمیزی را با الفاظ رکیک درباره این رهبر فقید آفریقای جنوبی بر زبان رانده بود و ترامپ در بخشی از صحبتهایش گفته بود: «ماندلا لمتی که چاق‌تالوت است، او رهبر نبود». کوهن نوشت: ترامپ در یک مقطع به هم گفت «کشور

سرویس خارجی: اسماعیل هنیه

رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین(حماس) باسیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان در بیروت دیدار کرد. در این دیدار که بحضور «صالح العاروری» معاون هنیه و هیات همراه وی انجام شد، تحولات سیاسی و نظامی در فلسطین، لبنان و منطقه و خطرانی که مسئله فلسطین را تهدید می‌کند، از جمله مملعت قرن، طرح عادی‌سازی روابط کشورهای عرب با رژیم اشغالگر و مسئولیت اسلام حماس در این باره مورد بررسی قرار گرفت. در این دیدار همچنین بر ثبات محور مقاومت و صلاحت آن در مقابله با فشارها و تهدیدها تأکید شد.در بیانیه حزب‌الله در این باره آمده است: در ایسن دیدار، محکم بودن روابط میان حزب‌الله و حماس که براساس ایمان، برادری، جهاد، سرنوشت مشترک و توسعه سازوکارهای همکاری و هماهنگی میان طرفین بنا شده است، مورد تأکید قرار گرفت.

گفتنی است رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس سه شنبه شب گذشته در راس هیاتی بلندپایه‌ای در این جنبش وارد بیروت شد. این نخستین سفر اسماعیل هنیه به بیروت پس از ۱۳۷است. هنیه پیشتر با مقام‌های ارشد لبنان از جمله نیه بری رئیس مجلس و حسان‌بدین‌نخست‌وزیر دولت پیشیند امروز این کشور دیدار کرده بود.ملاقات با جمعی از علمای لبنان و دبیرکل جنبش جماعت اسلامی این کشور از دیگر اتفاقات مهم در این سفر بود. خیر دیگر اینکه وزارت دادگستری آمریکا از بازداشت دو آمریکایی به اتهام ارتباط با جنبش حماس خبر داد. اعلام کرد که «مایکل سیکلومون» ۴۰ ساله و «نجیمان تیز» ۲۲ ساله به اتهام ارتباط با حماس و تلاش برای کمک مالی به این جنبش بازداشت شدند. وزارت دادگستری آمریکا ادعا کرد که این دو فرد با شخصی که از اعضای حماس است در ارتباط بودند. این دو نفر وابسته به جنبش «بوکالو» هستند و پس از بازداشت در دادگاه شهر «مینیاپولیس» در ایالت «مینه سوتا» حضور یافته‌اند. این مهم هستند که برای ضربه زدن به دولت آمریکا درصدد پیوستن به جنبش

صاحب امتیاز: شرکت ارتباطی (مؤسسه اطلاعات) مدیر مسئول: سیدمحمدودعائی سردبیر: علیرضا خانی نشانی: تهران- بلوار فرمانده- خدایان مصطفی جنوبی (نفت سابق) ساختمان اطلاعات- کدپستی ۱۵۴۹۵۳۱۱۱ (تهران) پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰ تلفن: ۲۹۹۹۹۹ نامبر آگهی‌ها ۲۲۲۵۸۰۰۱۹۲۱ تلفن پذیرش آگهی‌ها ۲۲۲۵۸۰۰۱۲-۱۸۰۷۱۸ نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

# اطلاعات

سال نود و پنجم

حماس و اسرائیل نشات می‌گیرد. از این گروه بوده‌اند. این درحالی است که حماس در واکنش به ادعای وزارت دادگستری آمریکامینی بر بازداشت و ترمیم ارتباط با این جنبش اعلام کرد. این اتهامات باطل در چارچوب طرح برنامهریزی شده دولت آمریکا برای نابودی مسأله فلسطین و مقاومت آن است.

جنبش حماس اعلام کرد، گروه موسوم به «بوگالو» را نمی‌شناسد و این اتهامات را تلافی برای تحریب

گفتنی است رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس سه شنبه شب گذشته در راس هیاتی بلندپایه‌ای در این جنبش وارد بیروت شد. این نخستین سفر اسماعیل هنیه به بیروت پس از ۱۳۷است. هنیه پیشتر با مقام‌های ارشد لبنان از جمله نیه بری رئیس مجلس و حسان‌بدین‌نخست‌وزیر دولت پیشیند امروز این کشور دیدار کرده بود.ملاقات با جمعی از علمای لبنان و دبیرکل جنبش جماعت اسلامی این کشور از دیگر اتفاقات مهم در این سفر بود. خیر دیگر اینکه وزارت دادگستری آمریکا از بازداشت دو آمریکایی به اتهام ارتباط با جنبش حماس خبر داد. اعلام کرد که «مایکل سیکلومون» ۴۰ ساله و «نجیمان تیز» ۲۲ ساله به اتهام ارتباط با حماس و تلاش برای کمک مالی به این جنبش بازداشت شدند. وزارت دادگستری آمریکا ادعا کرد که این دو فرد با شخصی که از اعضای حماس است در ارتباط بودند. این دو نفر وابسته به جنبش «بوکالو» هستند و پس از بازداشت در دادگاه شهر «مینیاپولیس» در ایالت «مینه سوتا» حضور یافته‌اند. این مهم هستند که برای ضربه زدن به دولت آمریکا درصدد پیوستن به جنبش

چهره حماس به درخواست رژیم صهیونیستی و سربان افراطی آن می‌یاد.اينس جنبش ضمن محكوم كردن اتهامات مذكور، تصريح كرد: حماس يك جنبش آزاديبخش ملی فلسطینی است كه مبارزه آن تنها علیه رژیم اشغالگر اسرائیل در فلسطین است و در امور هیچ كشوری مداخله نمی‌كند و حماس در طول تاریخ خود هیچ قصدی برای توسل به خشونت علیه آمریکا نداشته است. خیبر دیگر اینکه یک روزنامه صهیونیستی گزارش داد که ویلعهد ابوظبی، پادشاه اردن آنجا به تهدید بر اسرائیل اشاره کرده است.«مخارج (بیرو) تحلیلگر امور عربی در روزنامه صهیونیستی «ایدیوت‌الهاروت» درباره آنچه موسوم به «جنگ سرد» میان امان و ابوظبی است، نوشت که این جنگ از بحث عادی‌سازی روابط میان

### شهردار سان فرانسیسکو: ترامپ، تروریست است

هستند.سی ان ان در گزارش خود با عنوان «سپاهویستان آمریکایی، بسیار بیشتر از کرونا آسیب می‌بینند» این تیراخی تروریستی در آمریکا را که در جریان شیوع کرونا دوچندان شده است، به صورت مستند و با مراجعه به افراد مختلف بررسی کرده است. در ادامه گزارش سی ان ان



فرق شدن قایق‌های حامیان ترامپ در تگزاس

چندین قایق در مراسم رژه قایق‌های طرفداران انتخاب مجده «دونالد ترامپ» به عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا در ایالت تگزاس، غرق شدند. یکی‌عزم وقف سانحه جرق قایق‌های طرفداران ترامپ، گزارشی از تلفات در این حادثه

دیگران از شیوع کرونا آسیب دیده‌اند. گفته شده است: براساس برنامه تحقیقاتی «مقیب کرونا» نرخ مرگ و میر سپاهویست‌سان بسر اثر کرونا ۲۴ برابر بیشتر از سپاهویستان می‌میرند در حال‌ی که سپاهویستان ۱۳ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند. اما ۲۷ درصد جان‌باختگان کووید-۱۹ در بر می‌گیرند، اما در مقابل ۶۰ درصد جمعیت آمریکا سفیدپوست هستند، اما ۹۹ درصد قریانیان کووید-۱۹ از سفیدپوستان

### پاکستان: به همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان متعهدیم

طرح‌های دشمنان پاکستان در روز ملی دفاع و شهدای این کشور اعلام کرد:اسلام آباد به همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان خود متعهد است.دولت پاکستان به مناسبت روز ملی دفاع و شهدای این کشور تعهد خود را برای برقراری صلح و امنیت منطقه و همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان اعلام کرد. پاکستان اعلام کرد: این کشور هرگز به دنبال رویارویی و تنش نیست بلکه اسلام‌آباد متعهد به تلاش برای تقویت صلح و امنیت در منطقه و همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان بوده است.

رئیس جمهوری و نخست وزیر پاکستان نیز به همین مناسبت اعلام کردند: این کشور نگاه و به جلو به همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان دارد در عین حال نیروهای مسلح پاکستان هر لحظه آماده واکنش به

## کمیود سوخت، بیمارستان‌های یمن را با بحران مواجه کرد

سرویس خارجی: همزمان با ادامه توقیف کشتی‌های نفتی یمن توسط ائتلاف سعودی، کمیود سوخت در این کشور بیمارستان‌ها را بحران مواجه کرد و در همین راستا بیمارستان‌ها در استان جعنه تعطیل شد. در همین رابطه وزارت بهداشت دولست نجابت ملی یمن در تعطیل شدن بیمارستان در استان جعنه تا زمان کمیود سوخت دربی توقیف

امارات و اسرائیل نشات می‌گیرد. سمدار بیرر با تأکید بر این که داستان عاشقانه میان تل آویو و ابوظبی موجب نگرانی پادشاه اردن شده است، نوشت که:تویت‌هایفلگنکرکنندهشاهراهه «علی» برادر ناتنی «عبدالله دوم» پادشاه اردن که در آن اقدام «محمد بن زاید» وی انجام شد، تحولات سیاسی و نظامی در فلسطین، لبنان و منطقه و خطرانی که مسئله فلسطین را تهدید می‌کند، از جمله مملعت قرن، طرح عادی‌سازی روابط کشورهای عرب با رژیم اشغالگر و مسئولیت اسلام حماس در این باره مورد بررسی قرار گرفت. در این دیدار همچنین بر ثبات محور مقاومت و صلاحت آن در مقابله با فشارها و تهدیدها تأکید شد.در بیانیه حزب‌الله در این باره آمده است: در ایسن دیدار، محکم بودن روابط میان حزب‌الله و حماس که براساس ایمان، برادری، جهاد، سرنوشت مشترک و توسعه سازوکارهای همکاری و هماهنگی میان طرفین بنا شده است، مورد تأکید قرار گرفت.

گفتنی است رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس سه شنبه شب گذشته در راس هیاتی بلندپایه‌ای در این جنبش وارد بیروت شد. این نخستین سفر اسماعیل هنیه به بیروت پس از ۱۳۷است. هنیه پیشتر با مقام‌های ارشد لبنان از جمله نیه بری رئیس مجلس و حسان‌بدین‌نخست‌وزیر دولت پیشیند امروز این کشور دیدار کرده بود.ملاقات با جمعی از علمای لبنان و دبیرکل جنبش جماعت اسلامی این کشور از دیگر اتفاقات مهم در این سفر بود. خیر دیگر اینکه وزارت دادگستری آمریکا از بازداشت دو آمریکایی به اتهام ارتباط با جنبش حماس خبر داد. اعلام کرد که «مایکل سیکلومون» ۴۰ ساله و «نجیمان تیز» ۲۲ ساله به اتهام ارتباط با حماس و تلاش برای کمک مالی به این جنبش بازداشت شدند. وزارت دادگستری آمریکا ادعا کرد که این دو فرد با شخصی که از اعضای حماس است در ارتباط بودند. این دو نفر وابسته به جنبش «بوکالو» هستند و پس از بازداشت در دادگاه شهر «مینیاپولیس» در ایالت «مینه سوتا» حضور یافته‌اند. این مهم هستند که برای ضربه زدن به دولت آمریکا درصدد پیوستن به جنبش

رژیم اشغالگر قدس بر سر عادی‌سازی روابط بین خود و انتقال سفارتخانه اش به قدس اشغالی با تأکید بر این که نتایج‌هاو گفت: کوزوو اولین کشورشهر قدس را اقامی باطل و مخالف قطعنامه‌های سازمان ملل و شورای امنیت دانست.

گفتنی است روز جمعه گذشته بعد از آنکه رئیس جمهور آمریکا از توافق کوزوو و رژیم تل آویو خبر داد، سرپرستان نیز به همراه کوزوو اعلام کرد که سفارت خود را به جای تل آویو در شهر قدس اشغالی برپا خواهد کرد. همزمان وزارت خارجه ترکیه نیز



سازش میان ابوظبی و تل آویو استقبال نکرد. اما همان شب تویت بردارش می‌یاد.اينس جنبش ضمن محكوم كردن اتهامات مذكور، تصريح كرد: حماس يك جنبش آزاديبخش ملی فلسطینی است كه مبارزه آن تنها علیه رژیم اشغالگر اسرائیل در فلسطین است و در امور هیچ كشوری مداخله نمی‌كند و حماس در طول تاریخ خود هیچ قصدی برای توسل به خشونت علیه آمریکا نداشته است. خیبر دیگر اینکه یک روزنامه صهیونیستی گزارش داد که ویلعهد ابوظبی، پادشاه اردن آنجا به تهدید بر اسرائیل اشاره کرده است.«مخارج (بیرو) تحلیلگر امور عربی در روزنامه صهیونیستی «ایدیوت‌الهاروت» درباره آنچه موسوم به «جنگ سرد» میان امان و ابوظبی است، نوشت که این جنگ از بحث عادی‌سازی روابط میان

سازش میان ابوظبی و تل آویو استقبال نکرد. اما همان شب تویت بردارش می‌یاد.اينس جنبش ضمن محكوم كردن اتهامات مذكور، تصريح كرد: حماس يك جنبش آزاديبخش ملی فلسطینی است كه مبارزه آن تنها علیه رژیم اشغالگر اسرائیل در فلسطین است و در امور هیچ كشوری مداخله نمی‌كند و حماس در طول تاریخ خود هیچ قصدی برای توسل به خشونت علیه آمریکا نداشته است. خیبر دیگر اینکه یک روزنامه صهیونیستی گزارش داد که ویلعهد ابوظبی، پادشاه اردن آنجا به تهدید بر اسرائیل اشاره کرده است.«مخارج (بیرو) تحلیلگر امور عربی در روزنامه صهیونیستی «ایدیوت‌الهاروت» درباره آنچه موسوم به «جنگ سرد» میان امان و ابوظبی است، نوشت که این جنگ از بحث عادی‌سازی روابط میان

### شهردار سان فرانسیسکو: ترامپ، تروریست است

سرویس خارجی: شهردار سان فرانسیسکو در مصاحبه‌ای رئیس‌جمهوری آمریکا را تروریست و دیکتاتور خطاب کرد و رئیس مجلس نمایندگان آمریکا را در خط مقدم مبارزه با او توصیف کرد. «لانسدن پرسد» –شهردار سان‌فرانسیسکو دونالد ترامپ را تروریست و دیکتاتور خطاب کرد. ایسن مقام آمریکایی در مصاحبه‌ای گفت: ما یک رئیس‌جمهوری تروریست داریم، ما دیکتاتوری افربقای که کشور را می‌گرداند و ناسی پولسی رئیس مجلس نمایندگان در خط مقدم مبارزه با او ایستاده است. در این حال وکیل سابق ترامپ که کتاب خاطراتش از دوران کار برای این رئیس جمهور آمریکا به زودی در روانه بازار می‌شود، در کتاب خود نوشته که ترامپ اظهارات به شدت توهین‌آمیزی را علیه‌رهبران سرشناس سپاهویست جهان از جمله نلسون ماندلا، رئیس جمهور فقید آفریقای جنوبی و همین طور علیه اقلیت‌ها در آمریکا داشته است.

مایکل کوهن، که هم اکنون در جال‌گرداندن مجازات سه‌سال حبس به خاطر جرائم نظیر دروغگویی به کشور است، چنین گزارش‌اشکنتنکری است که به نسخه‌ای از کتاب جدید او دست یافته، در این کتاب فاش ساخته که ترامپ، نلسون ماندلا را که رهبر ضعیف تروریست کرد بود، کوهن نوشته که ترامپ بعد از مرگ ماندلا در سال ۲۰۱۳ اظهارات شدیدی توهین آمیزی را با الفاظ رکیک درباره این رهبر فقید آفریقای جنوبی بر زبان رانده بود و ترامپ در بخشی از صحبتهایش گفته بود: «ماندلا لمتی که چاق‌تالوت است، او رهبر نبود». کوهن نوشت: ترامپ در یک مقطع به هم گفت «کشور

سرویس خارجی: اسماعیل هنیه

رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین(حماس) باسیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان در بیروت دیدار کرد. در این دیدار که بحضور «صالح العاروری» معاون هنیه و هیات همراه وی انجام شد، تحولات سیاسی و نظامی در فلسطین، لبنان و منطقه و خطرانی که مسئله فلسطین را تهدید می‌کند، از جمله مملعت قرن، طرح عادی‌سازی روابط کشورهای عرب با رژیم اشغالگر و مسئولیت اسلام حماس در این باره مورد بررسی قرار گرفت. در این دیدار همچنین بر ثبات محور مقاومت و صلاحت آن در مقابله با فشارها و تهدیدها تأکید شد.در بیانیه حزب‌الله در این باره آمده است: در ایسن دیدار، محکم بودن روابط میان حزب‌الله و حماس که براساس ایمان، برادری، جهاد، سرنوشت مشترک و توسعه سازوکارهای همکاری و هماهنگی میان طرفین بنا شده است، مورد تأکید قرار گرفت.

گفتنی است رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس سه شنبه شب گذشته در راس هیاتی بلندپایه‌ای در این جنبش وارد بیروت شد. این نخستین سفر اسماعیل هنیه به بیروت پس از ۱۳۷است. هنیه پیشتر با مقام‌های ارشد لبنان از جمله نیه بری رئیس مجلس و حسان‌بدین‌نخست‌وزیر دولت پیشیند امروز این کشور دیدار کرده بود.ملاقات با جمعی از علمای لبنان و دبیرکل جنبش جماعت اسلامی این کشور از دیگر اتفاقات مهم در این سفر بود. خیر دیگر اینکه وزارت دادگستری آمریکا از بازداشت دو آمریکایی به اتهام ارتباط با جنبش حماس خبر داد. اعلام کرد که «مایکل سیکلومون» ۴۰ ساله و «نجیمان تیز» ۲۲ ساله به اتهام ارتباط با حماس و تلاش برای کمک مالی به این جنبش بازداشت شدند. وزارت دادگستری آمریکا ادعا کرد که این دو فرد با شخصی که از اعضای حماس است در ارتباط بودند. این دو نفر وابسته به جنبش «بوکالو» هستند و پس از بازداشت در دادگاه شهر «مینیاپولیس» در ایالت «مینه سوتا» حضور یافته‌اند. این مهم هستند که برای ضربه زدن به دولت آمریکا درصدد پیوستن به جنبش

چهره حماس به درخواست رژیم صهیونیستی و سربان افراطی آن می‌یاد.اينس جنبش ضمن محكوم كردن اتهامات مذكور، تصريح كرد: حماس يك جنبش آزاديبخش ملی فلسطینی است كه مبارزه آن تنها علیه رژیم اشغالگر اسرائیل در فلسطین است و در امور هیچ كشوری مداخله نمی‌كند و حماس در طول تاریخ خود هیچ قصدی برای توسل به خشونت علیه آمریکا نداشته است. خیبر دیگر اینکه یک روزنامه صهیونیستی گزارش داد که ویلعهد ابوظبی، پادشاه اردن آنجا به تهدید بر اسرائیل اشاره کرده است.«مخارج (بیرو) تحلیلگر امور عربی در روزنامه صهیونیستی «ایدیوت‌الهاروت» درباره آنچه موسوم به «جنگ سرد» میان امان و ابوظبی است، نوشت که این جنگ از بحث عادی‌سازی روابط میان

ظهور اطلاعات
دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۹
۱۸مهرم ۱۴۴۲-۷ سپتامبر ۲۰۲۰
ظهر شرعی
غروب آفتاب
اذان مغرب
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادا‌ی نماز صلا)
اذان صبح (فردا)
طلوع آفتاب (فردا)

# اطلاعات

رژیم اشغالگر قدس بر سر عادی‌سازی روابط بین خود و انتقال سفارتخانه اش به قدس اشغالی با تأکید بر این که نتایج‌هاو گفت: کوزوو اولین کشورشهر قدس را اقامی باطل و مخالف قطعنامه‌های سازمان ملل و شورای امنیت دانست.

گفتنی است روز جمعه گذشته بعد از آنکه رئیس جمهور آمریکا از توافق کوزوو و رژیم تل آویو خبر داد، سرپرستان نیز به همراه کوزوو اعلام کرد که سفارت خود را به جای تل آویو در شهر قدس اشغالی برپا خواهد کرد. همزمان وزارت خارجه ترکیه نیز

سازش میان ابوظبی و تل آویو استقبال نکرد. اما همان شب تویت بردارش می‌یاد.اينس جنبش ضمن محكوم كردن اتهامات مذكور، تصريح كرد: حماس يك جنبش آزاديبخش ملی فلسطینی است كه مبارزه آن تنها علیه رژیم اشغالگر اسرائیل در فلسطین است و در امور هیچ كشوری مداخله نمی‌كند و حماس در طول تاریخ خود هیچ قصدی برای توسل به خشونت علیه آمریکا نداشته است. خیبر دیگر اینکه یک روزنامه صهیونیستی گزارش داد که ویلعهد ابوظبی، پادشاه اردن آنجا به تهدید بر اسرائیل اشاره کرده است.«مخارج (بیرو) تحلیلگر امور عربی در روزنامه صهیونیستی «ایدیوت‌الهاروت» درباره آنچه موسوم به «جنگ سرد» میان امان و ابوظبی است، نوشت که این جنگ از بحث عادی‌سازی روابط میان

## ارتش ترکیه دهها تانک و خودروی زرهی به مرز یونان ارسال کرد

سرویس خارجی: ارتش ترکیه در ادامه تشری با یونان در دریای مدیترانه دهها تانک و خودروی زرهی به مرزهای غربی خود با یونان کشورآرسلان کرد. رسانه‌های ترکیه از اقدام ارتش این کشور در ارسال تجهیزات نظامی از جمله تانک به مرز یونان خبر دادند.روزنامه «جمهوریت» ترکیه نوشت:نیروهای مسلح این کشور دو کاروان نظامی حامل تانک را از منطقه «یرمحللی» و «کوملو» استان «هاتای» واق در جنوب ترکیه و نزدیک مرز ادلب سوریه حرکت داده است.بر اساس این گزارش، مقصد این دو کاروان نظامی استان «ادرنه» واقع در بخش اروپایی ترکیه و هم‌مرز با یونان است. قرار است این کاروان‌ها که حامل ۴۰ تانک هستند، از بندر «اسکدرون» واقع درهای از طریق قطار به ادیرنه ملشد. درچنین شرایطی،رئیس‌جمهوری ترکیه رجب طیب اردوگانی به این توجیه به ابده شد:دراین دربارهمناقشه در شرق مدیترانه و همدارند داد: گفت: این اراده آنکارا را در حفاظت از منافعش در منطقه خواهد دید.ردجب اردوغان، آنها را باید زیان سیاست و دیپلماسی را بفهمند یا این که تحریبات دردناک را شاهد باشند. ترکیه قدرت کالی سیاسی، اقتصادی و نظامی، برای ای بین بردن نقشه‌های نادرست و اسناد مرتبط به دریای مدیترانه دارد.رئیس‌جمهوری ترکیه اعلام کرد: این کشور قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی کافی دارد تا بتواند نقشه‌هایی که به قول وی بر ترکیه تحمیل شده است را پاره کند.اردوغان تأکید کرد: ترکیه آمادگی دارد تا منابع طبیعی در دست دریای مدیترانه به صورت عادلانه توزیع شود و هم‌زمان آماده مقابله با تمامی تهدیدات و حفظ حقوق خود است.

## طالبان در آستانه مذاکرات با کابل، مسئول تیم مذاکره کننده خود را تغییر داد

سرویس خارجی: سرکرده طالبان درآستانه برگزاری مذاکرات صلح با دولت افغانستان در قطر،مسئول تیم مذاکره کننده خود را تغییر داد و «مولوی عبدالحمید» را به عنوان مسئول جدید این تیم معرفی کرد.سرکرده طالبان با آستانه مذاکرات بین‌الافغان با دولت افغانستان،«مولوی عبدالحمید»،قاضی‌القضات این گروه که از نزدیکان «لااخر محمد منصور» سرکرده سابق و عضو شوروی رهبری طالبان است را در عنوان مسئول تیم مذاکره کننده تعیین کرد. درهمین رابطه «فتح‌الله مجاهد» سخنگوی طالبان از تغییرات اساسی در تیم مذاکره کننده این گروه خبرداد و در بیانیه اعلام کرد: براساس حکم سرکرده این گروه، تیم مذاکره کننده طالبان ۱۱ عضو داشته و «مولوی عبدالحمید» مسئول تیم و «شیرمحمد عباس استانکز» نیز معاون وی خواهد بود. وی افزود: «محمد نعتی وردک» نیز به عنوان سخنگوی تازه دفتر سیاسی طالبان معرفی شد. در این حال طالبان اعلام کردند:خبرنشتن نشست مشترک بین مذاکراتی این گروه و اعضای دفتر سیاسی آن به ریاست ملا عبدالغنی برادر، معاون و رئیس دفتر سیاسی طالبان در قطر، برگزار شد.این در حالی است که در بیانیه اعلام کرد که طالبان از «انزلی اعلام کرده» نامیده ویژه این کشور در امور صلح افغانستان برای پیشبرد تلاش‌های صلح در راستا آغاز فوری مذاکرات بین‌الافغانی عازم قطر شده است.



الکساندر ووچچ رئیس‌جمهوری صربستان که برای توافق عادی‌سازی روابط با کوزوو روز جمعه در واشنگتن حضور یافته بود اعلام کرد: سفارتخانه صربستان در سرزمین‌های اشغالی جاشکارت تا ژوئیه ۲۰۲۱ (تیرماه ۱۴۰۰) به بیت‌المقدس منتقل خواهد شد. اما تصاویر تلویزیونی نشان داد هنگامی که ترامپ اعلام می‌کند که رئیس‌جمهوری صربستان در توافق‌نامه همکاری با آمریکا پذیرفته که سفارت صربستان در اسرائیل را از تل آویو به بیت‌المقدس منتقل کند، رئیس‌جمهوری صربستان با تعجب بـه متن توافق‌نامه مراجعه می‌کند و می‌بیند که چنین بندی در وجود دارد و متعجب و شگفت‌زده می‌شود که بدون مطالعه متن توافق‌نامه، آن را امضا کرده است. مقایسه نیز ترامپ را با میزی که برای رئیس‌جمهوری صربستان گذاشته اند، نشان دهنده رفتار تحقیرآمیز ترامپ با دیگران است.

سازمان همکاری اسلامی توهمین «شارلی ابدو» به پیامبر(ص)

را محکوم کرد

ایسنا: سازمان همکاری اسلامی بانشر کاریکاتور توهمین‌آمیز به حضرت محمد(ص) توسط مجله فرانسوی شارلی ابدو را محکوم کرد. هیات مستقل حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی در بیانیه‌ای اعلام کرد: ما این اقدام شنیع مجله شارلی ابدو در توهمین به بزرگترین شخصیت اسلام که از احترام مسلمانان در جهان برخوردار است را محکوم می‌کنیم و از اظهارات غیرمسئولانه مقامات برخی کشورها در آنچه حق آزادی در توهمین می‌خوانند، متأسفیم. در این بیانیه آمده است: انتقاد سازنده بخشی از آزادی بیان است اما تمسخر و توهین به شکل مستقیم، تحریک به زنجار و تبعیض و خشونت و یک جنایت است و بشریت در این روزهای سخت بحران کرونا به تلاش بیشتری برای همبستگی و تسامح و احترام به تنوع فرهنگی و دینی و تقویت مذاکره در تمامی سطوح نیاز دارد.

سفر وزیر خارجه روسیه به دمشق

تسنیم: منابع خبری از سفر وزیر خارجه روسیه به سوریه خبر دادند. خبرگزاری شبکه المیادین در مسکو گزارش داد که سربرگی لاوروف امروز دوشنبه در راس هیاتی بلندپایه به دمشق طی این سفر با بنشاراد رئیس‌جمهوری سوریه دیدار و در نشست مشترک همکاری اقتصادی نیز شرکت خواهد کرد. مسائل همکاری‌های دوجانبه، روند سیاسی سوریه و مبارزه با تروریسم و نیز اوضاع شرق فرات در دستورکار سفر لاوروف قرار دارد.

محله با سلاح سرد در انگلیس با یک کشته

ایرنا: تانک خبری انگلیسی اعلام کرد که حمله با سلاح سرد در شهر بیرمنگام یک کشته و هفت مجروح بر جا گذاشت. پلیس منطقه وست‌میدلندز این حادثه را که در مرکز شهر رخ داد، رویدادی بزرگ ارزیابی کرد. پلیس می‌گوید چندین حمله دیگر نیز با سلاح سرد در نزدیکی محل وقوع حادثه رخ داد اما ارتباط آنها با یکدیگر هنوز تأیید نشده است. پلیس در بیانیه‌ای اعلام کرد که تحقیقات درباره علت وقوع این حادثه در جریان است.

وزیر دفاع روسیه، خود را در برابر کرونا واگسیه کرد



تسنیم: وزیر دفاع روسیه از انجام واگسیانیو خود خبر داد و گفت که هیچ عوارض جانبی ندارد. «سگرنی شکیلیو» پس از انجام واگسیانیو به ویروس کرونا، اعلام کرد که احساس خوبی دارد و حتی افزایش دما یا عوارض جانبی دیگری نداشته است. وزیر دفاع روسیه در مصاحبه‌ای توصیه کرد که همه شهروندان به تدریج خود را علیه ویروس کرونا واگسیه کنند.

**ضرب الاجل آلمان به روسیه درباره رهبر مخالفان پوتین**
مهر: وزیر خارجه آلمان در اظهاراتی تهدیدآمیزی مدعی شد که اگر مسکو طی روزهای آتی توضیحی قانع‌کننده درباره مسئولیت «لکسی ناولتی» رهبر مخالفان پوتین ارائه نکند، عواقب این مسئله فقط به لغو پروژه «انورد استرم ۲» ختم نخواهد شد.
هایکو ماس که کشورش فدرهباد درمان ناولتی است، گفت: تعیین ضرب‌الاجل هرچ‌یکس را پیش نمی‌برد اما اگر طی روزهای آتی، توضیحی از جانب روسیه درباره مسئومیت ناولتی دریافت نکنیم، بلااجبار درباره نوع واکنشی که باید اتخاذ کند با شرکایمان در بحث می‌نشینیم و امیدواریم روسیه این جنایت بزرگ را حل و فصل کند. مسکو ربطی به این قضیه ندارد ادلای در اثبات این موضوع ارائه کند.

**آمریکا: در تلاش برای ایجاد «توتوی آسیایی» هستیم**
مهر: معاون وزیر امور خارجه آمریکا از تصمیم این کشور برای ایجاد ساختاری نظامی در آسیا شبیه به «ناتو» خبر داد. «استفان بیگون» گفت: دیپلمات‌های آمریکایی در کارزارنی با طرف‌های مختلف برای آدام‌سازی مقدمات تشکیل این ائتلاف نظامی هستند. معاون وزیر خارجه آمریکا با اشاره به اینکه منطقه ایلنو-سپاسیفیک (او آی‌اقلانوس و آرام) اهمیت ویژه‌ای برای آمریکا برخوردار است از لوم تشکیل اتحادی نظامی همانند ناتو این منطقه صحبت به میان آورد.
به گفته وی، توتوی آسیایی می‌تواند در مراحل بعدی کشورهای همچون آمریکا، ژاپن، استرالیا و هند شود و در مراحل بعدی شورایی همچون کره جنوبی، ویتنام و نیوزیلند را نیز در بر گیرد.

**کودتاکران، رئیس‌جمهوری مالی را برای درمان به ابوظبی فرستادند**

فارس: ۹ روز بعد از اقدام کودتاکران در آذر کردن «ابراهیم ابوبکر کیتا» رئیس‌جمهوری مخلوع مالی و انتخاب شورای نظامی به عنوان جایگزین او، خبرها از انتقال کیتا به ابوظبی به بهانه درمان حکایت دارد. در محل تحولات سیاسی در مالی بعد از کودتای ۲۸ اردی‌اسال، یک مشاور نزدیک به ابراهیم ابوبکر کیتا از خروج او از مالی برای معالجه در ابوظبی خبر داد.

«مادو کارلار» رئیس دفتر سابق رئیس‌جمهوری مخلوع مالی گفت: کیتا کشور را به مقصد ابوظبی ترک کرد و این یک سفر، درمانی و به مدت ۱۰ تا ۱۵ روز است.

## دیدبان حقوق بشر: دولت سعودی فوراً تمامی زندانیان سیاسی را آزاد کند

سرویس خارجی: سازمان دیدبان حقوق بشر در بیانیه‌ای با اشاره به وضعیت زندانیان عقیدتی و سیاسی در عربستان، خواستار آزادی فوری آنها توسط دولت سعودی شد.دیدبان حقوق بشر در بیانیه‌ای ضمن تأکید بر نقض حقوق زندانیان سیاسی در عربستان سعودی، خواستار تحقیقات برض‌المللی در خصوص وضعیت آنها شد و نوع رفتار دولت ریاض با این زندانیان را محکوم کرد.در این بیانیه آمده است: حاکمان سعودی برخی از بازداشت‌شدگان را برای ابعاد از ارتباط با خانواده و وکلایشان محروم می‌کنند و آنها هیچ ارتباطی با دنیای خارج ندارند.دیدبان حقوق بشر از دولت سعودی خواست تا به بازرسان بین‌المللی برای ورود به عربستان و دیدار از زندان‌ها، اجازه ورود دهنده. گفته این سازمان این بازرسان همچنین باید بتوانند در خصوص ادعای وجود شکنجه در زندان‌ها تحقیقات بیطرفانه انجام دهند.طبق این بیانیه، «محمد بن نایف» ولیعهد سابق سعودی که از اسفند سال گذشته در بازداشت به سر می‌برد، هنوز با خانواده‌اش دیداری نداشته و مکان بازداشتش نیز نامعلوم است.دیدبان حقوق بشر در ادامه ضمن ابراز نگرانی از وضعیت محمد بن نایف و دیگر زندانیان و فعالان عربستانی، از کشورهای همچون با عربستان سعودی خواست تا ریاض را برای آزادی تمامی بازداشت‌شدگان که به طور «ظالمانه» دستگیر شده‌اند، تحت فشار قرار دهد.دیدبان درحالی است که منابع عربستانی اعلام کردند: مقامات سعودی در ادامه حکمین بازداشت فعالان و فعالان «عبدالله بصفیر» قاری مشهور قرآن و «سعد القیسان» استاد دانشگاه این کشور را بازداشت کردند.

ششدن یکی از نیروهای امنیتی این

کشور به دست تروریستها در استان سوسه خبر داد. وزارت کشور تونس در بیانیه ای اعلام کرد: شمارسی از نیروهای امنیتی از سوسو سه تروریست با خودرویی در استان سوسه زیر گرفته شدند. به گفته این وزارتخانه بلافاصله پس از این حادثه نیروهای امنیتی وارد عمل شدند و تروریست‌ها را به محاصره درآوردند و تبادل ترزندازی میان نیروهای امنیتی و تروریست‌ها رخ داد که بر اثر آن سه تروریست به هلاکت رسیدند.

م





۲۵۶  
ضمیمه اجتماعی روزنامه اطلاعات  
دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۹ - سال شصت و پنجم - شماره ۲۷۶۴۸



کارگردان به مثابه  
جامعه‌شناس





زیرگذر اینترنت

## دو مرگ بزرگ در برابر یک تولد متوسط

«مهریویا علا» هم گفته: «فوتبال و سینمای ایران آن قدر تا خرتناق در فساد و رانت فرو رفته‌اند و آن قدر بی‌دست‌آورد و بی‌محتوا شده‌اند که به‌نظرم بهتر است در این وضع وخیم اقتصادی هرچه سریع‌تر بساطشان را به‌کل جمع کنند تا بلکه بخش خصوصی واقعی از صفر شروع کند و این حوزه‌ها دوباره پس از چند دهه به جایی برسند.»

زمانی بود که ما با شخصیت‌های فیلم‌های ایرانی زندگی می‌کردیم و دیالوگ‌هایشان را از حفظ بودیم، اما «مستقل» گفته: «هیچ کدام از بازیگرانی را که طی ده سال گذشته وارد سینمای ایران شده‌اند نمی‌شناسم.»

چه شد که به اینجا رسیدیم؟

«روزبه جعفری» نوشته: «ناصر تقوایی می‌گفت شخصیت داستان در لحظه و فقط برای نیاز کنونی دراماتیک شما به‌وجود نمی‌آید. ما به یک مرد ۴۰ ساله در داستان نیاز داریم، ولی توجه نمی‌کنیم او ۴۰ سال زندگی کرده تا به این گره دراماتیک رسیده. عدم توجه به زندگی شخصیت، داستان ما را ناصداق و بدون فردیت می‌کند. شاید به‌همین دلیل است که اکثر کاراکترهای سینمای ایران شبیه به هم حرف می‌زنند، تصمیم می‌گیرند و تکراری‌اند. شخصیت‌ها در نزد نویسندگان زنده نیستند، ماکت‌هایی هستند که برای رفع حاجت خلق می‌شوند و زود هم از یاد می‌روند.»

«میرساجد» به یک نکته جالب اشاره کرده: «در روز و ماهی که [کریستوفر] نولان (کارگردان آمریکایی) به‌دنیا آمده، [اینگمار] برگمان (کارگردان سوئدی) و آنتونیونی (کارگردان ایتالیایی) مُردند، دو مرگ بزرگ در برابر یک تولد متوسط؛ تعریف دقیقی از وضع کنونی سینما و جهان که رفته‌رفته بدتر می‌شود.»

«افشار» نوشته: «ریش ۱۴ میلیونی مخاطبان سینماها، شوک بزرگ اقتصادی کرونا به سینمای ایران و پایان فصل طلایی اکران؛ اگر معجزه‌ای در زمینه بیماری کرونا اتفاق نیفتد باید کار اکران امسال را تمام‌شده دانست.»

اخبار مربوط به بازیگران هم یکی از سوزهای جذاب برای بحث و گفت‌وگوست. به‌عنوان مثال اخیراً وقتی شایعه شد که «لیلا حاتمی» برای بازی در فیلم «ترنس مالیک»، کارگردان آمریکایی، انتخاب شده است، برخی کاربران این خبر را باور نکردند. «میثم محمدی» نوشت: «جوری با این انتخاب برخورد می‌شود که انگار یک بازیگر به‌درخور از یک کشور گمنام در حوزه سینما انتخاب شده! حاتمی جایزه خرس نقره‌ای برلین، مونتال، کارلووی واری و همه جوایز مهم سینمای ایران را دارد و از مهم‌ترین بازیگران زن سینمای ماست.»

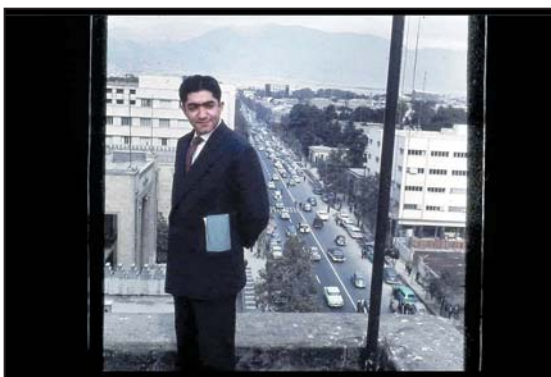
در شرایطی که اکثریت جامعه با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند، طبیعی است که دستمزدهای نجومی برخی بازیگران سینما مورد انتقاد مردم باشد. صفحه «خبرآنلاین» به‌نقل از «سیدامیر سیدزاده»، تهیه‌کننده سینما، نوشته است: «این روزها ستاره‌های سینما دستمزدی بین ۷۵۰ میلیون تا یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان برای بازی در یک فیلم سینمایی درخواست می‌کنند.»

برخی کاربران هم ویژگی‌های گل‌درشت فیلم‌های ایرانی را دست‌انداخته‌اند. «هیدی» نوشته: «در سینمای ایران هر کس بعد از حمام رو‌بدوشامبر تنش کند یعنی خیلی مایه‌دار است!»

«سمانه» هم گفته: «اگر در ایران فیلمی ساخته شود که در آن لیوانی بشکند و طرف موقع جمع کردن خرده‌شیشه‌ها دستش را نُرَد، می‌توانیم بگوییم سینمای ما وارد یک فاز جدید شده است!»

سینما یکی از موضوعات مناسب برای بحث و تحلیل است، چه در مناسبات واقعی و چه در فضای مجازی. برخی از کاربران اینترنت به ذکر تاریخچه‌ای از آن پرداخته‌اند، مثل «خنیار نیزارها» که نوشته «اولین فیلم سینمای ایران، آبی و رابی است، اقتباسی از یک فیلم دانمارکی: پات و پاتشون. آبی و رابی در سال ۱۳۰۸ ساخته می‌شود به کارگردانی آوانس اوہانیانس» یا «حسین» که نوشته «فیلم گرداب، ساخته حسن خردمند، اولین فیلم رنگی در سینمای ایران است که به‌سال ۱۳۳۲ خورشیدی ساخته می‌شود. ناصر ملک‌مطیعی و احمد قدکچیان از بازیگران مطرح این فیلم هستند.»

«رویا سادات» به یک روز تاریخی دیگر در این حوزه اشاره کرده است: «برای سینمای ایران روزی تلخ‌تر از ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ نبوده است؛ روزی که ۳۷۰ تماشاچی فیلم گوزن‌ها در سینما رکس آبادان در آتش سوختند. درهای خروجی سینما قفل شده و پنجره‌ها نیز باز نمی‌شد. خبری از آتش‌نشانی نبود. رهگذران، پلیس و آتش‌نشانی را خبر کرده و به اطفای حریق پرداختند اما کاری از دست آن‌ها بر نمی‌آمد.»



کاربر دیگری این عکس را از «عزت سینمای ایران در جوانی» به‌اشتراک گذاشته است.

برخی کاربران با نگاه انتقادی به صحبت درباره سینمای ایران پرداخته‌اند. «حسین» نوشته: «شما یادتان نمی‌آید، ما قبلاً چیزی داشتیم به اسم سینمای ایران.»

کاربر دیگری گفته: «به‌واسطه علاقه و تحصیلات و شغل (نقدنویسی و تدریس در حوزه سینما) درباره خیلی از فیلم‌های ایرانی نقد نوشته‌ام، ولی انصافاً در دهه گذشته سینمای ایران چه چیزی برای ابراز داشته جز ابتذال و نکبت و سطحی بودن و یک‌سری راننی و بی‌سواد و متصل که جایزه می‌گیرند و ستایش می‌شوند؟»

«مجتبی شیرزه» پرسیده: «قبول دارید ابتذال بسته‌بندی شده سینمای امروز ایران، غیرقابل تحمل‌تر و مخرب‌تر از ابتذال آشکار فیلمفارسی‌های قبل از انقلاب و سریال‌های ترکیه‌ای، آرژانتینی و کره‌ای است؟»

«آقازاده» اعتقاد دارد: «سینمای ایران مُرد، باید هر طور شده با سینمای مستقل زنده‌اش کرد، با پول کم و خلاقیت و جسارت زیاد. باید نشان داد سینما جای پول‌های سیاه و دل‌باختگانش نیست، کسانی که چشم حقیقت را کور می‌کنند، برخلاف مستقل‌ها که می‌خواهند چشم بینای حقیقت باشند. منتقدان حقیقی باید پشت این سینما بایستند.»

میدان مشق

## جامعه در قاب سینما



ارمغان زمان فشمی

همه روی صندلی‌های سینما می‌خکوب شده بودند. شاهکار اصغر فرهادی را می‌دیدند، فیلمی که در جهان درخشیده و جوایز مختلف را درو کرده بود، جدایی نادر از سیمین.

وقتی نادر و سیمین در مقابل چشم فرزندان راجع به جدایی جروب‌بحث می‌کردند، ناگهان بغض دختر جوانی شکست و هق‌هقش تبدیل به گریه‌ای با صدای بلند شد؛ گویی خود را در پرده نقره‌ای می‌دید و این همذات‌پنداری، سرانجام طاقتش را طاق کرده و اشکش را درآورده بود.

این معجزه سینماست. هر کدام از ما ممکن است موقع دیدن فیلمی خندیده یا گریسته باشیم، گاهی حتی هر دو را همزمان موقع دیدن یک فیلم تجربه کرده‌ایم که قدرت کارگردان را در برانگیختن احساسات انسانی به رخ می‌کشد.

با دیدن بعضی از فیلم‌ها از دغدغه، سنگین می‌شویم و با دیدن بعضی از فیلم‌ها از دغدغه سبک. یک فیلم خوب، جریان خلسه‌آوری از غم و شادی را زیر پوستمان می‌دواند، جریانی از لذت و محنت، احساساتی که به اندیشه‌ها پیوند می‌خورند و دغدغه‌های اجتماعی می‌آفرینند.

خیلی وقت‌ها هنر، کاری را از پیش می‌برد که صد سیاستمدار هم نمی‌توانند با همکاری همدیگر انجام بدهند. هنرمند، مانند یک جراح چیره‌دست، چاقو برمی‌دارد و زخم جامعه را می‌شکافد تا آن را بهبود ببخشد.

از آن‌جا که ظریف و نکته‌سنج است، این زخم‌ها را زودتر و بهتر از دیگران تشخیص می‌دهد و راه‌های قشنگ‌تری برای درمانشان سراغ دارد. البته این کار را به‌شکل غیرمستقیم انجام می‌دهد، زیرا درمان زخم‌ها وظیفه او نیست، کافی است توجه مسئولان را به مشکلات جلب کند و این هنر اوست.

گاهی کارگردان، تصویری از مشکلات اجتماعی را قاب می‌کند و روی تاقچه می‌گذارد. بازیگر، به تصویر جان می‌بخشد و با اشک‌ها و لبخندهایش، پای این اثر هنری امضا می‌زند. باقی عوامل پشت صحنه هم دستمال برمی‌دارند و شیشه قاب را تمیز می‌کنند تا تصویر پیش چشممان شفاف باشد. حالا نوبت مسئولان است که تصمیم بگیرند آیا بهتر است یک رویان مشکی گوشه این قاب ببندند یا مسأله مطرح‌شده در آن را حل کنند و قاب را به موزه سینما تحویل بدهند.

۲۱ شهریور، روز سینماست، فرصتی برای بزرگداشت هنری که اگر متعهد باشد، مشکلات جامعه را موشکافی می‌کند و در پی یافتن راهی برای حل آن‌هاست.

تماشاخانه



● یکی از شیرین‌ترین خاطرات هر ایرانی، این لحظه بود.

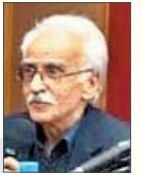
اصغر فرهادی، تنها کارگردان ایرانی برنده جایزه اسکار برای بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان است. او دوبار موفق به دریافت این جایزه (برای فیلم‌های جدایی نادر از سیمین و فروشنده) شد.

ضمیمه جامعه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می‌شود. از مطالب، پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می‌کنیم.  
Email:jameettelaat@gmail.com  
تلفن: ۲۹۹۹۳۲۱۰





## خسرو سینایی و میراث مستقل بودن



● محمد تهامی نژاد\*

سینایی در همان سال‌ها در اندیشه اتمام فیلم مهاجرت بزرگ لهستانی‌ها به ایران بود تا مرثیه‌ای که هیچ‌گاه برای بزرگداشت قربانیان و درگذشتگان لهستانی سروده نشده بود را بسراید. کار تحقیق سال‌ها پیش آغاز شده، ناتمام مانده بود. «مرثیه گمشده»، گردآوری اسناد و ثبت زندگی مردمان خوشبختی است که آواره شدند و در غربت درگذشتند. «ابر شهر پیر» و «سفر به تاریخ» نیز روایت‌های هنری از زندگی مردمانی در تاریخ است که در هجوم مغولان، سال‌ها زندگی و تجربه هنری و زیبایی را از کف دادند.

سینایی در سال ۱۳۳۹ فیلم کوتاه داستانی به اسم «فعل مجهول» را ساخته بود که حکایت تباه‌شدگی ناشی از خصلت تهاجمی فرهنگ پدرسالار بود.

این گفتگو در ذهن سینایی تا عروس آتش (۱۳۷۸) ادامه یافت. عروس آتش جلوه‌ای دیگر از همان فعل مجهول است. در گفتگوی فرخ نژاد و مهدی احمدی در نخلستان، با دو نوع باورمندی روبه‌رو هستیم. فرحان هم وقتی می‌گوید «او ناموس منه» می‌تواند منطق رقیب را که دختر مورد علاقه‌اش را دکتری می‌داند که هم‌شان فرحان نیست، خلع سلاح کند. ولی زن، با اعتقاد به حقی که ریشه در تاریخی دیگر دارد، در برابر چنین منطقی می‌ایستد و روشی را برمی‌گزیند که دارای تاریخی مخفی است و کار سینایی در این میان افشای راز آن تاریخ بود.

فیلم گیزلا (۱۳۷۳) نیز این تهاجم را به‌صورتی انتزاعی نشان می‌دهد. دوربین علی لقمانی به درون تابلوی نقاشی خانم گیزلا نفوذ می‌کند. آن چشم آبی خوش‌رنگ که در تابلویی دیگر، تخریب و ویران شده و از شکل افتاده، حاصل تهاجم به زندگی است. در این دسته از آثار سینایی مقاومتی وجود دارد که مورد تهاجم قرار می‌گیرد.

سینایی شادی را از زندگی انسان حذف نمی‌کرد. در فیلم داستانی «کوچه‌های عشق» (۱۳۶۹) صحنه‌های رقص و پایکوبی بچه‌های آبادانی هست. زیباترین صحنه فیلم مستند-داستانی «کوچه پاییز» (۱۳۷۵)، آواز دسته‌جمعی دوستان در گالری هنر جدید است. جمعی از دوستان به‌خاطر چهلمین سال برپایی گالری هنر جدید گرد هم آمده‌اند، هرچند گذشت زمان دست تطاول بر زندگی گشاده است ولی هنرمندان در کنار هم و با نوای آکاردئون و می‌خوانند «روزی من هم جوان بودم».

مرحوم سینایی، قصه حاج مصورالملکی (۱۳۵۱) را به زبان رمز گفته است. فیلم، با قارقار کلاغی بر بام یک درخت کهن که بر تنه آن نام محمدحسین حاج مصورالملکی نوشته شده آغاز می‌شود. درخت کهن، به دیوار خانه مینیاتوریست، دیزالو می‌شود. نقاش، در

پس پنجره‌ای با میله‌های آهنین و در برابر قفسی ایستاده است.

در ابتدا منظور از کلاغ، کاملاً در ابهام می‌ماند. صدای قارقار روی تابلو، ما را به پارکی پردرخت می‌کشاند. کودکانی، به‌دنبال کلاغی می‌دوند. کودکی آن را به نخ می‌بسته و به دنبال خود می‌کشد. بعد، کودکی را می‌بینیم که کلاغ را به‌دست دارد. در این فصل از فیلم مشخص می‌شود که حاج مصورالملکی، موضوع کار خود را از میان مردم، برگزیده است.

خسرو سینایی در جلسه مرکز گسترش (بهمن ماه ۱۳۹۲) گفت: «عزیزترین صحنه فیلم برای من جایی است که حاج مصورالملکی به پارک می‌رود و در آنجا دختر و پسر جوانی را می‌بیند که انگیزه آفرینش تابلوی شیخ صنعا و دختر ترسا می‌شود (که در پخش تلویزیونی دختر حذف شد و معلوم نبود که حاج مصورالملکی چه چیزی را دیده که سبب آفریدن آن مینیاتور شده است)!

سرخ شناخت نماد گنگ سکانس افتتاحیه (کلاغ)، هنگامی به‌دست می‌آید که در یک جلسه دوستانه در خانه مرحوم حاج مصورالملکی، یکی از دوستان، شعری از مولوی می‌خواند:

چون که زاغان خیمه بر گلشن [بهمن] زدند

بلسالان پنهان شدند و تن زدند البته با تمام جوایز دولتی و بین‌المللی که در ابتدای فیلم فهرست می‌شود، شاید سینایی می‌توانست حاج مصورالملکی را بلبل پنهان‌شده و خاموش‌مانده از هیبت زاغان و زمستان، تصویر نکند اما با رجوع به تاریخ زندگی خود آقای سینایی به‌عنوان فیلمساز مستقل از سویی و عدم تمکین حاج مصورالملکی به هجوم هنر وارداتی و شبه‌هنرها از سوی دیگر، موضوع قابل‌درک‌تر می‌شود.

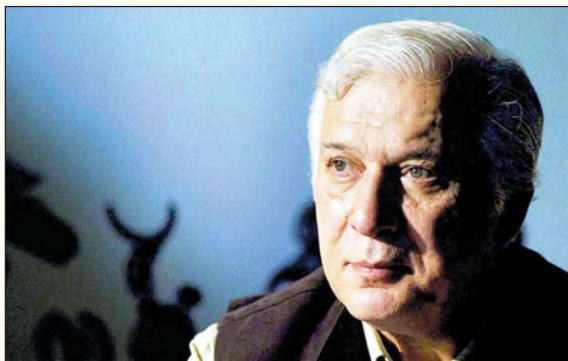
\* پژوهشگر، مترجم، مولف و منتقد، فیلم‌ساز مستند

منبع: سایت انسان‌شناسی و فرهنگ

کرده‌ایم که اگر فیلم داستان نداشت، بازیگر نداشت، نقاشی متحرک نبود و عروسی هم نبود و عوامل هم واقعی نبود، بگوییم مستند. اصلاً این‌طور نیست. ممکن است راجع به این صندلی سفید کسی فیلم بسازد. صندلی واقعی است اما فیلم کاملاً انتزاعی است. پس توصیه من این است که از ابزار سینما برای بیان ذهن خلاق استفاده کنیم.»

می‌دانیم که سینایی فیلم عروسی هم ساخته است. به عبارت دیگر سینایی زیر هیچ طبقه‌بندی قرار نمی‌گرفت. نخستین فیلمش، «ماهی‌گیری»، اثری داستانی بود. فیلم «جناب دماوندی» درباره آخرین روزهای زندگی مرحوم جناب دماوندی، نخستین شخصی که صدای اذان‌گویی‌اش ضبط شد، فیلمی مستند است. «توریست در ایران» نیز یک اثر مستند مشارکتی از حضور توریست‌های اروپایی در ایران است. همچنین «جزیره رنگین» را بر مبنای کوشش‌های دکتر نادعلیان در هرمز و نقشی که در تربیت و راه‌اندازی کارهای دستی کودکان و زنان جزیره داشت ساخت.

با تحلیلی که از مستندسازی به‌دست آورد، خود را فیلم‌ساز می‌شناخت و بر مستندسازی بودن اصراری نداشت. می‌گفت: «مهر قدیمی مستندسازی بودن را بر من می‌زند. این مهر باعث شده توانم بسیاری از کارها را انجام دهم. یک‌سری گزارش سطح پایین به‌عنوان مستند همه‌جا پخش می‌شود. واقعاً با دیدن آن‌ها از فیلم‌سازی بیزار شدم، این‌ها که مستند نیست، یک‌سری تصویر گویاست. با دیدن این‌ها احساس می‌کنم به حرفه‌ام توهین شده است. هر کسی با یک دوربین کوچک فیلم ساخته و می‌گوید که فیلم‌ساز هستم. فیلم‌ها را با نوعی زنگی به کانال‌های خارجی می‌فروشتند، اما آدم از دیدنشان شرمند می‌شود. نسلی ۵۰ سال روی این موضوع کار کرد تا بگوید مستند چیست. نمی‌شود که یک‌سری تصویر بگیرد، روی آن صدا بگذارد و بگوید مستند است. به این‌ها که مستند نمی‌گویند.»



### استقلال در مواجهه با واقعیت

در فیلم‌های سینایی، استقلال در تفکر هنری و انتقال درک تاریخی مطرح است. حداقل سه‌دسته افراد و شخصیت‌ها در مستندهایش حضور دارند، یک‌دسته مثل حسین یآوری، حاج مصورالملکی، ژاله طباطبایی، محمد نصیری، گیزلا سینایی، جناب دماوندی، محمدابراهیم جعفری، نیازمحمد نیازی و همسر هنرمندش قربان تاج خانم با آثار و عمل خویش بر زمانه پیروز شده بودند و سینایی از آن‌ها پرتره ساخته است. دسته دوم مردمان بی‌نام و نشانند که یا با رفتار خویش مثل زن سرخ‌پوش (تهران امروز سال ۱۳۵۶) در خاطره زمانه مانده‌اند یا مثل بچه‌های فیلم مستند-داستانی «آن سوی هیاو» (۱۳۴۷) در جمع مدرسه ناشنویان باغچه‌بان و کوشش‌های معلمانشان شناخته می‌شوند. دسته سوم کسانی هستند که همواره مورد تهاجم بوده، تباه شده و تصویری از آن‌ها و سرنوشتشان در آثار هنرمندان و تاریخ مانده است.

سینایی به چه دلیل فیلم داستانی «زنده باد» را در سال ۱۳۵۸ ساخت؟ محمد تاجیک نوشته است: «سینایی فیلم زنده باد را در آغاز انقلاب ساخت، برای این که ایران در آن سال‌ها سینمای مستقل و معتبری داشته باشد.» اولین کلامی که در این فیلم شنیده می‌شود «انقلاب» است. فریاد انقلاب با گلوله پاسخ می‌گیرد و جای پنجه‌های خونین مرد (مردمان) انقلابی بر دیوارهای شهر می‌ماند. در سوی دیگر، افرادی را می‌بینیم که هنوز تصمیمی برای حضور فعال در خیابان ندارند. صحنه حضور رقیه چهره‌آزاد و غلامرضا طباطبایی را در کوچه به یاد می‌آورم که می‌خواهند راه بی‌خطر خود را در میان توفان طی کنند. چهره‌آزاد برای خرید بیرون آمده و می‌خواهد به خانه‌اش برگردد و غلامرضا طباطبایی از کوچه پرخطر، خود را به خانه می‌رساند که در کمال ناباوری به یک انقلابی (مهدی هاشمی) پناه داده است. در این صحنه، فرهنگ مباحثه، شرایط آن و تأثیر پذیری، قابل تأمل است.

وقتی خبر درگذشت خسرو سینایی را شنیدم، تا صبح بیدار نشستم تا آن‌چه را از او می‌دانستم مرور کنم. گرچه از اواسط دهه چهل سینایی را می‌شناختم، ولی ما تلویزیونی‌ها و فرهنگ و هنری‌ها در دو دنیای متفاوت زندگی و کار می‌کردیم. در اواسط دهه هفتاد، اهالی حرفه در خانه سینما به هم نزدیک‌تر شدیم. با سینایی و کامران شیردل، گاه تا دیروقت برای نگارش متنی دور یک میز می‌نشستیم. آن روزها رفتند. ششم اسفند سال ۱۳۸۱ قرار بود در جشنواره آبادان برنامه نکوداشت خسرو سینایی برگزار شود و من برای سخنرانی دعوت شده بودم. تصمیم گرفتم ببینم می‌توانم از طریق پژوهش تحلیل محتوا به شناخت تازه‌ای از سینایی برسم یا نه؟ دوتا از گفتگوهای مهم چاپ شده در فصلنامه فارابی بهار ۱۳۷۵ و ماهنامه فیلم مرداد ۱۳۷۹ و یک مقاله به قلم ایشان در مجله نقد سینما پاییز ۱۳۷۵ مورد مطالعه قرار گرفت. متوجه شدم که سینمای مستقل و مستقل بودن، بیش از دو واژه دیگر به‌کار رفته و تأکید بیشتری بر آن وجود دارد. اگر واژه مستند را به‌کار برده، بیشتر به‌خاطر سلب انتساب کامل خود به آن است. معذک برای درک دقیق‌تر مفهوم مستقل بودن و کاربردهایش و این‌که چرا سینایی خود را فیلمساز مستقل می‌نامید نه مستندساز یا داستانی‌ساز، باید وقت بیشتری در شیوه تحلیل ارتباطی (و تجربه زیستی او از جمله تحصیل در وین) و مشاهده و تحلیل فیلم‌هایش صرف می‌شد.

به نظر سینایی ایرانیان همواره پیوندهای هنرمندانه‌ای با طبیعت، زندگی، باورها و تاریخ داشته‌اند و این قصه را سینایی به صورت‌های داستانی، مستند، تجربی، هنری و فیلم صنعتی بازگفت و شیوه فیلمسازی خود را مستقل نامید. برای من سه تعریف از استقلال وجود دارد: اول استقلال معادل Indie، دوم استقلال در انتخاب نوع فیلم و سوم استقلال در مواجهه با واقعیت.

### استقلال معادل Indie

این نوع از استقلال به آن معناست که فیلم مستقل با بودجه کمتر و خارج از سیستم فیلم‌سازی تولید می‌شود. سینایی موافق چنین روشی از فیلمسازی نبود اما اعتقاد داشت اقتصاد سینما خیلی مهم است و همه‌چیز بفروش نیست. هرچند امید داشت که آخرین فیلمش را با بودجه بین‌المللی تولید کند، با وجود این به دشواری‌های چنین انتخابی نیز وقوف داشت. خود او گفته است «هنرمندانی که می‌خواهند متفاوت باشند، غالباً با اقبال تماشاگرانی که براساس عادت‌هایشان قضاوت می‌کنند روبه‌رو نمی‌شوند. بنابراین ممکن است هنرمند سرکوب شود. هنرمند متفاوت باید جرأت لازم را برای مقاومت در برابر انتخاب‌هایش داشته باشد. به این ترتیب است که بیان هنری گسترش پیدا می‌کند.»

من سه‌بار در سفرهایی (آبادان، یزد و مازندران) همراه ایشان بودم و بارها با او گفتگو کردم و به بیان دیدم که نسبت به حق مؤلف و کوچک‌ترین دستکاری در آثارش بسیار حساس و گاه پرخاشگر بود. یکبار در یزد سینمایی که تیتراژ فیلمش را قطع کرد، به هم ریخت. سینایی به حقوق خود نسبت به فیلم‌هایش آگاهی کامل داشت. اگر فیلمی مشارکتی می‌ساخت و ۳۰ درصد حق نمایش فیلم «عبور از نمی‌دانم» متعلق به او بود، هیچ نوع تخطی از قرارداد و نمایش و فروش فیلم توسط طرف دیگر قرارداد را بر نمی‌تافت. بارها شنیدم و خواندم که گفت چه اجباری در نمایش آثار من دارید؟ هرگونه تغییر در فیلم‌هایش را تجاوز به اثر هنری می‌دانست؛ همچنان که در قیچی‌زدن و حذف و اضافه «عبور از نمی‌دانم»، «سفر به تاریخ»، «عروس آتش» و «حاج مصورالملکی» بسیار پریشان شده بود. سینایی غالب فیلم‌هایش را شخصاً تهیه یا مدیریت کرد.

### استقلال در انتخاب نوع فیلم

سینایی انواع مختلف فیلم را ساخت و به ترکیبی بودن سبک خود اعتقاد داشت. در مستندسازی تعریفی از پرورش خلاق امر واقع ارائه داد که من به آن گفتگوی واقعیت و خیال نام نهاده‌ام. ضمن این‌که گفته است: «من دو چیز را مدیون مستند هستم؛ یکی تصمیم‌گیری سریع و یکی باورپذیری». سینایی در توضیح مستقل بودن گفته است: «من سال‌ها پیش گفتم فیلم‌های من، فیلم مستقل است. متأسفانه عادت





منوچهر دین‌پرست

سینماگران با نگاهی واقع گرایانه به اجتماع نگاه می کنند و سعی دارند آن را از دریچه سینمابه تصویر کشند. شاید این ساده‌ترین تعریف از رابطه سینما و اجتماع باشد. محتوای اثر سینمایی، رابطه و نسبتی با مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم دارد. این مؤلفه بارزترین شکلی است که می‌توانیم توسط آن ارزیابی کنیم که آیا یک فیلم مربوط به سینمای اجتماعی است یا خیر؟ اگر به این مؤلفه قائل باشیم، برجسته‌ترین چالش سینما در دوره‌های مختلف روی این گونه سینمایی اعمال شده است. از سوی دیگر، سینما یک هنر بین‌رشته‌ای است. سینما در واقع پیش از خودش پیشینه‌تاریخی نداشته، بنابراین برای ادامه حیاتش به هنرهای دیگر رجوع کرده است. مثل تئاتر، ادبیات، عکاسی و نقاشی. وقتی از چنین منظری به سینما نگاه کنیم متوجه می‌شویم که بین سینما و اجتماع قطعا رابطه دو طرفه وجود دارد. نه در ایران، بلکه در سراسر دنیا سینما همیشه بر جامعه‌اش تأثیر می‌گذارد و از خود جامعه هم برای طرح مسائل و فیلم‌های بعدی‌اش تأثیر می‌گیرد. اما این تأثیر را چگونه می‌توان بررسی و نقد کرد؟ به‌طور مثال آیا فیلم قیصر ساخته مسعود کیمیایی و درد دو چرخه ساخته ویترویو دیسکا از سینمای ایتالیا از جامعه تأثیر گرفته‌اند؟ بله. کارگردان این دو فیلم بر اساس آن چه که در جامعه رخ داده سعی کرده‌اند اتفاقات جامعه را به گونه‌ای در سینمای خود باز آفرینی کنند. بنابراین توانسته‌اند بخشی از نگرش‌های جامعه را در کالبد سینما در اختیار مخاطبان قرار دهند.

آثار بسیاری از کارگردان مطرح ایرانی مانند مهرجویی، کیمیایی، فریدون گله و در نسل جدید هومن سیدی و محمد کارت از آن جمله‌اند. اگرچه نام بسیاری از کارگردان را نمی‌توان به این چند نفر اضافه کرد که توانستند با خلق آثارشان، بخشی از اتفاقات جامعه در حوزه زنان، کودکان، آسیب‌های اجتماعی، مواد مخدر، زندگی شهری و تقابل‌ها و کشمکش‌های طبقاتی در جامعه را به تصویر کشند. بحث رابطه سینما و اجتماع موضوع مفصلی است که مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. در این مجال گفتگویی با دکتر خاطره شییبانی، پژوهشگر و مدرس ادبیات و سینما، عضو آکادمی کالج فاندرز دانشگاه یورک و پژوهشگر همراه در مرکز مطالعات آسیایی دانشگاه یورک تورنتو کالادا انجام شده است.

**درباب نسبت جامعه و سینما شاید نتوان به صراحت یک مینا یا یک رویکرد تعیین کرد، چرا که سینما هنری است که از تباط و ثقیلی با جامعه دارد و نمی‌توان آن را جدای از جامعه متصور شد. اما طی سال‌های اخیر حوزه میان رشته‌ای جامعه‌شناسی سینما به شکل جدی سعی کرده تأثیر ساختارهای اجتماعی در تولید سینمایی را مورد توجه قرار دهد. در ابتدای صحبت می‌خواهم دیدگاه شما را در باب نسبت جامعه و سینما بدانم؟**

همان طور که خودتان فرمودید رابطه میان سینما و جامعه رابطهای استوار و پایا است که از همان ابتدای اختراع دستگاه سینما توگراف در سال ۱۸۹۵ و اولین فیلم‌های کوتاه برادران لومیر وجود داشته است. اولین ساخته‌های سینمایی، «کتوالیت‌ها» یا فیلم‌های کوتاهی یکی دو دقیقه‌ای برادران لومیر بودند که بیش‌تر زندگی عادی مردم کوچه و بازار در فرانسه را به نمایش می‌گذاشتند. دستگاه تازه تأسیس سینما توگراف به جای نمایش دادن صحنه‌های خیالی به نمایش جامعه پرداخت. بعدها اکتوالیت‌های اجتماعی بیش‌تر توسط دستیاران لومیر در سراسر دنیا ساخته شد و به نمایش درآمد. سنکی که برادران لومیر از طریق رابطه تصویر و اجتماع بنا نهاده بودند در واقع پیش‌درآمد سینمای مستند بریتانیا و بنیاد اولیه سینمای واقع‌گرای شاعرانه فرانسه در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ شد.

رابطه سینما و اجتماع به تولید محتوای اجتماعی خلاصه نمی‌شود. سینمای اولیه تنها با دیده شدن جمعی معنا پیدا می‌کرد. نمایش سینما از آغاز در فرانسه در یک مکان عمومی (یک کافه در پاریس) برای مردم انجام گرفت. بازار مصرف و پخش سینما از همان ابتدا با استقبال یا عدم استقبال جامعه دستخوش تغییر می‌شد و هنوز هم با گیشه رابطه دارد. خشت اول سینما ایران از یک فرمان ملوکانه و یک عکاس‌یاشی دربار بنا نهاده‌اند. در سال ۱۹۰۰ میلادی در طلیعه قرن بیستم میلادی (برابر با ۱۲۷۹ هجری شمسی) مظفرالدین‌شاه دستورات ابتیاع دستگاه سینما توگراف را به میرزا ابراهیم عکاس‌یاشی داد و میرزا ابراهیم‌خان نیز اولین فیلم‌های کوتاه صامت را در فرنگ تهیه کرد. این فیلم‌ها اولین فیلم‌های ایرانی و اولین فیلم‌های خاورمیانه هستند. اولین بازیگر ایرانی

هم خود شخص اول مملکت، مظفرالدین‌شاه می‌شود (در برانتز یادآوری کنم که اولین بازیگران فیلم‌های کوتاه فرانسوی که اولین فیلم‌های دنیا نیز محسوب می‌شوند کارگران زن کارخانه هستند در حال خروج از محل کار). پس سینما در ایران خاستگاه اشرافی داشته و در فرانسه (کشور سازنده سینما) خاستگاه مردمی و اجتماعی.

به گمان من، از آن جایی که سینما ذاتا یک هنر مردمی و اجتماعی

است این روند در ایران نیز به‌زودی تغییر می‌کند. اولین سینمای عمومی ایران در سال ۱۲۷۹ در تبریز به دست مبلغین کاتولیک برای عموم مردم بنا شده است. یعنی در همان زمانی که در تهران تنها حرم شاهانه امکان تماشای فیلم را داشته است، در تبریز مردم عادی فیلم تماشا می‌کرده‌اند. در سال ۱۲۸۲ شمسی اولین سینمای تهران به‌همت میرزا ابراهیم‌خان صحاف‌باشی افتتاح شد و مورد استقبال عامه مردم قرار گرفت. از این مقدمه نتیجه می‌گیرم که سینما یک رسانه اجتماعی است و در تولید، مصرف، پخش و بازپخش فیلم رابطه تنگاتنگی با اجتماع دارد. برخلاف هنرهایی چون معماری، مجسمه‌سازی و نقاشی که تا حدود زیادی به پیش‌توانه طبقه اریستوکرات (در گذشته) و طبقه سرمایه‌دار (در زمان حال) وابسته هستند، سینما بیش‌تر به پشتوانه مردم عادی، طبقه متوسط و طبقه کارگر زنده و پویا مانده است. سینما قبل از انقلاب درچیتال، در محیط‌های عمومی به‌نمایش گذاشته می‌شد و هنوز هم تماشای عمومی یک فیلم در سالن سینما تجربه‌ای بسیار لذت‌بخش‌تر است. به‌مانند که در این دوران پساکرونا نمی‌دانیم کی و چگونه دوباره می‌توانیم از تجربه تماشای جمعی یک فیلم در سالن تاریخ سینما بهره ببریم.

**جامعه‌شناسی سینما مفاهیم نظری و اصول روش شناختی جامعه‌شناسی را ابزاری برای سنجش کارکردهای اجتماعی فیلم‌های سینمایی می‌داند. بنابراین برای چنین مطالعه‌ای، اقتصاد، سیاست، جغرافیا و فرهنگ، روابط میان افراد جامعه و گروه‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس باید به این نتیجه رسید که جامعه‌شناسی دانشی است که تلاش می‌کند تا فرآیندهای اجتماعی را در جامعه تبیین کند. از این منظر باید به کارکرد سینما در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی نگاه کرد. به عبارت دیگر سینما از منظر یک جامعه‌شناس مبنایی است که او می‌تواند برای مطالعه علمی جامعه استفاده کند. آیا سینما قابلیت و پتانسیل این وضعیت را دارد که مبنایی برای سنجش جامعه باشد؟ به‌طور مثال فیلم قیصر ساخته مسعود کیمیایی را در نظر بگیریم، چگونه می‌تواند مبنایی برای سنجش جامعه قرار گیرد؟**

سینما خوانانده مبنایی برای سنجش اجتماع و مردم است. بگذارید با ذکر مثال به هر دو قسمت رابطه «خواه» و «ناخواه» سینما و جامعه بپردازم. در ابتدای ورود دستگاه سینما توگراف به تهران، میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی، فیلم کوتاهی از رفتن زنان حرم شاه‌ی به شاه عبدالعظیم تهیه کرد. عکاس دربار مظفرالدین‌شاه احتمالا به نیت ثبت یک رفتار آیینی زنان حرم در آن زمان، این فیلم را در دست گرفته است. حالا پس از ۱۲۰سال این فیلم کوتاه یک دنیا اطلاعات اجتماعی به بیننده می‌دهد. اول این که پوشش معمول زنان شهری طبقه اشراف در خیابان‌های تهران روبنده سفید و چادر سیاه بوده است. دوم، مسافرت دسته جمعی زنان حرم به‌قصد زیارت و سیاحت امری معمول و قابل قبول بوده است؛ رفتار عادی زنان گواه این قضیه است. سوم، زنان حرم از وسیله نقلیه عمومی (ماشین دودی) برای مسافرت از تهران به شاه عبدالعظیم استفاده می‌کرده‌اند. چهارم، در نمای ایستای شماره یک، دو زن که در نمای متوسط به تصویر کشیده شده‌اند، پیچه را با زلفه به دورین خیره شده‌اند. با این که فیلم‌بردار دربار تصمیم داشته زنان را به شکل جمعی و غیرشخصی نشان بدهد، این زنان با زل زدن به دورین انگار می‌خواهند وجود خود، نگاه خود و فردیت خود را به ثبت برسانند. زنان حرم قاجار مانند زنان کارگر کارخانه لومیرها از اهمیت ثبت «خویشتن» در قاب تصویر آگاهند و انگار می‌خواهند موجودیت خودشان را از ثبت در فیلم جاودانه کنند. به علاوه، این فضای شهری تهران و حومه را به‌تصویر کشیده است. این‌ها تنها مثال‌هایی هستند که به اختصار مطرح کردم تا نشان دهم یک فیلم کوتاه سینمایی می‌تواند به شکل یک «تشرانه فرهنگی و اجتماعی» مورد مطالعه قرار بگیرد. این اطلاعات بی‌بدیل اجتماعی را هر چه می‌توان با خواندن زندگی‌نامه‌های آن زمان هم کسب کرد اما سینما به‌عنوان یک رسانه دیداری، بی‌واسطه‌تر و قابل اعتمادتر است، کما این که تا قبل از کشف انبار فیلم‌ها میرزا ابراهیم‌خان در کالخ گلستان (در سال ۱۲۷۰)، گزارش‌های مظفرالدین‌شاه از وجود فیلم‌های ایرانی مربوط به سال ۱۲۷۸ هجری شمسی (برابر با ۱۹۰۰) با شک و تردید مورد بحث قرار می‌گرفت. تا قبل از مرمت این فیلم‌های بسیار ارزشمند

تاریخ سینمای ایران به‌دست استاد شه‌پریا عدل، ما از وجود فیلم‌های ایرانی و دستگاه سینما توگراف در ایران مطمئن نبودیم. ما بعد از سال ۱۲۷۰ تصاویر گویایی از ایران قرن گذشته به‌دست آوردیم که ما امکان می‌دهد با قطبیت بیش‌تری سیاست‌های درباری، اقتصادی، فرهنگی و جنسیتی آخرین سال‌های دوره قاجار را بسنجیم. تصویرهای متحرک، اسناد قابل اعتمادی هستند که مانند آشنایی یک موزه به ما امکان این سنجش اجتماعی را می‌دهند.

در دهه ۱۹۳۰ رابطه سینما و جامعه و نقش سینما در شکل‌گیری جامعه به‌شکلی آگاهانه‌تر در اروپا و آسیا مورد مطالعه قرار گرفت. در انگلیس، جان گریرسون حرکت سینمای «مستند» را به راه‌انداخت و برای اولین بار بین فیلم داستانی و مستند، تفکیک تئوریک و علمی ایجاد کرد. گریرسون بی‌محابا، از نقش اجتماعی سینما سخن گفت و این که سینما باید در خدمت بهبود جامعه قرار بگیرد. از این منظر برای سینمایی که خود آن را مستند خواند ارزش و بهایی بیش از سینمای داستانی قابل شد. در دهه‌ای بعد جریان‌های مستندسازی مثل «سینمای آزاد» در انگلیس، «سینما ورینه» در فرانسه، «کاندید ای اچسمب یی غرض» در کانادا، هر کدام به‌نوعی رابطه پیچیده، دوسویه و چندلایه سینما و جامعه را به تصویر کشیدند. فیلم‌های داستانی نیز در این سال‌ها سعی در نمود و نمایش جامعه به شکل‌های مختلف داشته‌اند. برخی از جریان‌های مهم‌تری که رابطه سینما و جامعه را به‌شکل آگاهانه‌تری بررسی کرده‌اند عبارتند از: سینمای واقع‌گرای شاعرانه فرانسه در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ و سینمای تئورالیست ایتالیا در دهه ۱۹۴۰.

از فیلم قیصر نام بردیم. من در شش هفت سال گذشته پژوهش مژدونی را در زمینه نقش اجتماعی سینمای ایران در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ انجام داده‌ام و به نتیجه‌گیری‌های غیرمنتظره (برای خودم) جالبی رسیدم. بررسی دقیق حدود پنجاه فیلم مهم این سال‌ها و مطالعه تغییرات اجتماعی در آن دوره به من نشان داد که رابطه میان سینمای ایران و جامعه در حال توسعه و صنعتی شدن آن زمان ایران، یک رابطه مستقیم و همسو نبوده است. بگذارید با مثال‌هایی از فیلم قیصر موضوع را روشن‌تر کنم. فیلم قیصر یک فیلم داستانی است. کارگردان این اثر ادعای ساختن یک مستند را نداشته. اما بسیاری از پیام‌های این فیلم به صورت گزاره‌های اجتماعی به بینندگان ایرانی منتقل شد؛ گزاره‌های اجتماعی که در آن زمان مطرح بودند و بر طرف‌دار. یعنی بینندگان در یک فیلم داستانی، واقعیت‌های زندگی جامعه را می‌دیدانه. فیلم قیصر



دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۹- سال نود و پنجم- شماره ۲۷۶۴۸

**گفتگو با دکتر خاطره شییبانی، مدرس ادبیات و سینما و عضو آکادمی کالج فاندرز دانشگاه یورک کانادا**

# کارگردان به‌مثابه جامعه‌شناس



در زمانی که به‌نمایش درآمد از سوی جامعه روش‌شنفکری آن زمان مورد ستایش قرار گرفت، چون زندگی مردم جنوب شهر تهران را بازنمایی و از «ناکارآمدی» قانون و سیستم قضایی در لفافه انتقاد کرده بود.

در یک کلام قیصر فیلمی بود به‌نمایش‌دگی «سینمای معترض» که نظام اجتماعی زمانه‌اش را زیر سؤال می‌برد. قیصر در گیشه پرفروش شد و در جشنواره ملی جایزه برد، چون مردم با فیلم رابطه برقرار کردند. حالا پس از گذشت بیش از ۵۰هسال از تولید این فیلم باز هم می‌توان به آن رجوع کرد و به‌دنبال نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی بازنمود شده در فیلم گشت: نشانه‌های اجتماعی که برای منتقدین و بینندگان آن زمان جالب‌توجه نبوده است. مثلا قیصر، رفتارهای اجتماعی و تن‌پوش زنان و مردان طبقه اجتماعی خاصی را در آن سال‌ها نشان می‌دهد. زبان کیار ستمی که به رفتارهای خانواده طبقه متوسط قبل از انقلاب می‌پردازد. طی سال‌های اخیر نیز سعید روستایی با **دو فیلم ابد و یک روز متری شش و نیم** به موضوع بز هکاری و **مواد مخدر توجه کرده است با آثار رخشان بنی‌اعتماد** و **موضوع زنان توجه دارد. آیا آثار این فیلم‌سازان می‌تواند مبنای توجه جامعه‌شناسان درباره مسایلی قرار گیرد که از چشم بسیاری پنهان مانده است؟**

بله، مسلما فیلم می‌تواند مبنایی برای مطالعه جامعه‌شناسان، سیاست‌گذاران اجتماعی و سیاستمداران باشد. من در دانشگاه یورک مطالعات سینما در س می‌دهم و طبیعتا موضوع اصلی کلاس‌های من و متن اصلی مورد مطالعه دانشجویان من فیلم است. اما هم‌کاران دیگری دارم که در رشته‌های مطالعات دادوری (equity studies)، علوم سیاسی، حقوق، جامعه‌شناسی و تاریخ، از فیلم به‌عنوان متنی برای بررسی اجتماع استفاده می‌کنند و جالب این که در بسیاری موارد از فیلم‌های داستانی و نه مستند در بحث‌های کلاس بهره می‌برند.

در خارج از کلاس‌های دانشگاه نیز برای بسیاری از منتقدان اجتماعی یک فیلم انتقادی مبنای کار برای پژوهش‌های جامعه‌شناسی می‌شود. و آشیز خانه مشغول آماده کردن خانه برای مردان و بچه‌ها هستند. در تصمیم‌گیری برای امور مهم‌تر زندگی نقشی ندارند و فرمانبردار مردان خانه هستند. مطالعه آماری که از فیلم‌های با دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ انجام شده و در آثار دکتر حمید نقیسی بازتاب داشته، نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق فیلم‌های تولیدی این سال‌ها، مردان را در نقش‌های کلیشه‌ای جاهل، لات، بز هکار یا متمول اسرما به‌ار نشان می‌دهند و بیشتر زنان یا مادران فرمانبردار و خانه‌نشین هستند یا ولگرد خیابانی،

آن زمان، یک زن و مرد سرگشته در هزارتوی روابط زناشویی را نشان داد و به‌خاطر صادقانه بودن بازنمود زن و مرد داستان، یکی از بهترین فیلم‌های ژانر مولودرام و اجتماعی ایران قبل از انقلاب شد. آثار بی‌بدیل رخشان بنی‌اعتماد بهترین تولیدات ژانر واقع‌گرای اجتماعی ما هستند. در هر دوره‌ای، بنی‌اعتماد مانند پزشک حاذقی درد حاد جامعه را تشخیص می‌دهد و آن را در فیلمش به نمایش درمی‌آورد. استفاده بجای بنی‌اعتماد از شاخصه‌های مستندگونه سینما ورینه، مرز واقعیت و خیال را در فیلم‌هایش از بین می‌برد و بیننده فیلم را با در نظر گرفتن ارزش اجتماعی‌اش بهتر لمس می‌کند.

کارهای سعید روستایی در راستای همان سینمای واقع‌گرای اجتماعی است که ریشه در سینمای موج نوی قبل از انقلاب دارد و به بازنمایی مسایل روز جامعه ایران می‌پردازد. در فیلم متری شش و نیم، روستایی مزیدیایی از مختصات سینمای غالب روز جهان و ژانر ترنرلر/میچ، مثل ادیت سریع و پرش از یک خط داستانی به خلی موازی استفاده کرده تا با ایجاد هیجان و تعلیق بتواند موضوع فیلم را به‌شکلی مؤثر به بیننده منتقل کند.

در متری شش و نیم، مانند کارهای اولیه رخشان بنی‌اعتماد (مثلا نرگس) نگاه دوربین به سوز، نگاهی دلسوزانه است و نقش اجتماع در تعیین سرنوشت انسان‌ها بیش از نقش فرد پررنگ شده است. همه شخصیت‌های این فیلم از قاچاقچی مواد مخدر تا متادبی خانمان، قربانی مناسبات اجتماعی و فساد سیستماتیک هستند و انگار خودشان کمترین نقشی در شکل گرفتن زندگی و سرنوشتشان نداشته‌اند. نکته بسیار مهم در مورد فیلم‌های روستایی آن است که به‌طرز خیره‌کننده و وحشتناک، زشتی‌ها و شوربختهای انسان‌ها را به‌نمایش می‌گذارد و انگار از هر شخصیت شوربخته با کمک نگاه دوربین و زاویه دید، یک مجسمه می‌سازد تا برای چندین ساعت در ذهن بیننده باقی‌بماند تا بیش‌تر و عمیق‌تر به مشکلات جامعه خودش بیندیشد.

**می‌توان سینمای اصغر فرهادی را به‌عنوان یک نمونه مطالعاتی درباب موضوعی که درباره‌اش صحبت می‌کنیم مورد توجه قرار داد. چرا که سینمای فرهادی سعی دارد تا به واقعیت عینی و مشهودی که اعضای جامعه در زندگی روزمره‌ان را تجربه می‌کنند وفادار باشد و این واقعیت مشهود همان چیزی است که جامعه‌شناس می‌خواهد آن را تحلیل کند. اگر قرار باشد دیالوگی بین سینمای فرهادی و جامعه‌شناسان شکل بگیرد چه نکات غامض و میهمی را این سینما می‌تواند برای جامعه‌شناسان آشکار کند؟**

فیلم‌های اصغر فرهادی ارزش هنری و فلسفی دارند. به‌نظر من همان‌طور که کارهای میکل آنجلو اتنوبونینی آثار ماندگار سینما هستند، فیلم‌های فرهادی هم در لیست آثار ماندگار هنر ثبت خواهند شد. نگاه انسان‌دوستانه و همدلانه دوربین فرهادی وضعیت جامعه مدرن شهری را با نکته‌سنجی بی‌مانندی بررسی می‌کند. من در مصاحبه‌هایی که با مجله نیویورک تایمز، رادیو سراسری کانادا (سی بی سی) و رادیوی عمومی آمریکا (پی آر آی) داشته‌ام، تاحدی فیلم‌های فرهادی را به‌عنوان آثار هنری بررسی کرده‌ام. اما از منظر جامعه‌شناختی نیز کارهای فرهادی قابل تعمق هستند.

اولا این فیلم‌ها شاخصه‌های مولوداماتیک شهری دارند. این اتفاق خوبی در سینمای ایران بود، چون بیشتر فیلم‌های ایرانی مطرح در جشنواره‌ها فیلم‌های انتزاعی و شاعرانه بودند که نگاهی رمانتیک، شهودی و تعالی‌گرایانه به سوزهای (معمولا روستایی) فیلم داشتند و شاید سنایل ملموس جامعه ایران، به‌شبهه واقعی و مستقیم در آن فیلم‌ها مطرح نمی‌شد. به‌همین دلیل من فکر می‌کنم دیده شدن فیلم‌های فرهادی در میان منتقدین و سینمادوستان حرفه‌ای در دنیا اتفاق فرخنده‌ای بود، چون برای اولین‌بار جامعه شهری ایران که ۸۰درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد در صفحه تفرهای سینماهای کشورها‌ی مختلف دنیا، با نگاهی واقع‌گرایانه و – نه تعالی‌گرایانه و شهودی – به‌نمایش درآمد و مردم دنیا با زندگی واقعی مردم ایران آشنا شدند.

منظور جامعه‌شناختی، موضوع بیشتر فیلم‌های فرهادی عدم درک زنان و مردان از دنیای دیگری و پس از آن، اختلاف طبقاتی و عدم درک متقابل طبقه متوسط کارمند و طبقه کارگر است. مثلا به فیلم‌های «چهارشنبه‌سوری»، «درباره‌الی» و «جدایی نادر از سیمین» توجه کنید. من این سه فیلم را از نظر درون‌مایه اصلی‌اش برای اندیشیدن فراهم نمی‌کند. اگرچه داستان در هر فیلم با فیلم بعدی ارتباط روایی ندارد اما ارتباط معنایی و تماتیک دارد. مرکز اصلی هر کدام از این فیلم‌ها در یک لایه، اختلاف بین زنان و مردانی است که یک رشته عاطفی آنان را به هم مربوط کرده است.

خیانت به همسر، طلاق و تک‌والدی، تصمیم به رفتن یا ماندن در کشور، دروغ گفتن به خود و دیگران و پنهان ساختن حقیقت در شرایط دشواری که کشکتن سنت‌ها آسان نیست و جامعه در مسیر مدرن شدن در حال پوست انداختن و قد کشیدن دردنای است، به‌خوبی در فیلم‌های فرهادی به‌تصویر کشیده می‌شوند. از طرف دیگر در این فیلم‌ها، رشد و توسعه زندگی شهری به حاشیه شهرها، طبقه‌های مختلف جامعه شهری را در کنار هم و گاه در مقابل هم قرار داده است. در یک فیلم، طبقه متوسط شهری به لامذهبی متهم می‌شود، در فیلم دیگر طبقه کارگر که به‌ظاهر امکانات تحصیلی و فرهنگی محدودتری داشته تفاهم بیشتری را میان زنان و مردان به‌نمایش می‌گذارد. دوربین فرهادی نگاه سیاه و سفید به مسایل اجتماعی را زین‌بر سؤال می‌برد و پیچیدگی روابط انسان‌ها را به‌خوبی به‌نمایش می‌گذارد.

**در عالم سینما ما با ژانری به‌نام ژانر اجتماعی روبه‌رو هستیم که ژانری موردقبول و توجه برای بسیاری از فیلم‌سازان است. آیا این ژانر را می‌توان در ساختار نظریات اجتماعی نیز تبیین کرد؟**

سینما یکی از مؤثرترین رسانه‌های جمعی در ۱۲۰سال گذشته بوده است، حتی شاید مهم‌ترین و مؤثرترین رسانه. سینما در تقابل دائم با بینندگان است. همان‌طور که در قسمت‌های قبل گفتیم از همان بدو اختراع سینما، سینماگران داعیه بازنمایی جامعه پیرامونشان را داشته‌اند و از این رسانه تنها برای سرگرمی و تفریح استفاده نشده است. ژانر واقع‌گرای اجتماعی سعی در مکاشفه‌ای تفحص، تحقیق و تشخیص مشکلات جامعه داشته است. در ایران از آغاز کار، فیلم‌سازانی چون آوانس اوهایانیاس با فیلم «حاجی آقا آکتور سینما» قصد واکاوی اجتماع، تقابل سنت و مدرنیته و ثبت تغییرات اجتماعی را داشته‌اند. تئورسین‌های حیطه علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی همیشه به مطالعه فیلم به‌عنوان آینه اجتماع علاقه‌مند بوده‌اند. تئوری‌های «تقداندیشه تاریخی‌نگر/هیستوریسیزم» ساختارگر و معناگر، فمینیسم و رئالیسم هر کدام به شیوه‌ای به تبیین رابطه فیلم و اجتماع می‌پردازند.

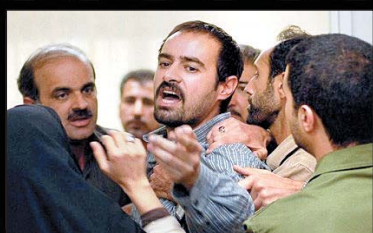
**قدری درباب سینمای ایران و نگاه سینماگران به وضعیت جامعه کنونی ایرانی پیرایزم. شما این وضعیت را چگونه توصیف می‌کنید و ظهور برخی از چهره‌های جدید سینمایی مانند محمد کارت را که در جشنواره فیلم فجر با فیلم شئی پروانه توانسته نظر مخاطبان و منتقدان را جلب کند چگونه می‌بینید؟ اساسا وضعیت کنونی را می‌توان در امتداد سینماگران صاحب‌نام همچون کیمیایی، فریدون گله، داریوش مهرجویی و غیره برشمرد؟**

متأسفانه موفق به تماشای فیلم شئی پروانه نشدم، چون هنوز در فضای مجازی موجود نیست و فعالیت سینماهای تورنتو به‌خاطر همه‌گیری کووید ۱۹ همچنان متوقف شد. در یک نگاه کلی به سینمای ایران، سه جریان نسبتا متمم‌تر تولیدات سینمایی ایرانی را برجسته‌تر از باقی اتفاقات سینمایی می‌بینم. اول همان فیلم‌های ژانر اجتماعی که این روزها به‌وفور تولید و پخش می‌شوند و بیننده‌های ثابت و پروپا قرص خودشان را دارند. سعید روستایی، نرگس آیار، گراناز موسوی و پریسا بخت‌آورد در راستای سینماگران موج نو و سینماگران موج معترض چون بهرام بیضایی، فریدون گله، مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی به تولید فیلم می‌پردازند. ژانر اجتماعی در میان کارگردانان ایرانی دیاسپورا (جوامع دور از وطن) که خارج از ایران فیلم می‌سازند هم محبوبیت دارد.

جدا از این‌جریان مهم و پرچوش و خروش اجتماعی، جریان‌های زنده و پویای دیگری هم در سینمای ایران داریم: آنان که به سبک و سیاق کیارستمی، فیلم‌های واقع‌گرای شاعرانه می‌سازند. تعداد این کارگردانان کمتر است اما فیلمسازانی چون مونا زندی، رضا جمالی و سروش صحت کارهای نسبتا خوبی در این سال‌ها عرضه کرده‌اند. کار این دسته از کارگردانان با این که به سینمای فرازگرایانه یا تعالی‌گرا نزدیک است اما باز دغدغه‌های اجتماعی در آن‌ها بازتاب دارد.

دسته سوم کارگردانی هستند که سوزی انظر نشان گیشه است تا کیفیت فرم و محتوای فیلم. از این دسته سوم فیلم‌های کم‌دی زیادی روانه بازار شده که شاهت بسیار زیادی به فیلم‌های بگوشی قبل انقلاب دارند؛ شبیه فست‌فود هستند، دغدست و آماده با ظاهر خوش‌رنگ و لعاب اما مصرف زیاده‌شان دامن مغزی زیادی برای اندیشیدن فراهم نمی‌کند. همه این جریان‌ها با جریان‌های اجتماعی ایران و جهان تعامل دارند و هر کدام به‌نوعی ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی ما را منعکس می‌کنند و به‌همین دلیل باید مورد بررسی و پژوهش منتقدان اجتماعی و سینمایی واقع شوند.





## درنگی بر تقدیر تراژیک سینما



• دکتر علی محمد اسکندری جو\*

می‌کنم آیا به همان اندازه متعهد به حفظ این ارزش‌ها از طریق توجه به این رسانه اجتماعی هستیم؟ شاید در میان ما اشخاصی باشند که باین ایده که سینما می‌تواند تغییرات مثبتی در حوزه اجتماعی ایجاد کند چندان موافق نباشند اما باین حال آن‌ها باید بپذیرند که سینما خواهی نخواهی بسیار تأثیرگذار است. البته سینما رسانه خبری نیست و تعهدی هم در این خصوص ندارد بلکه یک رسانه هنری است که زمینه دیالوگ و گفت‌وگو اجتماعی را فراهم می‌کند. بنابراین تا زمانی که تماشاگران از فرآورده زیبایی هنر هفتم لذت می‌برند پس دست‌اندرکار سینما هم در ارسال پیام فیلم به مخاطب، موفق عمل کرده است.

در پایان به نکته‌ای اشاره کنم که شاید چندان هم به سینمای نگرین بخت بی‌ارتباط نباشد. تاریخ نشان داده که در سینمای با ژانر تراژیک، هنگامی که قهرمان فیلم به گونه‌ای ناخواسته یا ندانسته به سوی تقدیر فلاکت‌بار خویش کشیده می‌شود، به باور ارسطو - فیلسوف یونانی - تماشاگران چنین نمایشی در گذار از حالت ترس به مرحله ترحم (نسبت به قهرمان داستان) به‌طور هم‌زمان در فرآیند نوعی پالایش نفس (Catharsis) قرار می‌گیرند. گرچه شرح بیشتر تهذیب و تطهیر تماشاگر یک نمایش، از حوصله این یادداشت خارج است باین حال، شاید همین پالایش ارسطویی باعث شده که سینمای ژانر کمیک (مزاح) نتواند در حوزه اجتماعی، همسنگ سینمای تراژیک ظاهر شود.

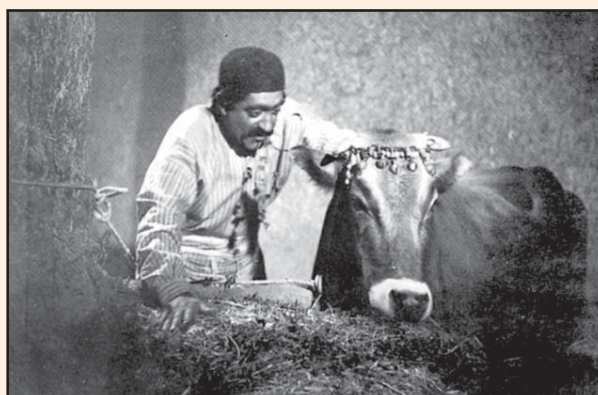
حال که می‌دانیم آینده هر دو ژانر سینما چندان تعریفی ندارد آیا تولید بیش از اندازه فیلم تجاری به سینما آسیب زده است؟ آمریکان نشان داده که سینمای عامه‌پسند هالیوود بزرگ‌ترین ضربه را به حیثیت این رسانه در حوزه اجتماعی زده است، در ایران چطور؟

### \* مترجم و پژوهشگر فلسفه

#### پی‌نوشت

۱. واژه پیچیده سوبلیم (با تلفظ فرانسوی) برای توصیف احساس دوگانه در فلسفه هنر بسیار به کار می‌رود. این اصطلاح را نخستین بار کانت، سپس هگل، نیچه و هایدگر استفاده کردند. من تا کنون نتوانسته‌ام برای سوبلیم یک ترجمه قابل اعتنا بیابم و ناچار در جستارها همان واژه لاتین را می‌نویسم یا معادل تحت‌اللفظی «خوف و رجا» را می‌آورم. پرسش مهم اما آن است که چگونه تنها یک واژه مترادف این دو کلمه خوف و رجا پیدا کنیم که نشان‌دهنده ماهم‌منظور کانت و هگل یا همان جوهر هنر را درست دریافته ایم. البته ترجمه‌های سطحی از واژه سوبلیم در بازار ترجمه گاه‌گاه یافت می‌شوند.

که دروازه آن برای همیشه به‌روی ما بسته شده و به‌هیچ شکلی راهی به گذشته نداریم. مگر قرار است سینما محلی برای وقت‌گذرانی ما باشد؟ برپایه ایده حوزه اجتماعی یا عمومی (Public Sphere) از «یورگن هابرماس»، آخرین فیلسوف چپ بازمانده مکتب فرانکفورت، در آغاز پیدایش سینما همه آحاد ملت از پیر و جوان، زن و مرد، سیاه و سفید، فقیر و غنی توانستند به تماشای فیلم بنشینند. هیچ انزایی به‌غیر از سینما چنین جمعیت عظیمی را با گرایش‌های سیاسی و عقیدتی گوناگون نمی‌توانست به‌سوی خود جذب کند. گرچه هابرماس بر سینما به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های رسانه در عرصه اجتماعی تأکید دارد اما این‌جا لازم است اشاره شود که میادین ورزشی توانستند رقیب سخت سینما شوند.



باین حال، حق با هابرماس است، به این دلیل ساده که سینما به موضوعات جدی همانند لزوم رعایت حقوق مدنی و انسانی، حفظ محیط زیست، ناهنجاری‌های اجتماعی (اعتیاد، فحشا و غیره)، استعمار و جنگ، ارتقای آگاهی سیاسی، حقوق کودکان و زنان، پیکار با بی‌سوادی و مسایل دموگرافیک (جمعیت‌شناسی) نیز می‌پردازد، درحالی‌که فوتبال قربانی این موضوعات ندارد.

سینما در گذشته همچنین به‌عنوان یک ابزار تأثیرگذار بر شهروندان معمولی عمل می‌کرد؛ این شهروندان ضمن این‌که از حقوق مدنی و دموکراتیک خویش برخوردار می‌شدند می‌توانستند با رفتن به سالن‌های نمایش و برقراری دیالوگ و نقد فیلم در حفظ و گسترش حوزه عمومی یا اجتماعی نیز سهمی داشته باشند.

حوزه اجتماعی مانند دموکراسی می‌تواند بسیار شکننده شود آن‌گاه که مابین حقوقی که از آن برخورداریم و تعهدی که در مقابل آن باید داشته باشیم نتوانیم توازن برقرار کنیم. به بیان دیگر، تعهد اجتماعی ما باید برابر حقوق اجتماعی ما باشد. من که پیوسته امنیت و آزادی را طلب

انسان فرهیخته هرگز با هنر پیوند مکانیکی ندارد بلکه همواره رابطه‌ای گرم و ارگانیک با هنر را می‌جوید. فیلم نیز اثری هنری است که سینما تنها آشیانه اوست؛ حال اگر فیلم را به‌جای این که در سینما تماشا کنیم در قالب یک ویدئو ببینیم، نه تنها بعد «استتیک» آن را نادیده گرفته ایم بلکه شبیه آن است که بخواهیم آواز محمدرضا شجریان یا سمفونی بتهوون را از طریق گوشی تلفن بشنویم! آن‌گاه روح از این هنر خارج شده و ماقط کالبد آن را در ویدئو و تلفن می‌شنویم و می‌بینیم.

تماشا یا گوش سپردن، مستلزم قید مکان است، حال آن‌که دیدن و شنیدن، چنین قیدی ندارند. ما هنگام گذار از تماشا به دیدن، در واقع فیلم را یا می‌کشیم یا چنان به آن آسیب می‌زنیم و کم ارزش می‌کنیم که فقط پیکر نیم سوخته‌اش را می‌بینیم. افزون بر این، سینما صرفاً هنر هفتم نیست بلکه یک رسانه مهم اجتماعی نیز به‌شمار می‌رود. باین حال از زمان اختراع تلویزیون به‌عنوان رقیب اصلی سینما، متحنی آمار تماشاگر همواره سیر نزولی داشته، به این معنا که از ۶۰ سال پیش تا امروز ما بیش‌تر بیننده فیلم هستیم تا تماشاگر آن.

البته همه فیلم‌ها در واقع فیلم هستند اما هنر نیستند، چراکه یک اثر هنری با یک کاریدی یا فیلم بازاری تفاوت آشکار دارد. و لگاریسم سینمایی یا همان فیلم عامه‌پسند که بسیار پول‌پسند نیز هست اصولاً دغدغه فرهنگی و استتیک ندارد. این نوع سینما نه ارزش هنری دارد و نه ارزش فرهنگی، بلکه پروژه ساخت و پخش فیلم را صرفاً یک کار تجاری مثل خرید و فروش کالا می‌داند.

البته پرده سینما نیز به‌عنوان رسانه صرفاً یک فضای سرد مکانیکی نیست بلکه بستر یا میدان یک تراژدی، کمدی یا حماسه است. در آن‌جا دیالوگ و نقش بازیگر، موسیقی متن و صحنه‌واقعیه، چنان متقارن، سحرآمیز و سوبلیم<sup>۱</sup> جلوه می‌کنند که تماشاگر مسحور می‌شود؛ پنداری او دیگر ناظر یک نمایش نیست بلکه خودش پاره‌ای از نقش و نمایش شده است.

البته چنین احساس نوستالژیکی از تماشای فیلم در سینما مربوط به سال‌ها پیش و تماشای فیلم‌های سیاه و سفید مثل «گاو» با هنرنمایی «عزت‌الله انتظامی» یا فیلم آمریکایی «بر باد رفته» با ایفای نقش «کلارک گی‌بل» است. با تماشای فیلم روسی «دکتر ژیاگو» که از روی شاهکار جاویدان «بوریس پاسترناک» ساخته شده آیا هیچ حس دل‌تنگی نسبت به هنر هفتم نداریم؟

این روزها خارج از پرده سینما و به‌شکل دیجیتالی به تماشای فیلم نشست، باعث شده به‌تدریج انزوای سینما و ریزش فرهنگی و عواقب اجتماعی آن را شاهد باشیم. پنداری سینما همچو تاریخ شده است؛ تاریخی







## درباره سینمای اجتماعی در ایران واقع گرایی یا سیاه‌نمایی؟

رضا صائمی



و پارادایم سینمایی بدل شده و با درخشش اصغر فرهادی در اسکار گره خورده، نوع نگاهی است که او در فیلم‌های خود به مسائل اجتماعی دارد؛ از جمله در «جدایی نادر از سیمین» که نوعی آسیب‌شناسی اختلاف طبقاتی را به تصویر می‌کشد و در دل آن به گزاره‌هایی مثل قضاوت اخلاقی می‌پردازد. فرهادی در فیلم «درباره‌الی» هم قضاوت اجتماعی را درون مایه اصلی قصه خود قرار می‌دهد و موقعیت‌های دشوار اخلاقی را در بسترهای اجتماعی آن در معرض داوری مخاطب قرار می‌دهد. اگرچه نهاد خانواده و مناسبات خانوادگی در فیلم‌های او پررنگ است اما به شدت ظرفیت خوانش‌پذیری اجتماعی دارد و در نسبت با گفتمان‌های اجتماعی موجود در جامعه ایران هویت پیدا می‌کند.

فارغ از سینمای فرهادی، اساسا سینمای اجتماعی با قصه‌های خانوادگی درهم تنیده شده و سنخیت دراماتیک پیدا می‌کند. درواقع در این‌جا خانواده به مثابه یک نهاد اجتماعی مهم، دست‌مایه ساخت فیلم‌های اجتماعی می‌شود.

از چالش‌ها و مناقشه‌های مهم سینمای اجتماعی ما، تأویل‌ها و نگاه‌های پارادوکسیکالی است که نسبت به آن وجود دارد؛ پارادوکسی که می‌توان آن را با دوقطبی آسیب‌شناسی/سیاه‌نمایی توضیح داد. آن‌ها که نقد اجتماعی در فیلم‌های سینمایی را برنمی‌تابند، همواره از پرداختن به مضامین اجتماعی به اسم سیاه‌نمایی یاد می‌کنند که پیامد آن یأس اجتماعی یا بی‌اعتباری ملی در افکار عمومی جهان خواهد بود. این در حالی است که آسیب‌شناسی اجتماعی یکی از کارکردهای مهم سینما به عنوان یک رسانه آگاهی‌بخش است و هیچ‌گاه یک فیلم سینمایی با تمام تلخی و تراژدی تکان‌دهنده‌ای که می‌تواند داشته باشد به یک عنصر تخریب‌گر برای کلیت فرهنگ یک جامعه بدل نمی‌شود.

شاید چالش بزرگ سینمای اجتماعی ما در حال حاضر، همین خوانش دوگانه بین کارکرد واقع‌گرایی و اتهام سیاه‌نمایی باشد. البته رویکردهای بدبینانه به واسطه ضمانت و حمایت قانونی و اجرایی که دارد با ممیزی‌ها و توقیف‌ها و سانسورها همراه و به‌عاملی بازدارنده در جهت رشد و شکوفایی سینمای اجتماعی ما تبدیل شده است.

سینمای اجتماعی ما در عین این که تأثیرگذارترین فیلم‌ها را تولید کرده که هم در گیشه موفق بوده‌اند و هم در جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی اما به دلیل همین سوءتفاهم‌ها و تنگ‌نظری‌ها نتوانسته از همه ظرفیت و ظرفیت خود در ترسیم واقعیت‌های اجتماعی بهره‌برد. سینمای اجتماعی به واسطه ماهیت رئالیستی خود از سویه‌ای واقع‌گرایانه برخوردار بوده و می‌تواند به مثابه یک ابزار هنری و ابزار رسانه‌ای در خوانش و پالایش مسائل اجتماعی ایران مؤثر باشد، به‌شرطی که سینمای اجتماعی ما دچار سیاست‌های اشتباه نشود.

انتقال آگاهی می‌پردازند فیلم‌های اجتماعی هستند. فیلم‌های در بستر تفنن، به پرورش تفکر مخاطب دست می‌زنند که در این معنا، سینمای اجتماعی با سینمای فلسفی و روشنفکرانه مماس می‌شود.

فارغ از این تنوع نظری در تعریف سینمای اجتماعی و در یک خوانش ساده و قابل فهم و تعمیم می‌توان گفت سینمای اجتماعی سینمایی است که تلاش می‌کند با بهره‌گیری از عناصر درام به ترسیم و بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی دست بزند و در پی اعتلای شعور اجتماعی یا شکل‌گیری و جهت‌دهی و بهبود کنش اجتماعی از طریق سینما باشد. از این منظر، سینمای اجتماعی غالبا سوبیه و کارکرد انتقادی دارد که می‌توان از فیلم‌های مسعود کیمیایی تا رخشانی بنی‌اعتماد را فارغ از تفاوت ساختاری و فرمی آن‌ها در ذیل سینمای اجتماعی قرار داد؛ اگرچه سینمای کیمیایی به سینمای اعتراض و نقادی سیاسی هم پهلوی می‌زند و هویتی رادیکال‌تر دارد.

فارغ از این خوانش‌های متفاوت، آن‌چه به‌عنوان مؤلفه مشترک و درواقع عنصر ماهوی سینمای اجتماعی شناخته می‌شود، دردمند بودن و دغدغه‌مند بودن آن است. اساسا انتظار و ذهنیتی که درباره سینمای اجتماعی وجود دارد این است که راوی دردهای اجتماعی و چالش‌ها و رنج‌های مردم باشد و به بیان دردهای آن‌ها بپردازد. از این منظر سینما بیش از این که یک پدیده، رخداد و ابزار هنری باشد، ابزار و رسانه‌ای است برای بیان و ترسیم و روایت تصویری مضامین و دردهای اجتماعی. از این‌رو سینمای اجتماعی بیش از آن که با کمدی و شادی شناخته شود با تراژدی و تلخی به‌یاد می‌آید.

اگر به مرور ذهنی آثار فیلمسازان اجتماعی بپردازیم کمتر فیلم و قصه‌ای کمیک را به‌یاد می‌آوریم و غالبا صحنه‌ها و سکانس‌های تراژیک و شخصیت‌ها و قهرمان‌های رنجور و زخم‌خورده در ذهن ما تداعی می‌شوند. با توجه به این که ترسیم و روایت واقعیت‌های اجتماعی، هسته معنایی و کانونی فیلم‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد، سوبیه مستندگونه آن‌ها پررنگ است یا موقعیت دراماتیک فیلم به دلیل سنخیت با واقعیت و سوبیه واقع‌گرایانه‌ای که دارد به مستند نزدیک می‌شود.

شاید از همین روست که اغلب مستندسازانی که وارد سینمای داستانی می‌شوند به ساخت فیلم‌های اجتماعی می‌پردازند. رخشانی بنی‌اعتماد و محسن عبدالوهاب دو نمونه از سینماگرانی هستند که از سینمای مستند به فیلم‌سازی اجتماعی پل زدند. «زیر پوست شهر»، «زرد قناری»، «قصه‌ها»، «خون بازی» و «ترگس» نمونه‌هایی از فیلم‌های بنی‌اعتماد هستند که از جمله مصادیق بارز و موفق سینمای اجتماعی شناخته می‌شوند. محسن عبدالوهاب هم با دو فیلم «لطفاً مزاحم نشوید» و «به دنیا آمدن» شکل دیگری از سینمای اجتماعی را روایت می‌کند.

نوع دیگری از سینمای اجتماعی که در یک‌دهه اخیر به یک برند

نقطه عزیمت در تحلیل سینمای اجتماعی، خود این مفهوم است. این که آیا اساسا «سینمای اجتماعی» یک ترکیب واژگانی درست از منظر سینمایی است یا خیر؟ آیا می‌توان از نوعی از فیلم‌سازی در ذیل مفهوم سینمای اجتماعی صحبت کرد یا نه؟ و آیا این مفهوم در ترمولوژی تخصصی سینما واجد اصالت معنایی و نظری است یا اصطلاحی خودساخته و فاقد وجاهت معنایی است.

به‌نظر می‌رسد ابتدا باید تکلیف معنایی با این واژه را روشن کرد تا بتوان درباره سینمای اجتماعی و ویژگی‌ها و مصادیق آن حرف زد. واقعیت این است که بسیاری امروزه از واژه «ژانر اجتماعی» استفاده می‌کنند که از اساس غلط است و اجتماعی بودن نمی‌تواند یک گونه و ژانر سینمایی محسوب شود. ژانر، متکی بر برخی قواعد فرمی و ساختاری است که نسبتی با محتوا و مضمون فیلم ندارد اما وقتی از سینمای اجتماعی صحبت می‌کنیم مقصود فیلم‌هایی است که به موضوع و سوژه‌های اجتماعی می‌پردازند.

از این حیث، فیلم اجتماعی مظلوفی است که می‌تواند در هر ظرف ژانری قرار بگیرد و خودش یک ژانر محسوب نمی‌شود. مثلاً ما شاهد فیلم‌هایی هستیم که از حیث ژانر، کمدی هستند اما مضمون و قصه آن‌ها حول یک مسأله اجتماعی صورت‌بندی شده است. از این رو به آن‌ها کمدی اجتماعی می‌گویند. «آجاره‌نشین‌ها»ی داریوش مهرجویی، «دایره زنگی» پریسا بخت‌آر و «قندون چهیزیه» علی ملاقلی‌پور و حتی «مهمان مامان» مهرجویی نمونه‌هایی از کمدی‌های اجتماعی هستند که از فرم و زبان کمیک برای بازنمایی و روایت یک موقعیت یا معضل و حتی انتقاد اجتماعی استفاده می‌کنند.

سینمای اجتماعی همچنین می‌تواند در بستر تراژدی شکل بگیرد و تلخ و گزنده باشد. فیلم‌های سعید روستایی، «اید و یک روز» و «متری شیش و نیم»، مصادیق فیلم‌های اجتماعی تلخ و تراژیک هستند. درواقع سینمای اجتماعی مفهومی عام‌تر از یک ژانر سینمایی داشته و می‌تواند ژانرهای متنوعی را در درون خود جای دهد. از این منظر می‌توان «آجاره‌نشین‌ها» و «متری شیش و نیم» را علی‌رغم تفاوت ژانری که با هم دارند در کنار هم و در ذیل سینمای اجتماعی قرار داد.

از سوی دیگر نگاه کارکردگرایانه به سینما که آن را به مثابه یک کنش اجتماعی تعریف می‌کند، سینما را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی می‌شناسد و در یک خوانش عام‌تر، سینما رفتن و فیلم دیدن را به‌عنوان یک عمل اجتماعی تعریف می‌کند. برخی نیز مبتنی بر همین نگاه کارکردگرایانه، پیام و پیامد یک فیلم را معیاری برای اجتماعی بودن یا نبودن آن می‌دانند. براین اساس فیلم‌هایی که فراتر از ایجاد سرگرمی به





